



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# روش روشن

مهدی مهدوی

دروغایف زمان نیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# روش روشن در وظایف زمان غیبت

نویسنده:

مهدی مهدوی لاهیجانی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۹	روش روشن در وظایف زمان غیبت
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	تقدیم به
۱۷	بخش اول: برتری مؤمنان زمان غیبت
۱۷	اشاره
۱۷	شگفت‌ترین ایمان در آخرالزمان
۱۸	پاداش تحمل مشکلات زمان غیبت
۱۹	اهمیت بندگی قبل از ظهور
۲۰	ناخدای کشتی نجات زمان غیبت
۲۱	بالاترین مقام در زمان عدم حضور امام علیه السلام
۲۳	کم بودن اهل نجات در آخرالزمان
۲۷	بخش دوم: وظایف زمان غیبت
۲۷	خطوط کلی برنامه زمان غیبت
۳۰	حفظ حب و بغض در غیبت امام علیه السلام
۳۲	تأکید بر ولایت در زمان غیبت
۳۳	امامان معصوم علیهم السلام الگوی زمان غیبت و حضور
۴۰	انتظار فرج
۴۹	عجله نداشتن در ظهور حق
۵۲	رعایت تقیه تا زمان ظهور
۵۶	گمنام زیستن و عزلت در آخرالزمان
۵۹	خانه نشینی و حفظ زبان قبل از ظهور
۶۳	حکم ذکر نام امام زمان علیه السلام در زمان غیبت

۶۴	تکذیب تعیین زمان خاص برای ظهور
۶۶	دعا و نیایش برای ظهور و عاقبت به خیری
۷۰	استقامت در زمان غیبت
۷۲	شناخت اوضاع زمان غیبت
۸۲	محافظت بر اعمال و آداب شرعی
۸۳	تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر
۸۵	حکم جهاد در زمان غیبت
۸۶	تقویت باطن
۸۷	دوری از شک و تردید
۸۸	جلوگیری از قساوت قلب
۸۹	ترجیح ناتوانی بر فخرفروشی
۹۰	مواسات برادران دینی
۹۰	گلایه نداشتن از خدا
۹۱	گول دنیا را مخور
۹۲	رسیدگی به درماندگان
۹۳	پرهیز از علمای سوء
۹۴	رجوع به راویان حدیث
۹۵	انس به کتب احادیث
۹۵	همدلی در وفاداری ، پرداخت حقوق
۹۶	امید به ظهور
۹۶	فراموش نکردن حضرت
۹۹	غم فراق
۱۰۰	شوق دیدار
۱۰۱	حکمت غیبت
۱۱۱	بخش سوم: شناخت امام زمان علیه السلام
۱۱۱	اشاره

- ۱۱۲ ..... روشن تر از آفتاب
- ۱۱۴ ..... نص بر امامت
- ۱۱۵ ..... قدرت بر اعجاز و علم امامت
- ۱۱۸ ..... اوصاف ظاهری
- ۱۲۴ ..... فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
- ۱۲۴ ..... سلاح، زره و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
- ۱۲۸ ..... رایت ظفر
- ۱۳۱ ..... ذخائر پیامبران الهی علیهم السلام
- ۱۳۵ ..... اتفاق بنی فاطمه
- ۱۳۷ ..... بخش چهارم: شناخت علائم ظهور
- ۱۳۷ ..... اشاره
- ۱۴۰ ..... خروج سفیانی
- ۱۴۳ ..... فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان مدینه
- ۱۴۵ ..... قتل نفس زکیه
- ۱۴۸ ..... صیحه آسمانی
- ۱۵۳ ..... نزول حضرت عیسی علیه السلام
- ۱۵۴ ..... ویژگی های یاران
- ۱۵۵ ..... وقایع هنگام ظهور
- ۱۶۱ ..... سیره عملی حضرت ، برنامه ای جدید
- ۱۶۲ ..... شرح مختصری بر برنامه های آن حضرت
- ۱۶۵ ..... بخش پنجم: وظایف نزدیک ظهور
- ۱۶۵ ..... اشاره
- ۱۶۵ ..... پنهان شدن از سفیانی
- ۱۶۶ ..... تجهیز رزمندگان
- ۱۶۶ ..... یاری یمانی
- ۱۶۷ ..... رفتن به مکه

- ۱۶۷ ..... حرکت به سوی حضرت و شتاب در هر شرایطی
- ۱۷۰ ..... سپاسگزاری خداوند به جهت درک دولت کریمه
- ۱۷۱ ..... کیفیت خطاب و سلام به حضرت پس از ظهور
- ۱۷۲ ..... استدراک صفحه : ۱۰۲
- ۱۷۳ ..... فهرست
- ۱۸۱ ..... درباره مرکز



## روش روشن در وظایف زمان غیبت

### مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مهدی

عنوان و نام پدیدآور : روش روشن در وظایف زمان غیبت/ مهدی مهدوی.

مشخصات نشر : تهران: دلیل ما، 1391.

مشخصات ظاهری : 168ص.

شابک : 35000 ریال: 8-806-397-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : این کتاب در سال های 1393-1398 تجدید چاپ شده است

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق -

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - -- احادیث

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255ق. - -- غیبت -- احادیث

موضوع : مهدویت -- انتظار

رده بندی کنگره : 1391 9885م/BP224/4

رده بندی دیویی : 297/462

شماره کتابشناسی ملی : 2723736

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

ویراستار دیجیتالی: محمد منصوری

ص: 1

اشاره



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگاه با عظمت کریمه اهل بیت

حضرت فاطمه معصومه علیها السلام

بانوی بزرگواری که در سایه لطف او به این خدمت ناچیز موفق گردیدم .

امام سجاده علیه السلام فرمود: قائم آل محمد علیهم السلام دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است ... غیبت دوم ، آن قدر طول می کشد که بیشتر شیعیان از دین و عقیده خویش بر می گردند و ثابت نمی ماند مگر کسی که یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشد، و پذیرفتن حکم ما بر او دشوار نیاید، و تسلیم ما اهل بیت باشد.

کمال الدین 324 - 323 ، بحار 51 : 134 ، اثبات الهداة 3:467 .

ص: 3

بخش اول : برتری مؤمنانِ زمانِ غیبت \*\*\* 9

بخش دوم : وظایف زمانِ غیبت \*\*\* 19

بخش سوم : شناخت امام زمان علیه السلام \*\*\* 101

بخش چهارم : شناخت علائم ظهور \*\*\* 125

بخش پنجم : وظایف نزدیکِ ظهور \*\*\* 149

ص: 4

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على أعدائهم أجمعين الى يوم الدين .

امامان معصوم عليهم السلام در زمان غیبت از ما چه خواسته اند ؟ آیا فرموده اند به دنبال کسانی برویم که ادعای مشاهده و ارتباط با امام زمان علیه السلام را دارند ؟!

آیا فرموده اند به سراغ کسانی برویم که از امور غیبی خبر می دهند، و صاحب کرامت هستند ؟!

آیا گفته اند به ارباب مکاتب بشری رجوع کنیم ؟!

خیر ؛ به هیچ يك از اینها دستور نداده اند ، بلکه از ما خواسته اند در زمان غیبت امام عصر علیه السلام به راویان آثار اهل بیت علیهم السلام و ناقلان کلمات نورانی ایشان رجوع و به آنچه از آنان به دست ما رسیده اکتفا نماییم تا زمانی که خورشید

جمالش از پس ابرهای ظلمانی غیبت بدرخشد و عالم را نورانی نماید .

در کنار این دستور به شدت ما را برحذر داشته اند که : مواظب باشید کسی شما را از دین خارج نکند، و از صراط مستقیم به راه دیگری نکشاند.

ص: 5

با اندکی تأمل در اوضاع جامعه می بینیم که برخی از مردم اهمیتی به دین و عقیده خویش نمی دهند و تمام توجه آنها به زندگانی دنیا معطوف است حتی بسیاری از کسانی که گرایش مذهبی دارند نیز به انحراف کشیده شده اند.

بعضی در دام مدعیان مشاهده و ارتباط با امام زمان علیه السلام افتاده اند، و با خواندن و شنیدن مطالب آنها به دنبال افراد مرتبط با حضرت می گردند .

برخی با استماع آثار اهل تصوف و مدعیان کشف و شهود به سراغ کسانی رفته اند که به خیال خویش با عالم دیگر ارتباط دارند، و ادعا می شود که امور خارق العاده از آنها دیده شده و صاحب کرامت هستند.

عده ای دیگر منکر تمام امور گذشته شده اند و با بینش - به اصطلاح - عقل گرایی و روشن فکری به امور معنوی پشت پا زده ، و دادِ دانش و خرد می زنند، و حتی به مسلمات کتاب و سنت خرده می گیرند.

آیا پیشوایان معصوم علیهم السلام - العیاذ باللّه - از مشکلات زمان ما غافل بوده اند؟! آیا آنها از سختی هایی که برای پیروانشان پیش می آید اطلاع نداشته اند؟! یا اینکه اعتنایی به آن نکرده و اهمیتی بدان نداده اند؟!

هیچ يك از این فرض ها صحیح نیست، بلکه یقین داریم که خدا علم و دانش گذشته و آینده را به آنها عنایت فرموده و احوال دوست و دشمن را به آنها خبر داده است. در این صورت چگونه ممکن است کسانی که از پدر و مادر به ما مهربان تر هستند، اهمیتی به نجات ما ندهند و در اصلاح دین و دنیا و آخرت، ما را از راهنمایی لازم بی بهره بگذارند؟!

بی تردید آنها رسالت الهی خویش را ابلاغ فرموده اند، در سخت ترین شرایط از دستگیری شیعیان دست نکشیده اند، و برای همه زمان ها و بویژه زمان پر خطر غیبت - که راهزنان دینی با شگردهای مختلف و در لباس های متفاوت مردم را به بیراهه می کشانند - راهنمایی های لازم را بیان کرده و از تذکر اموری که باعث رشد و صلاح و نجات بشر است دریغ فرموده اند.

آری! این ما هستیم که در تعلّم دین تعلق ورزیده و کوتاهی می کنیم و از توجه به تکالیف خویش غافلیم. برای هر چیزی فرصت داریم و وقت صرف می کنیم، ولی از اینکه بخشی از اوقات خویش را به یادگیری وظایف زمان غیبت اختصاص دهیم غفلت می نماییم.

نوشتار حاضر

دیرزمانی بود که می خواستم مجموعه ای کوتاه و گویا از روایات مخصوص وظایف زمان غیبت تهیه نمایم. پس از جمع آوری احادیث و ترجمه آن، نکاتی حائز اهمیت از روایات دیگر به آن افزودم و نوشته ای که پیش رو دارید، آماده گردید.

نام این نوشتار برگرفته از فرمایش حضرت مهدی علیه السلام است که - بنابر نقل شیخ طوسی قدس سره و شیخ طبرسی رحمه الله - فرموده اند:

«وَجَعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ» (1).

قصد محبت به سوی ما را، بر سنت و روش روشن قرار دهید.

ص: 7

---

1- . غیبت شیخ طوسی 286، احتجاج 2: 279، بحار 53: 179.

مطالب کتاب در پنج بخش تنظیم شده است:

بخش اول برتری مؤمنان زمان غیبت بر دیگران .

بخش دوم حاوی مطالبی است که به عنوان وظایف زمان غیبت ، پیشوایان معصوم علیهم السلام شیعیان و دوستان خویش را بدان ارشاد فرموده اند.

بخش سوم چگونگی شناخت امام زمان علیه السلام و خصوصیات که به واسطه آن، حضرت بقیه الله علیه السلام از کسانی که به دروغ ادعای مهدویت کنند، شناخته می شود.

بخش چهارم بیان علائم ظهور آن گرامی است که آن نیز در رسوا کردن مدعیان نقش مهمی را ایفا کرده، و برای اهل ایمان اطمینان بخش خواهد بود.

بخش پنجم وظایف مربوط به زمان نزدیک ظهور آن حضرت است .

ص: 8



از کلمات گهربار خاندان عصمت علیهم السلام استفاده می شود کسانی که در زمان غیبت بر ایمان خود ثابت قدم باشند از دیگران - یعنی کسانی که در زمان حضور اهل بیت علیهم السلام بوده اند بلکه از یاران خود امام زمان علیه السلام هم - برتر هستند.

### شگفت ترین ایمان در آخرالزمان

1. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: یا علی! شگفت ترین مردم در ایمان و باعظمت ترین آنها از جهت یقین، مردمانی در آخرالزمان هستند که پیامبر را ندیدند و حجت هم از میان آنها غائب شده، و به سیاهی بر سفیدی (یعنی نوشته هایی بر روی کاغذ که قرآن و روایات باشد) ایمان می آورند. (1)

2. امیرمؤمنان علیه السلام درباره آنها فرموده: «أَوْلَئِكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ»، یعنی: آنها بهترین افراد این امت هستند. (2)

ص: 9

---

1- من لا يحضره الفقيه 4 : 366 ، كمال الدين 288 ، مكارم الأخلاق 440 ، بحار 74 : 56 ، وسائل 27 : 92 ، اثبات الهداة 3 : 453 ، ورجوع شود به : بحار 52 : 125 .

2- الامامة والتبصرة 120 ، كمال الدين 289 ، الهداية الكبرى 362 ، كافي 1 : 338 ، غيبت شيخ نعماني 69 ، غيبت شيخ طوسی قدس سره 166 ، دلائل الإمامة 530 ، الصراط المستقيم 2:126 ، اختصاص 209 ، اعلام الوری 2:228 ، بحار 51:118 ، 153 ، اثبات الهداة 3:442 ، 462 ، 516 .

3. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به اصحاب خویش فرمود: زمانی فرا می رسد که برای هر يك از آنها (مؤمنان دوران غیبت) پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود.

اصحاب [با تعجب] گفتند: ای پیامبر خدا! ما در بدر و أحد و حنین با شما بودیم و آیات قرآن در مورد ما نازل شد! حضرت فرمود: شما تاب و توان مشکلاتی که آنها تحمل می کنند و صبر و بردباری آنها را ندارید. (1)

4. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در جمع اصحاب دو مرتبه به درگاه الهی عرضه داشت: خدایا برادران مرا به من نشان ده!

اصحاب عرض کردند: مگر ما برادر شما نیستیم؟! حضرت فرمود: نه، شما اصحاب من هستید، برادران من گروهی هستید در آخرالزمان که بدون اینکه مرا دیده باشند به من ایمان می آورند. خدا آنها را پیش از آنکه از صلب پدر و رحم مادر خارج شوند با نام و نام پدر به من معرفی نموده است. آنان در پایداری در دین از کسی که می خواهد در شب تار خارهای قتاد (2) را با دست بچیند، یا کسی که اخگر آتش را مُشت کرده در دست بگیرد، سخت تر ایستادگی می نمایند، آنان چراغ تاریکی ها هستند که خدا از هر فتنه تار و ظلمانی نجاتشان می دهد. (3)

ص: 10

---

1- . خرائج 3: 1149 ، غیبت شیخ طوسی 456 - 457 ، بحار 52:130 ، ورجوع شود به: امالی شیخ طوسی 485 ، منتخب الأنوار المصنیة 49 ، بحار 28 : 47 .

2- . قتاد ، درختی خاردار است که خارهای آن مانند سوزن است . لسان العرب 3 : 342 .

3- . بصائر الدرجات 104 ، بحار 52 : 123 - 124 ورجوع شود به: کنز العمال 12:163 ، 182 - 184 .

5. در ضمن روایتی آمده است که عمار سباطی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا بندگی همراه با امامی که در زمان دولت باطل مخفی است برتر است یا پس از ظهور و با امام ظاهر از شما؟

حضرت در پاسخ فرمود: هم چنانکه صدقه مخفیانه از صدقه آشکارا افضل است، عبادت مخفیانه شما نیز با امام مستور و مخفی در زمان دولت باطل برتر است؛ زیرا شما از دشمن خائف و هراسان هستید و در خوف و خطر به سر می برید، و اعمال خویش را در حال تقیه بجا می آورید ... و این با عبادت در حال امن و آسایش زمان دولت حق تفاوت بسیار دارد ... مؤمنی که کارهایش را نیکو بجا آورد، مراعات تقیه نموده و زبان خویش را حفظ کند، خدا پاداش حسنات او را چندین برابر - به مراتب بسیار - عطا می نماید ... شما بر عبادت مخفیانه خدا همراه با امام مخفی از آنها سبقت گرفتید و از امام اطاعت کردید، با او در راه خدا صبر پیشه نمودید، انتظار دولت حق را کشیدید، بر امامتان و خودتان از پادشاهان ترسیدید، شما دیدید که حق امامتان و حق خودتان در دست ستمگران است و نمی گذارند به شما برسد.

عمار پرسید: پس دیگر وجهی ندارد که ما آرزو کنیم از اصحاب قائم آل محمد علیهم السلام باشیم چون الان فضیلت ما بیشتر است.

حضرت فرمود: سبحان الله! دوست ندارید که خداوند، حق و عدالت را ظاهر سازد؟! [نمی خواهی] حال همه مردم نیکو شود، خدا اختلاف را از میان بردارد، دل ها به یکدیگر مهربان شده [کینه و دشمنی از میان برداشته شود]، کسی در زمین نافرمانی خدا نکند، حدود الهی بر پا داشته شود و حق به اهلس

باز گردد تا چیزی از حق از ترس کسی پنهان نباشد!؟

به خدا سوگند ای عمار! هر کس از شیعیان در این حالی که شما بر آن هستید از دنیا برود، نزد خدا از بسیاری از شهدای بدر و احد برتر است. (1)

6. امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که در زمان غیبت بر ولایت ما ثابت بماند، خدا به او پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد عنایت خواهد فرمود. (2)

### ناخدای کشتی نجاتِ زمانِ غیبت

7. در روایتی از امام عسکری به نقل از امام هادی علیهما السلام آمده است که

فرمود: گروهی از علما و دانشمندان، پس از غائب شدن قائم آل محمد علیهم السلام مردم را به سوی آن حضرت دعوت نموده و آنها را به شناخت آن امام همام راهنمایی می کنند و از دین با دلایل الهی دفاع می نمایند، و بندگان ضعیف خدا را از دام ها و تله های شیاطین و نواصب نجات می دهند، اگر آنها نباشند هیچ کس بر دین خدا باقی نمی ماند و همه مرتد می شوند، ولی آنها هستند که زمام دل ضعیفان شیعه را نگه می دارند [و از تزلزل آنها جلوگیری می کنند] مانند ناخدایی که سگان کشتی را نگه داشته [و مانع غرق شدن آن می شود] «أُولَئِكَ هُمُ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». یعنی: آنها نزد خدا از همه برتر هستند. (3)

ص: 12

1- . کافی 1 : 333 - 335، کمال الدین 2 : 646 - 647، بحار 52 : 127 - 128 .

2- . کمال الدین 323 ، اعلام الوری 2 : 232 ، دعوات شیخ راوندی قدس سره 274 ، کشف الغمة 3 : 329 ، بحار 52 : 125 و 79 : 173 ، اثبات الهداة 3 : 467 .

3- . رجوع شود به : تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام 345 ، احتجاج 1 : 10 و 2 : 260 ، الصراط المستقیم 3 : 56 ، بحار 2 : 6 .

8. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خدایا! می دانم که همو علم و دانش برچیده نمی شود و مردم از مایه و مواد آن محروم نمی گردند، و می دانم که تو زمین خود را خالی از حجت بر خلق نسازی - که آن حجت یا ظاهر است و فرمانش نمی برند یا بيمناك و نهان است - تا حجت تو باطل نگردد و دوستانت پس از هدایت به گمراهی کشیده نشوند.

آنان کجایند و چه اندازه اند؟ آنان دارای کم ترین شماره و بزرگ ترین مقام نزد خدا هستند، آنان پیروان پیشوایان دین - یعنی امامان هدایتگر - هستند و به آداب آنها پرورش می یابند و بر روش آنها سیر می کنند؛ آن زمان علم و دانش، آنها را به حقیقت ایمان می کشاند و جانشان پذیرای پیشوایان دانش می گردد.

سخن امامان حق که بر دیگران ناگوار است برای آنها دلنشین باشد و به آنچه مکذبان حق از آن وحشت می کنند و مسرفان ابا دارند، انس و الفت می گیرند، آنان پیروان دانشمندانند. در مصاحبت اهل دنیا مطیع خدای تبارك و تعالی و اولیای او هستند، و از ترس دشمن به وسیله تقیه، بندگی خدا و دین داری می نمایند. روحشان به مقام والاتری تعلّق دارد [و دل آنان به سوی خدا و اولیای او پَر می زند]، دانشمندان و پیروانشان در دولت باطل بی زبان و ساکت و خاموش هستند، و در انتظار دولت حق به سر می برند و قطعاً خدا با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و باطل را محو می سازد.

خوشا به حالشان که در زمان غلبه باطل، بر دین داری صبر می کنند. چقدر مشتاقم به دیدارشان در دوران ظهور دولت و حکم رانی آنها!

قطعاً خدا ما را با آنها و با هر که شایسته باشد از پدران و همسران و

\* در روایت 43 خواهد آمد که : آن زمان بندگان به خدا نزدیک تر و تقرب آنها نزد او بیشتر ، و خدا از آنها راضی تر و خوشنودتر است.

\* در روایت 49 آمده است : اهل زمان غیبت که اعتقاد به امامت آن حضرت داشته و انتظار ظهور را می کشند فضیلتشان از دوران های دیگر بیشتر است.

\* در روایت 81 آمده است : حضرت فرمود : خدای تعالی آنها را ندا می دهد: شما بندگان و کنیزان واقعی من هستید [که حق بندگی را بجا آورده اید] ، اعمال شما را پذیرفته، از لغزش های شما چشم پوشی کرده، و گناهانتان را می آمرزم . به واسطه شما بر [سایر] بندگان باران را نازل و بلاها را از آنها دفع می نمایم، اگر شما نبودید عذاب خویش را بر آنها فرو می فرستادم.

\* در روایت 122 آمده است : برای گروهی از صابران دوران غیبت پاداش پنجاه صدیق مؤمن که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را درك کرده اند ، خواهد بود .

محدث بزرگ شیعه شیخ حرّ عاملی قدس سره فرموده : روایاتی که بر این معنا دلالت دارد بسیار است که به صورت پراکنده هر کدام در محل خودش ذکر شده است. (2)

ص: 14

- 
- 1- . کافی 1 : 335 . و آخر روایت اشاره است به آیه شریفه : (جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ) . (الرعد 13 : 23) .
  - 2- . أمل الآمل 1 : 10 .

در روایات آمده است که هنگام قیام امام زمان علیه السلام مردم در غفلت به سر برده و حق و حقیقت را به کلی به فراموشی می سپارند .

جور و ستم به صورت علنی همه جا را فرا گرفته، (1) و امت ها به گمراهی کشانده می شوند. (2)

از زمان غیبت به دوران حیرت و سردرگمی و سرگردانی تعبیر شده که امت هایی در آن گمراه می شوند، (3) چندین برابر سرگردانی و گمراهی بنی اسرائیل، (4) آن هم به صورتی ناگوار و فراگیر که هیچ پناهی باقی نمی ماند، (5) [امت] مانند گله سرگردانی است که دنبال چراگاه است، هرچه می گردد، می چرخد و می تازد راه به جایی نمی برد، (6) به گونه ای که هیچ کس [حقیقتاً]

ص: 15

- 1- . رجوع شود به : غیبت شیخ نعمانی 222 - 223 ، غیبت شیخ طوسی 190 ، بحار 51 : 39 - 40 ، 120 ، اثبات الهداة 3 : 505 ، 538 با قدری اختلاف .
- 2- . کمال الدین 287 ، اعلام الوری 2 : 226 - 227 ، کشف الغمة 3 : 327 ، منتخب الانوار المضيئة 53 ، بحار 51 : 72 ، اثبات الهداة 3 : 460 - 461 . و مراجعه شود به : کمال الدین 257 - 258 ، 286 ، 330 ، الإمامة والتبصرة 119 - 120 ، کفایة الأثر 67 ، غیبت شیخ نعمانی 69 ، غیبت شیخ طوسی 336 ، منتخب الانوار المضيئة 53 ، بحار 36 : 309 و 51 : 72 ، 118 ، 137 ، اثبات الهداة 3 : 460 ، 461 .
- 3- . مراجعه شود به مصادر پاورقی گذشته و بحار 51 : 110 ، 118 ، عوالم 26/3 : 8 .
- 4- . کافی 8 : 66 ، ارشاد 1 : 290 ، بحار 51 : 123 ، 111 .
- 5- . رجوع شود به : الامامة والتبصرة 114 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 9 ، کمال الدین 370 - 371 ، کفایة الاثر 158 ، غیبت شیخ نعمانی 179 ، 186 ، غیبت شیخ طوسی 439 ، دلایل الإمامة 460 ، خرائج 3 : 1168 ، مختصر بصائر الدرجات 38 ، 157 - 158 ، الصراط المستقیم 2 : 239 ، بحار 36 : 338 و 51 : 108 - 109 ، 114 ، 152 ، 155 و 52 : 289 - 290 ، اثبات الهداة 3 : 725 - 726 ، عوالم 26/3 : 5 - 6 .
- 6- . مراجعه شود به : علل الشرائع 1 : 245 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام 2 : 247 ، کمال الدین 303 ، 480 ، منتخب الأنوار المضيئة 148 ، بحار 51 : 109 ، - 110 ، 114 ، 119 ، 152 و 52 : 96 ، اثبات الهداة 3 : 464 .

نمی تواند بگوید: «خدا»؛ مگر مخفیانه! (1) تا جایی که برخی از کسانی که اعتقاد به اهل بیت علیهم السلام داشته اند نیز از عقیده خویش دست برمی دارند، (2) و جز افراد

بسیار اندک - که از کبریت احمر هم نایاب ترند! (3) - بر ایمان و اعتقاد به امامت آن حضرت باقی نخواهند ماند. (4)

ص: 16

- 1- . امالی شیخ طوسی 382، بحار 51 : 117 .
- 2- . مراجعه شود به : مسائل علی بن جعفر قدس سره 325، الإمامة والتبصرة 113، کافی 1 : 336، کمال الدین 323، 359 - 360، 385، علل الشرایع 1 : 244، کفایة الأثر 268 - 269، غیبت شیخ نعمانی 156، غیبت شیخ طوسی 166، 337، دلائل الامامة 534، اعلام الوری 2 : 239، 249، الملاحم والفتن سیدابن طاووس رحمه الله 354، کشف الغمة 3 : 334، منتخب الانوار المضية 261، الصراط المستقیم 2 : 229، بحار 51 : 30، 134، 158 150 و 52 : 24، 113، اثبات الهداة 3 : 476 .
- 3- . کمال الدین 288، اعلام الوری 2 : 227، الیقین 495، کشف الغمة 3 : 328، بحار 38 : 126 و 51 : 73، اثبات الهداة 3 : 464. «کبریت احمر» گوهری است که اهل کیمیا دنبال آن هستند و آن را اکسیر می دانند. بحار 64 : 159 .
- 4- . غیبت شیخ نعمانی 176، غیبت شیخ طوسی 61، 162، بحار 52 : 153 و 53 : 324، اثبات الهداة 3 : 499، 500 و رجوع شود به : عوالم 26/3 : 113، 120، 122 . تذکر این نکته مناسب است که فتنه هایی که انسان گرفتار آن شده و باعث انحراف او می شود، ناشی از میل و علاقه به دنیاست، در حدیث قدسی آمده است : «بدان که بذر هر فتنه ای دوستی دنیاست». و شوق به مظاهر مادی نتیجه واگذاشته شدن انسان به خویشتن است که خدا به حضرت عیسی علیه السلام فرماید : «اگر تو را به خود واگذار نمایم محبت دنیا و زیبایی های آن بر تو غالب می شود». (مراجعه کنید به کافی 2 : 135، بحار 70 : 73، 105، مستدرک 12 : 37) و باز ذکر این نکته خالی از لطف نیست که از کلام امیر مؤمنان علیه السلام استفاده می شود : منشأ همه فتنه ها پیروی از هواهای نفسانی و نوآوری در قوانین الهی است که عده ای از برخی دیگر در آن پیروی نموده و حق و باطل آمیخته به یکدیگر عرضه شود، و بدین سان شیطان دوستانش را گمراه سازد . (مراجعه کنید به نهج البلاغه 1 : 99 - 100، کافی 1 : 54 و 8 : 58، بحار 2 : 290، 315 و 34 : 172 با کمی اختلاف) .



فقط کسانی اهل نجات هستند که در عالم دژ و میثاق [به عهد ولایت پاسخ مثبت داده و] خدا از آنها بر ولایت پیمان گرفته، (1) و در دل های آنان ایمان را ثبت کرده و با روح (2) خویش آنها را تأیید نموده باشد. (3)

کسانی که خدا خودش آنها را حفظ کند، (4) و بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت بدارد، و به آنها توفیق دعا برای تعجیل فرج عنایت نماید. (5)

کسانی که به آیات الهی ایمان و اعتقاد داشته، در مواسات با برادران دینی کوشا بوده، و یکدیگر را به ثابت ماندن بر اعتقاد به امامت، و صبر و تحمل شداید سفارش می نمایند. (6)

ص: 17

- 1- . غیبت شیخ نعمانی 194 ، 219 غیبت شیخ طوسی 420 ، منتخب الانوار المصیئة 329 ، بحار 52 : 287 ، 385 .
- 2- . امام صادق علیه السلام فرمود : روح از مخلوقات خداوند است، و مقصود از آن نصرت، یاری، تأیید، قدرت و قوتی است که خداوند در دل پیامبران علیهم السلام و مؤمنین قرار می دهد. (توحید شیخ صدوق 171 ، بحار 4 : 13).
- 3- . کمال الدین 304 ، اعلام الوری 2 : 229 ، كشف الغمة 3 : 328 ، بحار 51 : 110 ، و مراجعه شود به : الامامة والتبصرة 125 ، کافی 1 : 336 ، 338 - 339 ، غیبت شیخ نعمانی 152 - 154 ، غیبت شیخ طوسی 337 - 338 ، امالی شیخ مفید 45 ، دلائل الامامة 532 - 533 ، خرائج 2 : 964 ، بحار 51 : 135 ، 147 ، 224 ، 281 ، اثبات الهداة 3 : 480 ، 488 ، 444 ، 473 ، 512 ، 536 ، 583 .
- 4- . کمال الدین 409 ، كفاية الأثر 296 ، إعلام الوری 2 : 252 - 253 ، كشف الغمة 3 : 335 ، الصراط المستقیم 2 : 232 ، بحار 51 : 160 ، اثبات الهداة 3 : 482 .
- 5- . کمال الدین 384 ، إعلام الوری 2 : 248 ، كشف الغمة 3 : 333 ، الصراط المستقیم 2 : 232 ، منتخب الأنوار المصیئة 261 ، بحار 52 : 24 ، اثبات الهداة 3 : 480 .
- 6- . روایت آن تحت عنوان «مواسات برادران دینی» در بیان سوره والعصر خواهد آمد ، و در روایت شماره 134 نیز خواهد آمد که : هر کدام ... آنچه از حقوق مستحقین به عهده اوست پردازد ، از فتنه هایی که بر سرتان سایه افکنده و محنت های تار و ظلمانی گمراه کننده آن در امان خواهد بود.

\* ابتدای کتاب از امام سجاد علیه السلام گذشت که : کسی ثابت نخواهد ماند مگر یقین قوی و معرفت صحیح داشته باشد، و پذیرفتن حکم ما بر او دشوار نیاید، و تسلیم ما اهل بیت باشد.

مبطلان(1) هلاک شده و به شك و شبهه می افتند و اهل جهل و نادانی به حیرت گرفتار می شوند.(2) اهل شتاب و عجله نابود شده،(3) و کسانی که اهل تسلیم باشند نجات پیدا می کنند.(4)

ص: 18

1- . واژه مبطلان : مفهوم وسیعی دارد که مصادیق متعددی را در بر می گیرد : کسانی که کار باطل و یا کار بی نتیجه انجام می دهند. افرادی که مطلب باطلی را عرضه می کنند. تفسیر غریب القرآن ، طریحی 446 کسانی که از حق عدول کنند ، اهل باطل باشند ، و کار ناحق انجام دهند . (تبیان 9 : 261، مجمع البیان 9 : 133) خرابکاران ، مفسدان و اشخاصی که برای نابودی حقیقت اقدام کنند . آنهایی که مطالب بی اساس می گویند . (مفردات راغب 51)

2- . رجوع شود به : کافی 1 : 337 ، کمال الدین 342 ، 345 - 346 ، 426 ، 409 ، کفایة الاثر 296 ، غیبت شیخ نعمانی 170 ، غیبت شیخ طوسی 334 ، اعلام الوری 2 : 253 ، کشف الغمة 3 : 336 ، الصراط المستقیم 2 : 227 ، 232 ، بحار 51 : 12 ، 146 ، 160 و 96 : 52 .

3- . برای توضیح عجله مذموم رجوع شود به : روایات شماره : 41 ، 54 ، 62 ، و عنوان : «اقتدا به امامان معصوم علیهم السلام» و عنوان : «عجله نداشتن» .

4- . مراجعه شود به : کتاب الزهد 82 ، الإمامة والتبصرة 95 ، کافی 1 : 368 و 3 : 132 و 8 : 294 ، غیبت شیخ نعمانی 203 - 204 ، 304 ، غیبت شیخ طوسی 426 ، بحار 6 : 198 و 51 : 158 و 52 : 103 - 104 ، 138 و 53 : 97 .

## بخش دوم: وظایف زمان غیبت

### خطوط کلی برنامه زمان غیبت

گفته شده: الان زمان غیبت است و ما که دسترسی به امام زمان علیه السلام نداریم، از شناخت کامل معارف و اصول دین و احکام و فروع آن عاجز و ناتوانیم، پس در کوتاهی در اعتقاد و عمل معذور خواهیم بود.

می‌گوییم: همین نکته مورد توجه راویان حدیث و ناقلان اخبار بوده؛ لذا هنگامی که از غیبت امام زمان علیه السلام صحبت می‌شد، از پیشوایان معصوم علیهم السلام سؤال می‌کردند که در چنین زمانی وظیفه چیست؟ و در پاسخ یکی از روایات زیر را می‌شنیدند:

9. تَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ. (1)

10. فَتَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يَبِينَنَّ لَكُمْ الْآخِرُ. (2)

11. تَمَسَّكُوا بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُبَيِّنَ لَكُمْ. (3)

ص: 19

---

1- . کمال الدین 348، بحار 52 : 149 ، در بحار : حتی یستیقن .

2- . غیبت شیخ نعمانی 161، بحار 52 : 132 .

3- . غیبت شیخ نعمانی 162، بحار 52 : 133 .

12 . يَتَعَلَّقُونَ بِالْأَمْرِ الْأَوَّلِ حَتَّى يَسْتَيْنَ لَهُمُ الْآخِرُ. (1)

13 . فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَصِحَّ لَكُمْ الْأَمْرُ. (2)

14 . كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يُطْلِعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ. (3)

15 . كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيَكُمْ اللَّهُ بِصَاحِبِهَا. (4)

16 . يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمُ. (5)

یعنی : به امر اول [که در گذشته بدان معتقد بوده اید] تمسک کنید تا مطلب برای شما روشن شود . (روایات 9 - 12) .

به آنچه در دست دارید تمسک کنید تا امر صحیح بر شما ثابت شود . (روایت 13) .

بر آنچه هستید باقی بمانید تا خدا صاحب امر را برساند و ستاره شما [ستاره درخشان امامت] طلوع نماید . (روایات 14 - 15) .

بایستی شیعیان بر آنچه هستند ثابت قدم باشند تا مطلب برای آنها روشن گردد . (روایت 16) .

\* در روایت 33 خواهد آمد که: اگر روزی پیش آمد که به هیچ یک از امامان علیهم السلام دسترسی نداشتید ، از خدای تعالی کمک بخواهید و همان سنت و راه و روشی را که قبلاً بر آن بوده اید ادامه دهید .

ص: 20

---

1- . کمال الدین 351، بحار 27 : 297 ، در بحار : الأخير .

2- . کمال الدین 348 - 349، غیبت شیخ نعمانی 161، بحار 52 : 133 .

3- . کمال الدین 349، غیبت شیخ نعمانی 162، بحار 52 : 134 .

4- . غیبت شیخ نعمانی 163 ، بحار 52 : 134 .

5- . الامامة والتبصرة 125 ، کمال الدین 350 ، بحار 52 : 149 .

علامه مجلسی رحمه الله - پس از نقل برخی از روایات گذشته - می نویسد : مقصود از این روایات آن است که در دین خود متزلزل نشوید، و در مقام عمل حیران و سرگردان نباشید، در اصول و فروع دین به آنچه از ائمه اطهار علیهم السلام به شما رسیده تمسک نمایید. مبادا از انجام وظایف خویش دست کشیده و یا از عقیده خودتان دست بردارید، [ثابت قدم باشید] تا آن حضرت ظهور فرماید.

و ممکن است معنای روایات این باشد که اگر کسی ادعا کند : «من قائم آل محمد علیهم السلام هستم» نپذیرید تا اینکه با معجزات روشن برای شما معلوم شود که او راست می گوید. (1)

به نظر می رسد که در روایات گذشته به هر دو معنا اشاره شده و ظاهر بعضی از روایات همان معنای دومی است که ایشان ذکر کرده به این شرح که در زمان غیبت شناخت اجمالی امام غائب کافی است و شناخت خصوصیات و مشخصات ایشان لازم نیست، (2) چنانکه در روایتی آمده است :

17 . راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر من نتوانم [دقیقا شخص] امام را بشناسم و راهی برای پیدا کردن او نداشته باشم، وظیفه ام چیست؟ حضرت فرمود: بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى مَنْ بَقِيَ مِنْ حُجَجِكَ مِنْ وُلْدِ الْأَئِمَّةِ الْمَاضِيَةِ» (3) یعنی : خدایا من ولایت و امامت حجتی که از فرزندان امام معصوم گذشته باقی مانده پذیرفتم و به آن معتقد هستم . همین کافی است.

ص: 21

---

1- بحار 52 : 133 .

2- گرچه در زمان حضور در صورت امکان واجب است، رجوع شود به تفسیر آیه 122 ، سوره التوبة.

3- کافی 1 : 309 ، اعلام الوری 297 ، کمال الدین 2 : 415 ، 349 ، بحار 27 : 297 و 48 : 16 و 52 : 148 . و مراجعه شود به بحار 52 : 143 .

الف) از تعبیر «فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي آيَاتِنَا» و تعبیر مانند آن، این گونه استفاده می شود که در زمان غیبت - مثل زمان حضور - باید از پذیرفتن مطالبی که از خاندان عصمت و طهارت نرسیده خودداری کرد، مانند مطالبی که به عنوان نوآوری و تجدد و روشنفکری مطرح می شود، گرچه گاهی آیات و روایات هم بر طبق آن تفسیر و توجیه می گردد.

ب) عامه روایتی نظیر روایات گذشته از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند که فرمود: در آینده فتنه ای پیش می آید. اصحاب پرسیدند: حال ما چگونه خواهد بود؟ چه باید کرد؟ حضرت فرمود: به سوی امر گذشته خویش [که در زمان حیاتم بر آن بودید] برگردید. (1)

### حفظ حب و بغض در غیبت امام علیه السلام

در منابع روایی شیعه و سنی روایات بسیار زیادی به این مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمود: محکم ترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه اوست. (2) در روایات شیعه تصریح شده است که: خدا ایمان کسی را نمی پذیرد مگر با ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و برائت از دشمنان او. (3)

ص: 22

1- . مجمع الزوائد 7 : 303 ، المعجم الكبير طبرانی 3 : 249 و 20 : 44 .

2- . مراجعه شود به : بحار 27 : 56 - 57 ، مسند أحمد 5 : 146 ، السنن الكبرى 10 : 233 ، مجمع الزوائد 1 : 89 - 91 ، 162 ، مستدرک حاکم 2 : 480 ، کنز العمال 1 : 287 - 288 و 9 : 3 - 5 ، 11 و 15 : 890 .

3- . رجوع شود به : امالی شیخ صدوق 138 ، جامع الأخبار 14 - 15 ، روضه الواعظین 1 : 114 ، كشف الغمة 1 : 112 ، كشف اليقين 4 ، نهج الحق 231 - 232 ، بحار 26 : 229 و 38 : 196 ، 198 .

در زمان غیبت بر این امر مهم (ولایت و برائت) تأکید بیشتری شده است .

18 . امام صادق علیه السلام فرمود : اگر روزی پیش آمد که پیشوا و امام از اهل بیت علیهم السلام از چشم شما ناپدید شد، آنهایی را که دوست داشتی [ و مأمور به محبت آنها بودی ] دوست بدار، و کسانی را که دشمن و مبغوض داشتی دشمن بدار، و بر ولایت خود نسبت به موالیان خویش ( یعنی اهل بیت علیهم السلام ) ثابت قدم باش، و هر صبح و شام [ چشم به راه مولا و ] منتظر فرج باش. (1)

19 . قسمت اول حدیث که می فرماید : آنهایی را که دوست داشتی [ و مأمور به محبت آنها بودی ] دوست بدار، و کسانی را که دشمن و مبغوض داشتی دشمن بدار ، در روایات دیگر نیز آمده است. (2)

20 . امام کاظم علیه السلام فرمود: خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم آل محمد علیهم السلام به ولایت ما چنگ زده، بر ولایت ما و برائت از دشمنان ما ثابت قدم باشند . آنان از ما هستند و ما نیز از آنهایم . آنها ما را به عنوان امام پذیرفته

و از امامت ما خوشنودند، ما نیز آنان را به عنوان شیعه و پیرو پذیرفته و از آنها راضی هستیم . خوشا به حالشان ، آری خوشا به حالشان ! به خدا سوگند ، آنها در قیامت در درجات ما همراه ما هستند. (3)

\* در روایت 28 خواهد آمد : خوشا به حال کسی که در زمان غیبت با دوستان او (حضرت مهدی علیه السلام) دوست ، و با دشمنان وی دشمن باشد .

ص: 23

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 161 ؛ بحار 52 : 133 .

2- . مراجعه شود به : کافی 1 : 342، الإمامة والتبصرة 127 ، کمال الدین 348 ، بحار 52 : 148 .

3- . کمال الدین 361، کشف الغمة 3 : 331، إعلام الوری 2 : 240، بحار 51 : 151 .

\* در روایت 33 خواهد آمد: [در زمان غیبت] کسانی را که دوست داشتید دوست بدارید و آنهایی را که دشمن داشتید، دشمن بدارید (1).

### تأکید بر ولایت در زمان غیبت

علاوه بر دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام، ولایت یعنی پذیرفتن رهبری و سرپرستی و اعتقاد به امامت آنها نیز از مهم ترین فرایض الهی است.

21. امام صادق علیه السلام فرمود: خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به حبل ولایت ما چنگ زده و پس از هدایت، قلب او از حق منحرف نشده و متمایل به باطل نگردد. (2)

22. درباره آیه شریفه: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ - وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (3) از آن حضرت روایت شده: به خدا سوگند! هیچ کس از گذشتگان و آیندگان - تا قیام قائم آل محمد علیهم السلام - هلاک نشده و نشود مگر به جهت دست برداشتن از ولایت ما و انکار حق ما. (4)

\* در روایت 20 گذشت که: خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت بر ولایت ما و برائت از دشمنان ما ثابت قدم باشند.

ص: 24

---

1- . امام رضا علیه السلام ضمن روایتی فرمود: فتنه برخی از مدعیان محبت ما بر شیعه از فتنه دجال شدیدتر است؛ زیرا با دشمنان ما دوستی و با دوستان ما دشمنی می کنند! بحار 72 : 391 .

2- . کمال الدین 358 ، معانی الأخبار 112 ، بحار 52 : 123 .

3- . التغابن 64 : 12 .

4- . کافی 1 : 426 - 427 ، بحار 23 : 380 .



اعتقاد شیعه بر آن است که همان گونه که بشر به پیامبران الهی نیاز دارد، پس از آنها به جانشینان معصومی - که از جانب خدا تعیین شده باشند - نیازمند است تا با رهبری آنها سعادت دنیا و آخرت خویش را تأمین کند. جایگاه پیشوای معصوم در جامعه به پرچم تشبیه شده، و امیر مؤمنان علیه السلام به عنوان «رأیةُ الْهُدَى» و امامان معصوم علیهم السلام به «أَعْلَامُ الْهُدَى» و مانند آن معرفی شده اند. ناگفته پیداست که دست یافتن به حقیقت و راهیابی به صراط مستقیم جز با پیروی از این پرچم میسر نمی شود، نه تخلف از آن رواست و نه پیشی گرفتن بر آن. (1)

خدای تعالی در قرآن فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ - وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (2) و به ما دستور داده که با راستگویان باشیم، بنابر روایات مقصود از صادقین امامان معصوم علیهم السلام هستند (3)، پس بایستی ملازمت و همراهی آنها را اختیار کرده و از تقدم و تأخر از آنان در هر حال اجتناب نماییم.

23. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خاندان خویش را به کشتی نوح تشبیه نمود و فرمود:

[إِنَّمَا] مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي [فِيكُمْ] كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ، مَنْ رَكِبَهَا نَجَا، وَمَنْ

ص: 25

1- . در دعای روز عرفه آمده است: خدایا! تو دینت را در هر زمانی به امامی تأیید فرموده ای که او را پرچم برای مؤمنان و منار بلاد خویش قرار داده ای. رشته پیروی او را به رشته طاعت پیوند زده و او را تنها وسیله دستیابی به رضوانت مقرر نموده ای. اطاعت او را لازم و از نافرمانی او نهی کرده ای، و فرموده ای که کسی بر او پیشی نگیرد و (نیز) کسی از او تأخیر نداشته باشد. او باعث محفوظ ماندن کسانی است که به او پناه برند. او پناه اهل ایمان است... (صحیفه سجادیه 218 - 219)

2- . التوبة 9: 119 .

3- . بحار 24: 30 - 40 باب 26 و 35: 408 - 423 .

تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقٌ ، وَ مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرِقٌ ، وَ مَنْ لَزِمَهَا لِحِقٌ . (1)

یعنی : خاندان من مانند کشتی نوح هستند، تمسک به آنها سبب نجات است. هر کس از آنها تخلف کند [در گرداب هلاکت] غرق ، و آن کس که بر آنها مقدم شود از دین خارج ، و ملازم آنها [به حقیقت نائل و به ما] ملحق می شود.

24 . امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پرچم حق را در میان ما به جای گذاشت. هر کس از آن پیش افتد از دین بیرون رفته ، و کسی که از آن عقب بماند هلاک گردد، و [فقط] کسی که ملازم آن باشد [به ما] ملحق خواهد شد. (2)

25 - 26 . این مضمون - با عبارات مختلف - در روایات متعدد از آن حضرت نقل شده است. (3)

27 . همین حقیقت در صلوات شعبانیه از امام سجاد علیه السلام نیز آمده است که فرمود : «الْمُتَّقِدُّ لَهُمْ مَارِقٌ ، وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ ، وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» . (4)

و این امر اختصاص به زمان حضور معصومین علیهم السلام ندارد، بلکه از روایات استفاده می شود که در زمان غیبت نیز این تکلیف به حال خود باقی است.

ص: 26

---

1- . رجوع شود به : غیبت شیخ نعمانی 58 ، احتجاج 2 : 147 ، بحار 47 : 399 .

2- . نهج البلاغه 1 : 193 ، بحار 34 : 215 ، و مراجعه شود به : کمال الدین 654 ، الامامة والتبصرة 132 ، کتاب سلیم بن قیس 259 ، بحار 26 : 260 .

3- . کتاب سلیم بن قیس 259 ، کمال الدین 654 ، الامامة والتبصرة 132 ، مشارق الانوار 75 ، بحار 26 : 260 و 34 : 262 .

4- . مراجعه شود به : صحیفه سجادیه 52 ، 203 ، مزار ابن مشهدی رحمه الله 400 - 401 ، مصباح المتهدجد 45 ، 361 ، 828 ، مصباح شیخ کفعمی قدس سره 544 ، فلاح السائل 142 ، إقبال الأعمال 3 : 300 ، جمال الأسبوع 251 ، بحار 84 : 67 و 87 : 20 .

28. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: خوشا به حال کسی که قائم خاندان مرا درك کند، و در زمان غیبت و پیش از آنکه او قیام نماید به او اقتدا و تاسی کند، و

با دوستان او دوست و با دشمنان وی دشمن باشد، چنین کسی از رفقا و دوستان من خواهد بود و گرامی ترین امت نزد من در قیامت است. (1)

29. ام سلمه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بر امت من اختلاف، پراکندگی، ضعف و سستی پیش می آید، هرگاه همه آنها بر امری اتفاق نمودند با آنها همراه باشید، و هنگامی که پراکنده شدند شما راه میانه را پیش گیرید و تابع عملکرد اهل بیت من باشید، اگر جنگیدند بجنگید و اگر سازش کردند سازش نمایید و در حرکت یا کنار کشیدن، از آنها پیروی نمایید که در همه امور حق با آنهاست.

راوی از ام سلمه پرسید: مقصود حضرت از «اهل بیت» چیست؟

او پاسخ داد: مراد ایشان امامان پس از آن حضرت است که فرمود: به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند: علی، سبطین - امام حسن و امام حسین - و نه نفر از نسل امام حسین علیهم السلام، آنها پاکان [که آیه تطهیر در شأنشان نازل شده] و پیشوایان معصوم هستند.

راوی با تعجب گفت: «إِنَّا لِلَّهِ [وَأِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ]» (2) پس مردم هلاک و گمراه شده اند [که آنها را کنار گذاشته و دنبال دیگران راه افتادند]

ص: 27

---

1- . کمال الدین 286، بحار 51 : 72. و مراجعه شود به: کمال الدین 287، غیبت شیخ طوسی 456، منتخب الانوار المصیئة 49، بحار 51 : 72 و 52 : 130.

2- . البقرة 2 : 156.

ام سلمه آیه شریفه : «كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (1) را قرائت کرد که : هر گروهی به آنچه پذیرفته خوشحال و شاد است . (2)

30 . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: من و نیکان و برگزیدگان خاندانم بردبارترین مردم در کودکی و داناترین آنها در بزرگی هستیم . اگر آنها خانه نشینی اختیار کردند شما هم خانه نشین باشید ؛ اگر از شما درخواست یاری نمودند یاریشان کنید تا ستایش شوید [و در کارتان موفق گردید] و از خدا [نیز] پاداش گیرید . و از آنها یاری نخواهید [بدین معنا که شما پیش قدم شوید و آنها را تابع خود قرار دهید] که دشمن ، شما را شماتت نماید و [بالاخره] نابود می شوید . (3)

31 . هنگامی که امیرمؤمنان علیه السلام از فتنه ها سخن می گفت، مردی پرسید: چنین زمانی چه باید کرد؟ حضرت فرمود: به رفتار اهل بیت علیهم السلام نگاه کنید [و از آنها پیروی نمایید]، اگر آنها از قیام خودداری کردند شما هم سکوت کنید، و اگر از شما کمک خواستند آنها را یاری نمایید تا مأجور باشید ، آنها شما را از طریق هدایت بیرون نبرده، و شما را به پستی [و گمراهی] دعوت نخواهند کرد. از آنها سبقت نگیرید و پیش نیفتید که بلا شما را از پای در می آورد و دشمن شاد می شوید.

سپس حضرت از وقوع فرج به دست اهل بیت علیهم السلام خبر داد. (4)

ص: 28

1- المؤمنون 23 : 53 .

2- . کفایة الأثر 182 ، بحار 36 : 346 با کمی اختلاف .

3- . مناقب أمير المؤمنين عليه السلام کوفی 2 : 107 .

4- . مراجعه شود به : کتاب سلیم بن قیس 258 ، الغارات 1 : 11 و 2 : 678 ، شرح الاخبار 2 : 288 ، وسائل 15 : 57 ، بحار 33 :

368 و 34 : 118 ، 262 و 41 : 354 و 51 : 121 .

32. از آن حضرت نیز روایت شده که فرمود: توجه شما به اهل بیت علیهم السلام باشد، پیروی از روش آنها را بر خویش لازم دانید، آنها شما را از هدایت بیرون نبرده و به پستی [و گمراهی] باز نمی گردانند. در قیام و قعود از آنها تبعیت نمایید، از آنها پیش نیفتید که گمراه می شوید، و عقب نمانید که هلاک می گردید. (1)

33. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام مقرب ترین مردم نزد خدای عزوجل هستند. در دانش از همه برتر، و مهربان ترین مردم نسبت به مردم هستند، پس [آنها را اسوه خویش قرار داده و] در آنچه وارد شدند وارد شوید، و از هر کس فاصله گرفتند جدا شوید، حق با آنهاست، آنان وصی پیامبرند، در همه جا پیرو آنها باشید، اگر روزی پیش آمد که به هیچ کدامشان دسترسی نداشتید [و در زمان غیبت واقع شدید] از خدای تعالی کمک بخواهید و همان سنت و راه و روشی را که قبلاً بر آن بوده اید ادامه دهید و کسانی را که دوست داشتید دوست بدارید و آنهایی را که دشمن داشتید، دشمن بدارید، زود است که فرج حاصل شود. (2)

34. امام سجاد علیه السلام - پس از دعا برای حضرت مهدی علیه السلام و تعجیل فرج آن حضرت - به درگاه پروردگار چنین عرض می نمود که: خدایا! ما را یاری کن که بر روش آشکار و روشن باشیم، شاهراه هدایت و طریقه معتدلی که اهل غلو [وزیاده روها] باید به آن برگردند، و کسانی که دنباله رو باشند به آن می رسند. و ما را توفیق عنایت فرما که از آن حضرت پیروی کرده و حقش را

ص: 29

---

1- . نهج البلاغه 1 : 189 ، بحار 34 : 82 ، نهج السعاده 8 : 388.

2- . کمال الدین 328 ، بحار 51 : 136 .

بجا آوریم . و بر ما منت بگذار که هنگام جنگ و کارزار و سختی و فلاکت تابع او باشیم [و او را رها نکنیم]. (1)

35 . امام صادق به نقل از پدر بزرگوارش علیهما السلام فرمود: آتشی از آذربایجان

برمی آفرزد که هیچ چیز نمی تواند در برابر آن مقاومت نماید ، آن زمان پلاس خانه خویش باشید ، و تا ما خانه نشین هستیم شما هم خانه نشین باشید ، هنگامی که صاحب قیام ما به راه افتاد ، به سوی او شتاب نمایید گرچه با حالت سینه خیز . (2)

36 . امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (3) فرمود : «اصْبِرُوا» یعنی نسبت به معاصی صبور باشید [واز انجام آن خودداری کنید] .

«صَابِرُوا» یعنی تقیه را رعایت نمایید .

«رَابِطُوا» یعنی اقامت در مواضع جنگ و اردو زدن شما با امامان علیهم السلام باشد.

سپس فرمود : می دانی معنای «الْبُدُّ مَا لَبَدْنَا» (4) : تا ما خانه نشین هستیم

ص: 30

1- . صحیفه سجادهیه تحقیق ابطحی 247 (دعای روز 23 ماه مبارک رمضان) ، و قریب به همین مضمون در دعایی از امام رضا علیه السلام نیز آمده است ، رجوع شود به : المصباح المتهجد 410 - 411 ، جمال الاسوع 309 ، 312 ، مصباح شیخ کفعمی قدس سره 550 ، بحار 92 : 332 ، 334 .

2- . غیبت شیخ نعمانی 200 ، 271 ، بحار 52 : 135 ، 294 ، مستدرک 11 : 35 .

3- . آل عمران 3 : 200 .

4- . لفظ «لبد» در متن روایات گذشته تکرار شده و غرض از آن ترك قیام و خروج است . علامه مجلسی قدس سره می نویسد : لبد - کنصر و فرح - لبودا و لبدا : أقام و لزق ، كألبد ، ذكره الفيروزآبادي [في القاموس المحيط 1 : 334] ، والمعنى : لا تستعجلوا في الخروج على المخالفين ، وأقيموا في بيوتكم ما لم يظهر منّا ما يوجب الحركة من النداء والصيحة وعلامات خروج القائم عليه السلام . یعنی : عجله نداشته باشید که با مخالفان مبارزه نمایید، و تا علائم ظهور که دلیل حرکت شماست محقق نشود در خانه خویش قرار گیرید .

خانه نشین باشید» چیست؟ هنگامی که ما حرکت کرده و [برای مبارزه با دشمن] به راه افتادیم شما هم حرکت کنید. (1)

37. امام صادق علیه السلام ضمن روایتی فرمود: تقوای الهی پیشه سازید و دلسوز خویش باشید. به خدا سوگند اگر کسی چوپانی بهتر از چوپان کنونی اش برای گوسفندان خویش سراغ داشته باشد در واگذار کردن گله به آن کوتاهی نمی کند، [پس چگونه ممکن است خداوند مراعات حال بندگان خویش را ننماید و کسی که اصلح برای رهبری اجتماع است نصب نکند، یا حجه الله علیه السلام صلاح مردم را در قیام تحت لوای کسی بداند ولی نسبت به آن سهل انگاری ورزد؟! اگر دو جان داشتید، با یکی تجربه می کردید و [هنگامی که در عالم دیگر می فهمیدید جان خویش را بیهوده تلف کرده اید] با جان دیگر، خود را نجات می دادید، ولی يك جان بیشتر نیست و با نابودی آن، دیگر جای توبه باقی نخواهد ماند.

اگر کسی از خاندان ما قیام کرد ببینید برای چه با او خروج می کنید، نگویید زید هم قیام کرد، او دانشمندی راستگو بود و مردم را به خویش دعوت نکرد، او مردم را به «الرضا من آل محمد علیهم السلام» دعوت می نمود و اگر پیروز می شد به قول خویش وفا می کرد.

کسی که امروز قیام می کند، برای چه قیام می کند؟ اگر می گوید: من دعوت به «الرضا من آل محمد علیهم السلام» می کنم، ما شما را گواه می گیریم که ما به قیام او

ص: 31

راضی نیستیم، (1) اگر الان که بی یار و یاور است نافرمانی کرده و قیام می کند، پس از آنکه مردم اطراف او جمع شدند و پرچم ها افراشته شد، دیگر حاضر نخواهد شد که به حرف ما گوش کند.

صاحب این امر کسی است که همه بنی فاطمه او را بپذیرند. در ماه رجب با نام خدا به سوی ما روی آورید، اگر خواستید تا شعبان هم تأخیر بیندازید اشکالی ندارد، بلکه می توانید روزه ماه مبارک را هم بین خانواده خود باشید شاید تجدید قوا نمایید.

علامتی که برای شما کافی است خروج سفیانی است. (2)

## انتظار فرج

انتظار فرج یکی از ارکان اساسی دین و ایمان است که پیشوایان معصوم علیهم السلام بر آن تأکید فراوان کرده اند. (3)

ص: 32

1- دعوت به «الرضا من آل محمد علیهم السلام» به این معناست که ما قیام می کنیم و سپس هر کسی که آل محمد علیهم السلام به او راضی شدند و همگی او را بپذیرفتند به عنوان رهبر اجتماع می پذیریم، در مورد قیام جناب زید وفای به این دعوت امکان داشت، ولی هنگامی که خود اهل بیت علیهم السلام اعلام عدم رضایت کنند، و یا وفای به آن وعده امکان نداشته باشد، این دعوت وجهی ندارد.

2- رجوع شود به: کافی 8: 264، علل الشرائع 2: 577-578، بحار 46: 178 و 52: 302 و 97: 22، وسائل 15: 50-51، 53-54.

3- رجوع شود به: عوالم 26/3: 75-80. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: به خدا سوگند دینی که من و پدرانم بدان معتقدیم برای تو بیان می کنم: 1. شهادت به یگانگی خداوند. 2. شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم. 3. پذیرفتن آنچه آن حضرت از جانب خدا آورده. 4. دوستی دوستان ما و بیزاری از دشمنان ما. 5. تسلیم بودن در برابر فرمان ما. 6. انتظار قائم ما. 7. کوشش در راه دین. 8. ورع و خودداری از گناه. (کافی 2: 22، دعوات شیخ راوندی قدس سره 135، مستدرک 1: 72). در روایت دیگر در پاسخ به این پرسش که: دین و اعتقادی که خدا با آن، اعمال را می پذیرد چیست؟ حضرت موارد گذشته را نقل و فقط به جای مطلب شماره 7 «تواضع» را ذکر فرمود. (کافی 2: 23). و در پاسخ کسی که می گفت: می خواهم آنچه دین داری خدا به آن بستگی دارد و حجت من باشد، بدان تمسک نمایم و به دیگران نیز برسانم، حضرت همان هشت مورد حدیث اول را به اضافه: نماز، زکات، روزه و حج بیان فرمود. (بحار 66: 13). در روایات متعدد پس از ذکر انتظار آمده است: برای ما دولتی است که هرگاه مشیت خدا باشد آن را سر کار خواهد آورد. یا هرگاه خدا بخواهد ما را یاری نماید. (کافی 2: 23، الأصول الستة عشر 71، امالی شیخ طوسی 179، بحار 66: 2-3).



واژه انتظار مفهوم وسیعی دارد و مطالب گوناگونی را به ما گوشزد می نماید، مانند:

\* فراموش نکردن امام زمان علیه السلام و ظهور دولت حقه به دست آن گرامی،

\* امید به فرج و مایوس نشدن از آن به جهت طولانی شدن ایام غیبت،

\* مهیا شدن و تحصیل آمادگی برای نصرت و یاری حضرت،

\* چون و چرا نکردن، رضا به قضا و تسلیم حکمت پروردگار بودن،

\* عجله نداشتن،

\* ترك قتال با دشمنان قبل از رسیدن زمان آن.

38 - 39 . در روایات متعدد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام صادق علیه السلام آمده است: انتظار

فرج به صبر نمودن ، بخشی از دین و عبادت است. (1)

40 . عبدالملک بن عمرو می گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمود: چرا مثل دیگر هموطنان خویش در جنگ های جده، عبادان، مصیبه و قزوین شرکت

ص: 33

---

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 130 و 2 : 59 ، کمال الدین 337 ، خصال 479 ، تحف العقول 416 ، دعوات شیخ راوندی قدس سره 41 ، بحار 10 : 353 ، 361 36 : 397 و 52 : 122 ، 145 و 66 : 387 و 84 : 144 ، وسائل 19 : 75 و مراجعه شود به : کنز العمال 3 : 272 .

نمی کنی؟ عرض کردم: من به شما اقتدا می کنم و انتظار دولت شما را می کشم [تا شما اهل بیت مبارزات خویش را شروع کنید و من هم دنباله رو شما باشم]. حضرت فرمود: آری، به خدا اگر این کار نیک (و درستی) بود آنها از ما سبقت نمی گرفتند [و حتما خود ما پیشقدم می شدیم].

عرض کردم: زیدیه می گویند: تنها اختلاف ما با امام صادق این است که او جهاد را قبول ندارد. حضرت [با تعجب] فرمود: من جهاد را قبول ندارم؟! هرگز چنین نیست، من جهاد را بخشی از دین می دانم ولی حاضر نیستم علم خود را رها کنم و جهل آنها را بپذیرم. [اشاره به اینکه آنها به جهالت خویش خیال می کنند الان زمان جهاد است و شرایط آن فراهم شده، در حالی که من به دانش الهی می دانم چنین نبوده و من مأمور به قیام نیستم، پس روا نیست که من تحت تأثیر نظریه آنها قرار گرفته و از علم خویش صرف نظر نمایم]. (1)

41. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اگر انسان بخواهد کوه ها را از جا بکند آسان تر است از اینکه بخواهد حکومتی را که زمان انقضای آن نرسیده برهم زند. از خدا یاری طلبیده و صبر کنید، [حکومت] زمین از آن خداست و به هر کس که بخواهد واگذار می کند و سرانجام نیکو از آن پرهیزکاران است. (2) قبل از اینکه وقت قیام برسد عجله نکنید که پشیمان شوید و زمان [غیبت] را طولانی نشمارید که دل شما را قساوت فرا خواهد گرفت. (3)

ص: 34

- 
- 1- . کافی 5 : 19 ، وسائل 15 : 46 ، چاپ آل البيت ، 11 : 32 (چاپ اسلامیه) ، خاتمه مستدرک 4 : 451 .
  - 2- . اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ . الأعراف : 128 .
  - 3- . تحف العقول 112 ، خصال 622 ، بحار 10 : 100 و 52 : 123 و 75 : 83 .

42. راوی از امام باقر علیه السلام پرسید: علامت ظهور چیست؟ فرمود: آیا ممکن است صبح [طلوع فجر] مخفی باشد؟ عرض کرد: نه، فرمود: هنگامی که امر ما ظاهر شود از صبح روشن تر و واضح تر خواهد بود. کندن کوه با ناخن آسان تر است از برهم زدن حکومتی که اجلس نرسیده، تقوای الهی پیشه کنید و خود را برای [به حکومت رسیدن] ظالمان به کشتن ندهید. (1)

43. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی بندگان به خدا نزدیک تر و تقرب آنها نزد او بیشتر و خدا از آنها راضی تر و خوشنودتر است که حجة الله از میان آنها پنهان گردد و ندانند او کجاست، ولی می دانند که زمین بدون حجت نخواهد بود و امامت هیچ گاه باطل نمی شود. در چنین زمانی هر صبح و شام منتظر امر فرج باشید. (2)

44. امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه نیاز و فقر در بین مردم شدت گرفت و مردم یکدیگر را انکار کردند [و غریبه و ناشناس به حساب آوردند]، انتظار فرج داشته باشید. (3)

45. در ضمن روایتی آمده است که: محضر امام رضا علیه السلام عرض شد: نقل شده کسی از یکی از معصومین علیهم السلام پرسید: آیا به مبارزه با دشمن یا مرزداری پردازم؟ آن حضرت در پاسخ، او را به حج خانه خدا امر فرمود، او پرسش خویش را تکرار و حضرت نیز همان پاسخ را تکرار نموده و فرمود: آیا خوش

ص: 35

- 
- 1- . کافی 7 : 297 جامع أحاديث الشيعة 13 : 232 .
  - 2- . کافی 1 : 333، غیبت شیخ نعمانی 165 ، غیبت شیخ طوسی 457 ، کمال الدین 337 ، الإمامة والتبصرة 123، اعلام الوری 2 : 236 ، بحار 52 : 95 ، 145 .
  - 3- . تفسیر قمی 1 : 310 - 311 ، بحار 4 : 99 و 52 : 185 .

نداری که [بدون هیچ زحمتی به زندگی خویش ادامه دهی و] خانواده ات زیر سایه تو معیشت گوارا داشته باشند و تو منتظر فرج ما باشی ، اگر ظهور دولت حقه را درك کنی مانند کسی باشی که در جنگ بدر محضر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را درك نموده، و اگر در حال انتظار بمیری مثل کسی باشی که در خیمه حضرت مهدی علیه السلام به خدمتگزاری مشغول است، و با او هیچ تفاوتی نخواهی داشت .

حضرت ثامن الحجج علیه السلام این روایت را تصدیق فرمود و صحیح دانست .(1)

46 . امام جواد علیه السلام فرمود: قائم ما اهل بیت همان مهدی است که در زمان غیبتش انتظار ظهور او، و پس از ظهورش فرمان برداری از وی واجب است.(2)

47 . حضرت ثامن الحجج علیه السلام فرمود : چه نیکوست صبر کردن و انتظار فرج کشیدن ! مگر نشنیده ای که خداوند فرموده : «وَأَرْتَبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» ، (3) و

فرموده : «فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ» ، (4) [و دستور به انتظار داده است]، صبور باشید و بردباری نمایید که فرج و گشایش در حال یأس حاصل می شود. امت های گذشته از شما صبرشان بیشتر بوده است. (5)

48 . امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که منتظر فرج ما باشد و بر آزار و ترس و واهمه ای که برایش پیش آید صبر نماید ، در قیامت با ما محشور خواهد شد.(6)

ص: 36

- 
- 1- . کافی 5 : 22، وسائل 15 : 47 و مراجعه شود به : کافی 4 : 260 و سائل 11 : 122 .
  - 2- . کمال الدین 377 ، کفایة الأثر 281 ، إعلام الوری 2 : 242 ، خرائج 3 : 1171 ، بحار 51 : 156 .
  - 3- . هود 11 : 93 .
  - 4- . یونس 10 : 20 ، الأعراف (7) : 71 .
  - 5- . کمال الدین 645 ، قرب الاسناد 381 ، بحار 52 : 110 ، 129 .
  - 6- . کافی 8 : 37، وسائل 16 : 275 ، بحار 52 : 256 .

49. امام سجاد علیه السلام فرمود: اهل دوران غیبت امام زمان علیه السلام که اعتقاد به امامت آن حضرت داشته و انتظار ظهور او را دارند فضیلتشان از اهل دوران های دیگر برتر و بیشتر است، چون خداوند تبارک و تعالی چنان عقل و درک و فهم و معرفتی به آنها عنایت کرده که زمان غیبت برای آنها مثل زمان حضور است، قدر و منزلت آنها مانند کسانی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر کشیده و با دشمنان آن حضرت مبارزه نموده اند. آنها مخلصین حقیقی و شیعیان واقعی ما هستند که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می نمایند. (1)

50. امام صادق علیه السلام فرمود: خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت در انتظار ظهور او، و پس از ظهور فرمان بردار و مطیع او باشند، آنها اولیاء الله هستند که خوفی بر آنها نیست و محزون نخواهند گشت. (2)

51. از امام جواد علیه السلام سؤال شد: چرا امام زمان علیه السلام را «منتظر» می نامند؟ حضرت فرمود: چون او را غیبتی است طولانی که در آن زمان مخلصین انتظار ظهور او را دارند، اهل شك و شبهه منکر وجود آن حضرت می شوند، بی دینان نام و یاد او را به استهزا و مسخره می گیرند، گروهی به دروغ برای ظهور وقت تعیین می کنند، کسانی که عجله کنند هلاک می شوند، و [فقط] اهل تسلیم نجات پیدا می کنند. (3)

ص: 37

---

1- . کمال الدین 320 ، إعلام الوری 2 : 196 ، احتجاج 2 : 50 ، قصص الانبیاء راوندی قدس سره 346 ، بحار 36 : 387 و 52 : 122 .

2- . کمال الدین 357 ، بحار 52 : 150 . آخر روایت اشاره است به آیه شریفه : **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** . سوره یونس (10) : 62 .

3- . کمال الدین 378 ، إعلام الوری 2 : 243 ، کفایة الأثر 283 ، بحار 51 : 30 ، 158 .

52. عبدالحمید واسطی می گوید که محضر مبارك امام باقر علیه السلام عرض کردم: انتظار امر فرج کار ما را بدانجا کشانده که [دلی به کسب و کار نداریم و] بازار را ترك کرده ایم، به حدی که از نیازمندان محسوب می شویم.

حضرت فرمود: ای عبدالحمید! آیا خیال می کنی اگر کسی به خاطر خدا خویش را محبوس [و محدود] کند، خدای تعالی برای او فرج و گشایشی قرار نمی دهد؟ آری به خدا، خداوند برای شما چاره سازی می نماید. (1)

سپس فرمود: رحمت خدا بر بنده ای که خویش را بر ما حبس کند (یعنی خویشتن داری کرده، از هر اقدامی خودداری نماید تا اینکه ما امر به جهاد کنیم و آنگاه قیام نماید) رحمت خدا بر کسی که امر ولایت ما را زنده بدارد.

عبدالحمید پرسید: اگر من حضرت قائم علیه السلام را درك نکرده از دنیا رفته ام چه؟ حضرت فرمود: کسی که اعتقاد دارد اگر قائم آل محمد علیهم السلام را درك کند آن حضرت را یاری خواهد نمود، مانند کسی است که در رکاب آن حضرت با شمشیر به جنگ با دشمنان رفته باشد، (2) و کسی که توفیق شرفیابی محضر آن جناب را درك نماید و همراه حضرت به شهادت برسد پاداش دو شهید دارد. (3)

ص: 38

---

1- . لازم به تذکر است که حضرت اصل انتظار را تأیید فرمود، و چنانکه در متن می آید، مقصود از « حبس نفس » خودداری از هر اقدامی بدون اذن حجة الله و عدم خروج با زیدیه و امثال آنهاست. اما بستن مغازه، و دست از کار و کسب کشیدن کار درستی نیست. امام صادق علیه السلام می فرماید: «إن ظننت أن هذا الأمر کائن في غدٍ فلا تدعنَّ طلب الرزق، وإن استطعت أن لا تكون کلاً فافعل». یعنی: اگر گمان کنی که فردا فرج واقع می شود، باز [امروز] دست از طلب رزق و روزی برنندار و سعی کن سربار دیگران نباشی. کافی 5: 79، وسائل 17: 26 (چاپ آل البيت، 12: 14) چاپ اسلامیه).

2- . و بنابر روایت دیگر: و توفیق شهادت در رکاب آن حضرت نصیب او شده باشد.

3- . محاسن 1: 173، و مراجعه شود به: کافی 8: 81، کمال الدین 644، بحار 52: 126.

53. امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که منتظر امر فرج باشد پاداش روزه دارِ نمازگزار را دارد، و اگر قائم آل محمد علیهم السلام را درک کرد و توفیق یاری او و کشتن دشمنان نصیب او شد پاداش بیست شهید، و چنانچه شهادت در محضر آن حضرت روزی او گردید پاداش بیست و پنج شهید را دارد. (1)

54. سلیمان بن خالد به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زیدیه مردمانی هستند مشهور و معروف و کارآموده، و از بین منسوبین به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شما را بیش از دیگران قبول دارند، اگر صلاح می دانید آنها را به حضور پذیرفته و از نزدیکان خویش قرار دهید.

حضرت فرمود: ای سلیمان، اگر قرار باشد این نادانان ما را منع کنند از آنچه به علم و دانش الهی می دانیم، و ما را دعوت کنند که آنچه به جهالت بدان معتقدند بپذیریم، ما را با آنها کاری نیست، ولی اگر حاضرند به حرف ما گوش دهند و منتظر فرج باشند اشکالی ندارد [که نزد ما بیایند و از اصحاب ما باشند]. (2)

55. امام صادق علیه السلام فرمود: ما اهل بیت را دولتی است که هرگاه خدا بخواهد آن را سر کار خواهد آورد. کسی که دوست دارد از اصحاب قائم آل محمد علیهم السلام باشد بایستی منتظر فرج باشد و در حال انتظار عمل خویش را بر مبنای ورع و تقوا و رعایت محاسن اخلاق قرار دهد، چنین شخصی اگر قبل از قیام حضرت از دنیا برود پاداش کسی را دارد که آن حضرت را درک کرده است،

ص: 39

---

1- . کافی 2 : 222 ، بحار 72 : 73 . ممکن است اختلاف پاداش در روایات، به جهت اختلاف مراتب افراد در ایمان ، معرفت ، سعی و کوشش آنها در راه دین و امثال آن باشد .

2- . کافی 8 : 160 .

پس در عمل کوشش و جدّیت داشته باشید و منتظر فرج باشید ، گوارایتان باد [پاداش عظیم الهی] ای گروهی که مورد رحمت خدا واقع شده اید. (1)

56 . علی بن مهزیار نامه ای به امام هادی علیه السلام نوشته و درباره فرج سؤال کرد، حضرت در پاسخ او مرقوم فرمود : هنگامی که امام شما از بین ظالمین غائب گردد ، منتظر فرج باشید . (2)

57 . امام رضا علیه السلام فرمود : هرگاه عالم شما از میان شما برداشته شد [وغائب گردید] ، منتظر باشید که هر چه زودتر بزرگ ترین فرج حاصل می شود . (3)

58 . قریب به همین عبارت در نامه ای از امام هادی علیه السلام نیز آمده و به جای «عالم» لفظ «علم» به کار رفته است . (4)

ممکن است «عَلَم» خوانده شود و مراد از آن ، پرچمی باشد که به واسطه آن حق از باطل شناخته می شود . و یا «عِلْم» که مقصود از آن صاحب علم باشد . (5)

ص: 40

- 
- 1- . غیبت شیخ نعمانی 207 ، بحار 52 : 140 .
  - 2- . کمال الدین 380 - 381 ، الإمامة والتبصرة 93 ، تقریب المعارف 432 ، خرائج 3 : 1172 ، منتخب الأنوار المضيئة 74 ، بحار 51 : 159 و 52 : 150 .
  - 3- . الهدایة الكبرى 364 .
  - 4- . کافی 1 : 341 ، الإمامة والتبصرة 131 ، کمال الدین 381 ، غیبت شیخ نعمانی 193 ، بحار 51 : 155 ، 159 .
  - 5- . رجوع شود به : بحار 51 : 159 .



59. امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (1) فرمود: امر [قیام] ما، امر خداوند است که نبایستی در آن عجله کرد. (2)

60. در روایات متعدد آمده است: کسانی که عجله کنند هلاک می شوند. (3)

61. امام صادق علیه السلام فرمود: هلاکت مردم فقط به جهت آن است که در این امر عجله دارند [و می خواهند که دشمن زود نابود شود و دولت حق سر کار آید] خدا که به جهت عجله بندگان عجله نمی کند، این امر (فرج) زمانی دارد که بایستی برسد، هنگامی که وقت آن رسید دیگر پس و پیش نخواهد شد. (4)

62. فضل کاتب می گوید: کسی نامه ابومسلم خراسانی را تقدیم امام صادق علیه السلام کرد، حضرت فرمود: برای نامه ات پاسخی ندارم، از نزد ما بیرون رو!

سپس فرمود: خداوند به جهت عجله بندگان عجله نمی کند! کندن کوه از جایش، آسان تر است از برهم زدن حکومتی که اجل آن نرسیده باشد.

گفتم: برای ظهور علامتی تعیین فرما. فرمود: از جای حرکت نکن تا آنکه سفیانی قیام کند، پس از خروج او ما را اجابت کنید.

ص: 41

- 
- 1- النحل 16 : 1 .
  - 2- غیبت شیخ نعمانی قدس سره 204، 251، بحار 52 : 139، 356 .
  - 3- مراجعه شود به: کافی 1 : 368 و 3 : 132 و 8 : 294، کتاب الزهد 82، کمال الدین 378، الإمامة والتبصرة 95، کفایة الأثر 283، غیبت شیخ نعمانی 203، غیبت شیخ طوسی 426، إعلام الوری 2 : 243، بحار 6 : 98 و 51 : 30، 158 و 52 : 103 - 104 و 53 : 97 . بحار 52 : 140 .
  - 4- کافی 1 : 369، غیبت شیخ نعمانی 306 بحار 52 : 118 .

حضرت سه مرتبه این کلام را تکرار کرد و سپس فرمود: خروج سفیانی از علائم حتمی ظهور است. (1)

63. امام صادق علیه السلام فرمود: تندروها هلاک می شوند - راوی پرسید: تندروها چه کسانی هستند؟ فرمود: آنهایی که عجله دارند - مقرّبین (2) نجات پیدا می کنند، [فعلاً] حکومت دشمن براساسش استوار است. شما پلاس خانه خویش باشید [و از مبارزه با حاکمان پرهیزید]، کسی که گرد و خاک کند، ضررش را می بیند و غبارش به چشم خودش می نشیند (کنایه از اینکه زیدیه که با بنی عباس می جنگند، مقدمات نابودی خودشان را فراهم می کنند) هرگاه خلفا بخواهند شما را نابود کنند، امری برای آنها پیش می آید که به آن مشغول [و از شما غافل] می گردند مگر آنکه کسی متعرض آنها شود. (3)

64. امام باقر علیه السلام نیز پس از بیان هلاکت مستعجلین و نجات مقرّبین فرمود: پس از گذشت دوران غم، فتح و پیروزی شگفتی خواهد بود. (4)

65. در روایت دیگر در ادامه فرمود: آیا فکر می کنی کسانی که به خاطر خدا خویشتن دار باشند [و دست به اقدامی نزنند] خدا برای آنان گشایش قرار نمی دهد؟! چرا به خدا سوگند حتماً برای آنها گشایش مقرر می فرماید. (5)

ص: 42

---

1- . کافی 8 : 274، وسائل 15 : 52. بحار 47 : 297، جامع أحادیث الشيعة 13 : 70 .

2- . علامه مجلسی رحمه الله می فرماید : ممکن است «مقرّبین» به کسر باشد، یعنی کسانی که قائل به نزدیک بودن فرج هستند و امیدوار به قرب آن باشند و برای تعجیل فرج دعا کنند ؛ و یا به فتح خوانده شود ، یعنی کسانی که به جهت صبر کردن به مقام قرب الهی فایز گشته اند.

3- . غیبت شیخ نعمانی قدس سره 203، بحار 52 : 138 .

4- . غیبت شیخ نعمانی 205، بحار 52 : 139 و مراجعه شود به : کافی 8 : 294 .

5- . کافی 8 : 273 - 274، وسائل 15 : 51 و مراجعه شود به : کافی 3 : 132، بحار 53 : 97.

66. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اهل آرزو [که عجله می نمایند] هلاک می شوند،

آنها که نابودشدنی باشند نابود می گردند و اهل ایمان باقی می مانند که عده ای قلیل هستند، سی صد نفر یا بیشتر. گروهی که در جنگ بدر به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آمدند (یعنی فرشتگان)، آنها را یاری می نمایند که نه کشته می شوند و نه می میرند. (1)

67. از آن حضرت نیز روایت شده که فرمود: بر زمین قرار گیرید و بر بلاها صبور باشید، از هر حرکت و مبارزه ای - بر طبق میل و گفتارتان - دوری کنید، و به امری که زمان آن از جانب خدا نرسیده، شتاب نداشته باشید.

هر کس از شما در بستر بمیرد و شناخت صحیح نسبت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و خاندانش علیهم السلام داشته باشد، شهید از دنیا رفته و پاداش او بر خداست.

او استحقاق پاداش اعمال نیکی که تصمیم آن را داشته خواهد داشت و نیت قلبی او جایگزین جنگ مسلحانه اش خواهد شد؛ هر چیزی مدت و زمان مخصوصی دارد. (2)

\* در روایت 41 گذشت که: قبل از اینکه وقت قیام برسد عجله نکنید که پشیمان خواهید شد.

ص: 43

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 202، بحار 52 : 137 . شیخ نعمانی قدس سره می نویسد : «هلک المتمرّون» را حضرت در مذمت کسانی فرمود که عجله می کنند و تسلیم امر خدا و حجت او نیستند و زمان غیبت را طولانی شمرده [دست به قیام می زنند]، لذا قبل از تحقق فرج هلاک می شوند . و مراد از «سی صد نفر یا بیشتر» کسانی هستند که از جانب امام زمان علیه السلام فرمانروایی بلاد را بر عهده خواهند گرفت .

2- . نهج البلاغه 2 : 132 - 133، بحار 52 : 144. وسائل 15 : 55 - 56.

68. امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه زمان فرج نزدیک تر شود، تقیه شدیدتر و سخت تر خواهد شد. (1).

69. آن حضرت فرمود: تا زمانی که حکومت کودکانه است با مردم به ظاهر معاشرت داشته (2) ولی در باطن [در اعتقاد و عمل] با آنها مخالف باشید. (3).

70. در روایتی دیگر فرمود: با نیکان مخفیانه و با بدان معاشرت ظاهری داشته باشید، مبدا با آنها مخالفت کنید که به شما ستم خواهند کرد.

زمانی بر شما خواهد آمد که فقط متدینی اهل نجات خواهد بود که دیگران او را ابله پندارند و او هم تحمل این مطلب را داشته باشد. (4).

71. حضرت ثامن الائمه علیه السلام می فرماید: کسی که از گناه خودداری نکند دین ندارد، هر کس تقیه نکند ایمان ندارد و هر کس بیشتر رعایت تقیه نماید نزد خداوند عزیزتر است.

پرسیدند: ای فرزند پیامبر! تا کی باید تقیه کرد؟ فرمود: تا روزی که زمانش معلوم است و آن هنگامی است که صاحب قیام ما حضرت مهدی علیه السلام

ص: 44

---

1- محاسن 1 : 259، کافی 2 : 220، مشکاه الانوار 91، وسائل 16 : 207، بحار 72 : 339، 412، 434.

2- و شرح آن چنان است که در روایتی دیگر فرمود: با مردم به گونه ای که خودشان صحیح می دانند معاشرت کنید و آنچه باعث انکار آنها شود رها کنید تا باعث حمله آنها به خودتان و ما نشوید. رجوع شود به: بصائر الدرجات 46، خصال 624، بحار 2 : 71، 183.

3- کافی 2 : 220، الهدایة، شیخ الصدوق 52، اعتقادات شیخ مفید 109، بحار 72 : 421، 436، وسائل 16 : 219، مستدرک 12 : 254، برای شرح آن رجوع شود به: شرح کافی شیخ مازندرانی 9 : 125).

4- کافی 2 : 117، وسائل 12 : 201، بحار 72 : 445.

خروج نماید . هر کس قبل از قیام آن حضرت تقیه را ترك کند از ما نیست.(1)

72 . امام صادق علیه السلام فرمود: از «تنویه»(2) بپرهیزید ؛ به خدا سوگند امام شما سالیانی دراز از میان شما غائب می شود و شما در بوته آزمایش قرار می گیرید [آن قدر غیبت طولانی می شود که] بعضی می گویند : او دیگر مرده و نابود شده، او کجا رفته [که بر نمی گردد] ؟ اما چشم اهل ایمان بر او اشکبار است.

شما مانند کشتی - که امواج متلاطم آن را زیر و رو کرده - زیر و رو شده و نجات پیدا نمی کند مگر کسی که خدا با او میثاق و پیمان بسته ، در دلش ایمان را ثبت نموده و او را به روح خویش تأیید کرده باشد .(3) بی تردید دوازده پرچم مشتبه برافراشته می شود که هیچ کدام از دیگری تشخیص داده نمی شود .

مفصل می گوید : با شنیدن این خبر به گریه افتادم ، حضرت پرسید : چرا گریه می کنی ؟ عرض کردم : گریه ندارد که می فرمایی : «دوازده پرچم مشتبه که هیچ کدام از دیگری قابل تشخیص نیست»، پس ما چه کنیم ؟ ! حضرت به نور خورشید که از بیرون به داخل تابیده بود اشاره کرد و فرمود : این آفتاب را می بینی ؟ عرض کردم : آری ! فرمود : به خدا سوگند امر [قیام و ظهور] ما از این آفتاب روشن تر است (4).

ص: 45

- 
- 1- . کمال الدین 371 ، کفایة الأثر 274 ، مشکاة الأنوار 90 ، إعلام الوری 2 : 241 ، کشف الغمة 3 : 331 ، وسائل 16 : 211 ، ورجوع شود به : بحار 52 : 321 و 72 : 395 - 396 ، عوالم 26/3 : 68 - 69 .
  - 2- . توضیح این کلمه پس از حدیث آمده است .
  - 3- . معنای روح در پاورقی صفحه : 17 گذشت .
  - 4- . مراجعه شود به : الإمامة والتبصرة 125 - 126 ، کافی 1 : 336 ، 338 - 339 ، کمال الدین 347 ، غیبت شیخ نعمانی 151 - 154 ، غیبت شیخ طوسی 337 - 338 ، دلایل الإمامة 532 - 534 ، إثبات الوصیة 224 ، الهدایة الكبرى 361 ، بحار 51 : 147 و 52 : 281 - 282 ، مستدرک 12 : 285 با کمی اختلاف .

در روایت گذشته حضرت از «تنویه» نهی فرمود. تنویه در لغت به معنای تشهیر، بالا بردن نام، مدح و ستایش، و با عظمت یاد نمودن است، ممکن است مراد از آن در اینجا یکی از احتمالات ذیل باشد:

الف) نزد مخالفان شیعه از مشهور کردن حضرت صاحب الامر علیه السلام و خصوصیات آن حضرت و یا امر غیبت پرهیز کنید. (1)

ب) از مشهور کردن خودتان اجتناب نمایید.

ج) از دعوت کردن دیگران به امر ولایت خودداری کنید. (2)

73. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: زمانی فرا می رسد که علما را مانند دزدان به قتل می رسانند، ای کاش علما آن زمان خویش را به حماقت بزنند [و سکوت اختیار نمایند] تا جان سالم به در برند. (3)

74. امیر مؤمنان علیه السلام ضمن روایتی فرمود: شما در میان مردم مانند زنبور عسل باشید... همه پرندگان او را ضعیف می شمارند در حالی که اگر می دانستند در جوف و داخل او چیست چنین رفتاری با او نداشتند.

در ظاهر با مردم معاشرت داشته باشید ولی در اعمال و رفتار و با دل از آنها کناره گیری کنید، هر کسی پاداش عمل خودش را می بیند و در قیامت با کسانی که دوست داشته باشد محشور می شود.

ص: 46

---

1- شرح کافی شیخ مازندرانی 6 : 251 .

2- مرآة العقول 4 : 35.

3- روضة الواعظین 485 ، و مراجعه شود به : کنز العمال 11 : 192 با عبارتی دیگر!

سپس حضرت به برخی از فتنه ها اشاره نمود و در ادامه فرمود: شما نیز [با امتحان] خوب و بدتان از یکدیگر جدا می شوید تا آنکه باقی نمی ماند مگر گروهی که فتنه ها هیچ ضرری به آنها نمی رساند. (1)

\* در روایت 5 گذشت که: مؤمنی که کارهایش را نیکو بجا آورد، مراعات تقیه نموده و زبان خویش را حفظ کند، خدا پاداش حسنات او را چندین برابر - به مراتب بسیار - عطا نماید.

\* در روایت 8 گذشت که: از ترس دشمن با تقیه، بندگی خدا و دین داری می نمایند... دانشمندان و پیروانشان در دولت باطل بی زبان، ساکت و خاموش هستند و در انتظار دولت حق به سر می برند.

\* در روایت 36 گذشت که: «صَابِرُوا» یعنی تقیه را رعایت نمایند.

\* در روایت 109 خواهد آمد که: حضرت صاحب الامر علیه السلام برای محفوظ ماندن از شرّ شعله های کفر و جاهلیت، به رعایت تقیه سفارش فرموده است.

توضیح

تقیه در لغت به معنای پرهیز است، و در اصطلاح به معنای کتمان حقیقت، اظهار نکردن عقاید، و نظریات خویش نزد مخالفان، و همچنین مخالفت نکردن و نزاع نداشتن با آنهاست تا به دین و دنیای ما لطمه ای وارد نشود. (2)

ص: 47

---

1- . مراجعه شود به: غیبت شیخ نعمانی 33، 217 - 218، امالی شیخ مفید 131، بحار 52: 115 - 116 و 61: 239 و 72: 410.

2- . تصحیح الاعتقادات شیخ مفید 137.

در موارد احساس خطر و خوفِ ضرر، تقیه واجب است تا جایی که ارتکاب محرمات و یا ترك واجبات هم جایز می شود. (1)

اهل بیت علیهم السلام به دوستان خویش دستور داده اند که - به منظور مدارا - حتی در غیر موارد ضرورت نیز با کسانی که در عقیده با آنها مخالف هستند معاشرت نیکو داشته باشند: از بیماران آنها عیادت نموده، در تشییع جنازه اموات آنها شرکت کرده و در مساجد و نماز جماعت آنها حاضر شوند. (2)

### گمنام زیستن و عزلت در آخرالزمان

75. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: در آخرالزمان گروهی از امت در مساجد گرد یکدیگر جمع می شوند، ذکر آنها [و همّ و غمّ و توجهشان به] دنیا و محبت

دنیا باشد، با آنها مجالست نکنید که خدا به آنها توجهی ندارد. (3)

76. از آن حضرت روایت شده: در مجالس عمومی با آنها همنشین مباش، در بازارها با آنها معامله مکن، حتی از نشان دادن راه و از آب دادن به آنها خودداری نما! (4)

ص: 48

---

1- کتاب التقیه، شیخ انصاری قدس سره 39 - 40.

2- کتاب التقیه، شیخ انصاری قدس سره 41؛ جامع احادیث الشیعه 20: 18 باب 1. این تذکر لازم است که هنگام شرکت در نماز جماعت عامه، قصد اقتدا نمی توان کرد، لذا باید حمد و سوره هر چند آهسته قرائت شود وگرنه نماز صحیح نیست. مراجعه شود به: وسائل 6: 128 (چاپ آل البیت، 5: 427 (چاپ اسلامیه)؛ جامع احادیث الشیعه 7: 381 - 389، جواهر 13: 195).

3- جامع الاخبار 70، 130، ارشادالقلوب 1: 186، مجموعه ورام 1: 69، بحار 22: 453 و 80: 368، مستدرک 3: 371 و 12: 315.

4- مکارم الأخلاق 450، بحار 74: 101، مستدرک 12: 313، 330.



77. هنگامی که از فتنه صحبت شد آن حضرت وظیفه را چنین بیان فرمود:

الرِّمَّ بَيْتِكَ ، وَ أَمْسِكَ عَلَيْنِكَ لِسَانَكَ ، وَ خُذْ مَا تَعْرِفُ ، وَ دَرَّ مَا تُنْكِرُ ، وَ عَلَيْنِكَ بِأَمْرِ الْخَاصَّةِ ، وَ دَرَّ عَنْكَ أَمْرُ الْعَامَّةِ .

یعنی: ملازم خانه خویش باش. بر زبان مسلط باش. چیزی که درستی اش را می دانی اخذ کن و آنچه را منکر دانستی رها کن، و تمام توجه خویش را به آنچه مربوط به خودت می شود معطوف دار - و یا اینکه: از گروه خاصی (یعنی پیروان حق) پیروی کن - و آنچه را عموم مردم بر آند و اگذار [و کاری به آنها نداشته باش]. (1)

78. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: اگر از مردم گریزان باشی بهتر از آن است که بین آنها اقامت کنی. (2)

ص: 49

1- . التحصين 10 ، التحفة السنية سيد جزائري 333 مخطوط ، وبسيارى از عامه نيز آن را نقل کرده اند، رجوع شود به : مسند احمد 2 : 212 وغيره . اين تذکر لازم است که غرض از تعابير : «عليك بنفسك» و يا «عليك بأمر خاصة نفسك» و يا «عليك بأمر الخاصة» اين نيست که امر به معروف و نهي از منکر، ارشاد جاهل و تکاليف ديگري که انسان نسبت به ديگران دارد از او مطلقا ساقط است؛ چون - گذشته از دلائل استمرار شريعت - در بعضی از روايات تصريح شده که در آخرالزمان تکليف امر به معروف و نهي از منکر همچنان به حال خود باقى است، (مراجعه شود به : کافی 5 : 55 ؛ تهذيب 6 : 180 - 181). بلکه ممکن است مقصود اين باشد که به جهت جو حاکم بر جامعه ، شرايط وجوب امر به معروف و نهي از منکر هميشه محقق نيست و يا اينکه انسان بايستی به کار خویش مشغول باشد و از معاشرت های غير ضروری با عموم مردم اجتناب کند ؛ زیرا اگر بخواهد در معاشرت با آنها انجام وظيفه کند مشکلات فراوان و احيانا غير قابل تحمل برای او پيش می آيد.

2- . جامع الاخبار 130 ، معارج اليقين 356 ، بحار 22 : 54 ، مستدرک 11 : 377.

79 . امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: از آنها بگریز، از آنها فرار کن!<sup>(1)</sup>

80 . آن حضرت درباره آخرالزمان فرمود: آن زمان نجات پیدا نمی کند مگر مؤمن بی نام و نشان گمنامی که اگر در میان مردم باشد او را نمی شناسند،<sup>(2)</sup> و اگر از میان آنها غائب شود کسی به جستجوی وی نمی پردازد و سراغ او را نمی گیرد. آنان چراغ هدایت و وسیله شناخت راه حق در تاریکی ها هستند، نه اهل سخن چینی و فساد در بین مردم هستند و نه دنبال افشای اسرار،<sup>(3)</sup> [آنها زبان خویش را رها نگذاشته اند]. خدای تعالی درهای رحمت خویش را بر آنها گشوده و فلاکت عذاب خود را از آنها برطرف ساخته است.

ای مردم! زمانی آید که اسلام وارونه شود مانند ظرفی وارونه [و غیر آنچه هست معرفی شود] و آنچه درون آن است بریزد [و دین بی محتوا گردد].<sup>(4)</sup>

ص: 50

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 257 ، بحار 52 : 228 . عامه نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده اند که : زمانی فرا می رسد که حفظ دین به آن است که از این طرف به آن طرف گریزان باشی ؛ زیرا گذران معیشت جز با گناه ممکن نیست، والدین، همسر و نزدیکان، انسان را به فقر و تنگدستی ملامت نمایند تا برای به دست آوردن ثروت مجبور شود دین خود را از دست بدهد. شرح ابن ابی الحدید 10 : 47 با تلخیص.

2- . و نیز فرمود : فتنه ای کور سر در گم تار، ظلمانی و فراگیر بر شما سایه افکنده که کسی از آن جان سالم به در نخواهد برد مگر نومه (گمنام). پرسیدند : غرض از نومه چیست؟ فرمود : کسی که مردم از افکار و اندیشه های او بی خبر باشند. (رجوع شود به غیبت شیخ طوسی 465، غیبت شیخ نعمانی 144، خرائج 3 : 1152، بحار 2 : 73 و 51 : 112 - 113 ، مستدرک 12 : 301) .

3- . این عبارت ترجمه «ولا المذایع البذر» است، شاید مقصود آن باشد که : سرّ خویش را فاش نمی سازند. بعضی نیز آن را این گونه معنا کرده اند که: آنها دنبال اشاعه فحشا نیستند. رجوع شود به : غریب الحدیث ابن سلام 3 : 463 - 464 .

4- . نهج البلاغه 1 : 198، و مراجعه شود به : التحصین 18 ، بحار 66 : 273.

81. امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی خواهد آمد که امام از میان مردم غائب می شود، خوشا به حال کسانی که آن زمان بر امر ولایت ما ثابت قدم باشند، کمترین پاداش آنها این است که خدای تعالی آنها را ندا کند که: ای بندگان من! به سرّ نهران من ایمان آورده و غیب مرا تصدیق کردید، شما را بشارت باد به پاداش نیکو از جانب من، شما بندگان و کنیزان واقعی من هستید [که حق بندگی را بجا آورده اید]، اعمال شما را پذیرفته، از لغزش های شما چشم پوشی کرده، و گناهانتان را بیامرزم. به واسطه شما بر [سایر] بندگان باران نازل می کنم و بلاها را از آنها دفع می نمایم، اگر شما نبودید عذاب خویش را بر آنها فرو می فرستادم.

قَالَ جَابِرٌ: فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمَا أَفْضَلُ مَا يَسْتَعْمَلُهُ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؟ قَالَ: حِفْظُ اللِّسَانِ، وَ لُزُومُ الْبَيْتِ.

جابر می گوید که عرض کردم: ای فرزند پیامبر! بهترین عمل مؤمن در آن زمان چیست؟ حضرت فرمود: حفظ زبان، و خانه نشینی. (1)

82. امام صادق علیه السلام فرمود: زبانتان را نگهدارید و ملازم خانه خویش باشید. (2)

83. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: خانه خویش را عبادتگاه خود قرار دهید، در سختی ها و مشکلات صبر و بردباری را پیشه خود سازید ، و خدا را بسیار یاد کنید که - اگر می دانستید - بالاترین چیز همین یاد خداست. (3)

ص: 51

1- . کمال الدین 330 ، منتخب الانوار المصنئة 150 ، بحار 52 : 145.

2- . غیبت شیخ نعمانی 204 ، بحار 52 : 139 و 72 : 82 ، مستدرک 11 : 36 .

3- . کفایه الأثر 213 - 214 ، بحار 36 : 354 و 41 : 329 و 52 : 267 با کمی اختلاف.

84. آن حضرت فرمود: زمانی بر مردم آید که عافیت ده بخش است، نه بخش از آن در کناره گیری و عزلت، و يك بخش در سكوت. (1)
85. امام باقر به نقل از امیر مؤمنان علیهما السلام فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که اگر کسی خانه نشین باشد حالش از همه بهتر خواهد بود. (2)
86. امام صادق علیه السلام - به نقل از سلمان رحمه الله - فرمود: هنگامی که زمان غیبت فرا رسد ملازم پلاس خانه خویش باشید تا آنکه پاكِ پاكِ زاده مطهر (که خدا او را پاكِ قرار داده) صاحب غیبت و طرد شده رانده شده ظاهر شود. (3)
87. عمار بن یاسر می گوید: دعوت و فراخوان اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان خواهد بود، بر زمین قرار گیرید و دست نگهدارید تا رهبران آن را ببینید. (4)
- و بنا بر نقلی: دولت اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان است و برای آن علائمی خواهد بود. بر زمین قرار گیرید و دست نگهدارید تا آن نشانه ها ظاهر شود. (5)

ص: 52

- 
- 1- . التحصين 18، مستدرک 11 : 388 ، جامع احاديث الشيعة 14 : 192 ، ورجوع شود به : خصال 437، ثواب الأعمال 178، تحف العقول 446، بحار 67 : 110 و 68 : 279 و 75 : 339، وسائل 12 : 185، جامع احاديث الشيعة 13 : 486 .
- 2- . مراجعه شود به : التحصين 18، بحار 52 : 135 ، مستدرک 11 : 388، جامع احاديث الشيعة 14 : 195 .
- 3- . غیبت شیخ طوسی 163 ، بحار 52 : 126-127 .
- 4- . غیبت شیخ طوسی 441، بحار 52 : 212 .
- 5- . غیبت شیخ طوسی 463 ، بحار 52 : 208 . معلوم است که شأن جناب عمار یاسر بالاتر از آن است که بنخواهد در چنین موضوعی از پیش خود اظهار نظر نماید، و قطعاً این مطلب را از معصومین علیهم السلام نقل می کند .

88. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خدایتان رحمت کند، خود را [مانند] پلاس های خانه خویش قرار دهید [که هیچ واکنشی از آن دیده نمی شود] تا زمان ظهور امر ما فرارسد. هر کس از شما [قبل از ظهور] بمیرد، مظلومانه

مرده [و پاداش او بر خداست] و هر کس زنده بماند ان شاء الله دیده اش به ظهور روشن می گردد. (1)

89. راوی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: به من توصیه ای بفرمایید، حضرت فرمود: تو را به تقوا سفارش می کنم، ملازم خانه ات باش و در ظلمات و تاریکی هایی که این مردم گرفتار آن هستند سرجایت بنشین. مبادا با کسانی از خاندان ما که قیام می کنند همراه شوی که نه کار درستی می کنند و نه از کارشان نتیجه ای می گیرند.

بدان که هیچ گروهی برای دفع ستم یا عزت دین قیام نمی کند مگر آنکه بلا آنها را از پای در می آورد تا آنکه گروهی که در جنگ بدر به یاری پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شتافتند [دوباره] قیام کنند. نه کشته ای از آنها به خاک سپرده می شود؛ نه بر زمین می افتند که نیاز به بلند کردن داشته و نه مجروح می شوند که به مداوا نیاز داشته باشند. راوی پرسید: آنها چه کسانی هستند؟! فرمود: فرشتگان. (2)

ص: 53

---

1- . إرشاد القلوب 2 : 134 ، بحار 30 : 80 .

2- . غیبت شیخ نعمانی 201 ، بحار 52 : 136 ، مستدرک 11 : 35 - 36 . ابن ابی الحدید از امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده که در ضمن حدیثی سوگند یاد نمود که: قیام نکنند گروهی برای حق خواهی - برای ما یا دیگران - یا برای دفع ستمی مگر آنکه بلا آنها را از پای در آورد تا آنکه گروهی برپاخیزد که در جنگ بدر با پیامبر صلی الله علیه و آله جنگید . سپس حضرت اشاره فرمود به اینکه آن گروه قتیل، مجروح و تلفاتی نخواهند داشت . شرح ابن ابی الحدید 6 : 382 .

90. هنگامی که سیاه جامه گان (پیروان ابومسلم) در خراسان قیام کردند، از امام صادق علیه السلام پرسیدند که نظر شما درباره قیام آنها چیست؟ حضرت فرمود: در خانه خویش بنشینید، هنگامی که دیدید ما (خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) همگی بر کسی اتفاق نظر داشتیم، با اسلحه به یاری ما بشتابید. (1)

\* در روایت 8 گذشت که: دانشمندان و پیروانشان در دولت باطل بی زبان و ساکت و خاموش هستند.

\* در روایت 62 گذشت که: از جای حرکت نکن تا سفیانی قیام کند.

#### توضیح

مقصود از خانه نشینی در روایات گذشته دو چیز است: یکی ترك مبارزه با دشمن، قبل از رسیدن وقت مناسب. دیگری: گوشه نشینی و عزلت.

این نکته را باید در نظر داشت که عزلت و گوشه نشینی در صورتی ممدوح است که انسان تفقه در دین داشته باشد و از معارف و احکام دین با اطلاع باشد تا بتواند - در عین اعتزال و خانه نشینی - تکالیف شرعی را بجا آورده و حقوق خانواده، ارحام، بستگان، و برادران دینی را رعایت نماید؛ اما کسی که بخواهد از اول به تنهایی انس گرفته و با هیچ کس ارتباط نداشته باشد، در انجام وظایف شرعی خویش دچار جهل و سردرگمی می شود و قطعاً چنین امری مطلوب نخواهد بود. (2)

ص: 54

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 203، بحار 52 : 138 - 139، مستدرک 11 : 36.

2- . مراجعه شود به: کافی 1 : 31، مرآة العقول 11 : 369 - 368.

لذا باید دقت کرد که اعتزال مطلوب، به حسب افراد، حالات، و شرایط زمان و مکان مختلف است. رفت و آمد برای یادگیری معارف و احکام دین لازم است و معاشرت با کسانی که باعث ترقی انسان در کمالات و فضایل باشند مطلوب است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «يَسْعُدُ الرَّجُلُ بِمُصَاحَبَةِ [بِصَاحِبِهِ] السَّعِيدِ»<sup>(1)</sup> یعنی انسان در اثر همراهی و رفاقت با شخص سعادت‌مند، خوشبخت می‌شود.

مهم‌ترین نکته در این زمینه شناخت مصادیق است؛ زیرا هنگامی که فساد بر اهل زمان غالب باشد گمان نیک به همگان داشتن بی‌خردی است، پس در تشخیص و انتخاب کسانی که ناگزیر از معاشرت با آنها هستیم باید بسیار دقت کنیم.

### حکم ذکر نام امام زمان علیه السلام در زمان غیبت

روایاتی در منع بر زبان آوردن نام مبارك امام زمان علیه السلام - که همانم جدش صلی الله علیه و آله وسلم باشد - به ما رسیده و در حرمت، جواز و یا تفصیل آن، اقوال مختلفی وجود دارد. برای اطلاع بیشتر به کتاب‌های وسائل و مستدرک و مکمال المکارم مراجعه شود.<sup>(2)</sup>

ص: 55

---

1- . نثر اللئالی 108 ، الذریعة ، آقابزرگ طهرانی 25 : 54 .

2- . بحار 51 : 31 ، وسائل 16 : 237 - 246 چاپ آل‌البیته ، 11 : 485 (چاپ اسلامیة) باب 33 تحریم تسمیة المهدی علیه السلام ، مستدرک 12 : 279 ، جامع احادیث الشیعة 14 : 559 - 572 (چاپ اول) 18 : 441 - 456 (چاپ دوم) ، مکمال المکارم 2 : 110 (چاپ اول) ، ترجمه آن 2 : 153 (چاپ هشتم).

## تکذیب تعیین زمان خاص برای ظهور

روایات متعددی وجود دارد که همگان را از تعیین زمان ظهور نهی کرده است .

91 . کسی از امام باقر علیه السلام پرسید : آیا برای فرج زمان معینی وجود دارد ؟

حضرت سه مرتبه فرمود : کسانی که برای آن ، وقت تعیین کنند دروغ می گویند .(1)

92 . آن حضرت فرمود: خدا هنگام ظهور را برای ما تعیین نکرده است.(2)

93 . راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد : فدایت شوم ، امر فرج - که در انتظار آن به سر می بریم - چه زمانی خواهد بود ؟ ... [ انتظار ما ] طولانی شد !

حضرت فرمود : کسانی که برای ظهور وقت تعیین نمایند دروغ می گویند . کسانی که عجله کنند هلاک می شوند و اهل تسلیم نجات می یابند و بازگشت آنها به سوی ما است.(3)

94 . از آن حضرت روایت شده است : اصلاً خدا می خواهد زمان فرج برخلاف زمانی که دیگران تعیین می کنند باشد.(4)

ص: 56

---

1- . کافی 1 : 368 ، غیبت شیخ نعمانی قدس سره 305 ، غیبت شیخ طوسی رحمه الله 426 ، بحار 4 : 132 و 52 : 103 .

2- . تفسیر قمی 310 ، بحار 52 : 185 .

3- . مراجعه شود به : کافی 1 : 368 و 3 : 132 و 8 : 294 ، کتاب الزهد 82 ، کمال الدین 378 ، الإمامة والتبصرة 95 ، غیبت شیخ طوسی 426 ، إعلام الوری 2 : 243 ، کفاية الأثر 283 ، غیبت شیخ نعمانی 203 ، بحار 6 : 98 و 51 : 30 ، 158 و 52 : 103 - 104 ، 140 و 53 : 97 .

4- . کافی 1 : 368 ، غیبت شیخ نعمانی 300 ، بحار 19 : 320 و 52 : 360 . همین مطلب در برخی از مصادر روایت بعد تکرار شده است .



95. آن حضرت فرمود: ما اهل بیت [ برای ظهور ] وقت تعیین نمی کنیم. (1)

96. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است: کسانی که برای ظهور زمانی را تعیین کنند دروغ می گویند. ما اهل بیت پیش از این وقتی برای آن تعیین نکرده و در آینده نیز زمانی مشخص نخواهیم کرد. (2)

97. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ وَقَّتْ لَكَ مِنَ النَّاسِ شَيْئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ، فَلَسْنَا نُوقَّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا. (3)

یعنی: هر کس زمان خاصی را برای ظهور تعیین کرد بدون هیچ ترس و واهمه او را تکذیب کن، چون ما برای هیچ کس وقت معین نکرده ایم.

98. حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، وَكَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ. (4)

یعنی: ظهور فرج به دست خداست، کسی که برای آن وقت تعیین کند، دروغ گفته است.

\* در روایت 51 گذشت که: گروهی هستند که به دروغ برای ظهور وقت تعیین می کنند.

ص: 57

---

1- . کافی 1 : 368 ، غیبت شیخ نعمانی 301 ، 304 ، بحار 52 : 118 .

2- . غیبت شیخ طوسی 426 ، بحار 52 : 103 .

3- . غیبت شیخ طوسی 426 ، بحار 52 : 104 و مراجعه شود به : غیبت شیخ نعمانی 300 .

4- . کمال الدین 484 ، غیبت شیخ طوسی 291 ، خرائج 3 : 1114 ، احتجاج 2 : 283 ، اعلام الوری 2 : 271 ، بحار 52 : 111 و 53 :

181 و 75 : 380 . و رجوع شود به : کمال الدین 483 ، اعلام الوری 2 : 270 ، کشف الغمة 3 : 339 ، خرائج 1 : 179 ، بحار 52 :

119 و 53 : 184 .

## دعا و نیایش برای ظهور و عاقبت به خیری

یکی از تکالیف زمان غیبت دعا برای نجات خویش و همچنین دعا برای تعجیل فرج است .

الف) دعا و تضرع برای نجات خویش ، یعنی : درخواست معرفت ، ثابت ماندن بر دین و عقیده و نجات از فتنه ها .

99 . امام صادق علیه السلام فرمود: برای شما شبهه ای پیش می آید که بدون پرچم و امام هدایت می مانید، فقط کسی نجات پیدا می کند که خدا را به دعای غریق بخواند ... می گویی :

يَا اللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ. (1)

ای خدا ، ای رحمان ، ای رحیم ! ای دگرگون کننده دل ها ! دلم را بر دینت استوار بدار.

100 . در روایت دیگر آمده است که زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر آن زمان را درک نمایم چه کنم؟ حضرت فرمود: بر این دعا مداومت داشته باش :

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ .

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ .

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. (2)

ص: 58

---

1- . کمال الدین 352 ، إعلام الوری 2 : 238 ، منتخب الأنوار المضيئة 151 ، بحار 52 : 149 و 92 : 326 ، و مراجعه شود به : غیبت شیخ نعمانی 167 ، بحار 52 : 133 .

2- . بحار 52 : 146 و رجوع شود به : کافی 1 : 337 ، 342 ، کمال الدین 342 ، إعلام الوری 2 : 237 ، غیبت شیخ نعمانی 170 ، غیبت شیخ طوسی 334 ، جمال الأسبوع 314 ، بحار 92 : 326 . و دعایی از شیخ أبوعمر و عمري رحمه الله - که از وکلا و سفرای ناحیه مقدسه بوده - نقل شده که با مضمون فوق شروع می شود ، رجوع شود به : کمال الدین 512 ، التمهیح اسکافی 16 ، مصباح المتهجد 411 ، جمال الأسبوع 315 ، بحار 53 : 187 و 92 : 327 .

یعنی: بارالها! خودت را به من بشناسان و گرنه پیامبرت را نیز نمی شناسم، خداوندا! پیامبرت را به من بشناسان و گرنه حجت تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! حجت خویش را به من بشناسان و گرنه از دین خویش [بازگشته و] گمراه می شوم.

101. راوی دیگر از حضرت پرسید: پس شیعیان در آن زمان چه کنند؟ فرمود: وظیفه شما دعا و انتظار فرج است.

البته که برای شما پرچمی ظاهر می شود؛ پس آنگاه حمد و ستایش خدا را بجای آورده و به آنچه برای شما ظاهر شود تمسک نمایید.

راوی پرسید: چه دعایی بخوانیم؟ فرمود این دعا را:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَفْتَنِي نَفْسِكَ وَعَرَفْتَنِي رَسُولَكَ وَعَرَفْتَنِي مَلَائِكَتَكَ وَعَرَفْتَنِي وُلاَةَ أَمْرِكَ .

اللَّهُمَّ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أُعْطِيتُ ، وَلَا أَقْبِي إِلَّا مَا وَقِيتَ .

اللَّهُمَّ لَا تُعَيِّبْنِي عَنْ مَنَازِلِ أَوْلِيَانِكَ ، وَلَا تُزَعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي .

اللَّهُمَّ اهْدِنِي لَوِلايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ. (1)

یعنی: خداوندا! تو خودت را به من شناساندی، و توفیق شناخت پیامبر، فرشتگان و اولی الامر را به من عنایت فرمودی.

ص: 59

بارالها! جز آنچه تو عطا کنی نمی گیرم، و جز آنچه تو حفظ کنی، نگهداری نتوانم [ورهایی از گمراهی و ترك گناه جز با توفیق از جانب تو میسر نگردد].

پروندگان! مرا از همجواری دوستان خویش محروم مکن، و پس از آنکه توفیق هدایت به من عنایت فرمودی دلم را به باطل متمایل مساز.

خدایا! مرا به ولایت کسی که اطاعت او را واجب نموده ای، هدایت فرما.

102. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آرزوی درك [دولت کریمه] قائم آل محمد علیهم السلام را می کنید، آرزو کنید [و از خدا بخواهید] که با عافیت به خدمت آن حضرت برسید، چون خدای تعالی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را برای رحمت مبعوث کرد ولی امام زمان علیه السلام را برای انتقام می فرستد. (1)

\* در روایت 110 خواهد آمد که: آن زمان بر حذر باش [مواظب دین خود باش]، و از خدا درخواست نجات کن، و بدان که خدا بر مردم غضب کرده است.

(ب) دعای برای تعجیل فرج

103. امام عسکری علیه السلام - در ضمن روایتی درباره حضرت مهدی علیه السلام - فرمود: به خدا سوگند او غائب می شود به گونه ای که در دوران غیبت او مردم هلاک

ص: 60

---

1- . کافی 8 : 233، الصراط المستقیم 2 : 262، بحار 52 : 376. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید، برخی از کسانی که خود را معتقد به ولایت می دانستند، دست از عقیده خویش بردارند ولی مانند ماه پرستان و خورشید پرستان به آن ایمان آورند! و بنابر نسخه ای: دست از عقیده خویش بردارند و به آیین ماه پرستان و خورشید پرستان ایمان آورند! (غیبت شیخ نعمانی 332، بحار 52 : 364).

می شوند و نجات پیدا نخواهد کرد مگر کسی که خدا او را بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت بدارد و به او توفیق دهد که برای فرج دعا کند. (1)

104 . امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی کرد که تو در آینده دارای فرزند می شوی. آن حضرت این مطلب را با همسر خویش ساره بازگو نمود . ساره با تعجب گفت: آیا ممکن است من در پیری بچه دار شوم؟! خداوند بر آن حضرت وحی فرستاد که او دارای فرزند خواهد شد ولی چون ساره در مقابل کلام خدا چنین صحبتی نمود، نسل او چهار صد سال عذاب می کشند.

حضرت در ادامه فرمود: هنگامی که عذاب بنی اسرائیل طولانی شد، چهل روز به درگاه خداوند ضجّه و ناله زده و گریه و زاری نمودند، پس از آن خداوند به حضرت موسی و هارون علیهما السلام وحی نمود که آنها را از دست فرعون نجات دهند و خداوند از بقیه مدت تعیین شده - که صد و هفتاد سال بود - صرف نظر نمود . امام صادق علیه السلام فرمود:

هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهِي إِلَيَّ مُنْتَهَاهُ.

یعنی : شما هم اگر همین برنامه را اجرا کنید [و از درگاه الهی با تضرع و گریه فرج را درخواست نمایید] خدا فرج ما را می رساند، و گرنه غیبت تا آخرین حدّ تعیین شده طول خواهد کشید. (2)

ص: 61

---

1- . کمال الدین 384 ، إعلام الوری 2 : 248 ، كشف الغمة 3 : 333 ، الصراط المستقیم 2 : 232 ، منتخب الأنوار المضيئة 261 ، بحار 52 : 24 ، اثبات الهداة 3 : 480 .

2- . تفسير عیاشی 2 : 154 ، بحار 4 : 118 و 13 : 140 و 52 : 132 ، مستدرک 5 : 239 .

105 . در توقیع امام زمان علیه السلام آمده است:

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ .

یعنی: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که آن خود فرج شما خواهد بود. (1)

### استقامت در زمان غیبت

106 . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خوشا به حال صابران زمان غیبت، خوشا به حال استواران در راه حق و حقیقت، کسانی که خدای تعالی درباره آنها فرموده: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (2) یعنی: کسانی که به غیب ایمان می آورند؛ و فرموده: «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (3) یعنی: آنها حزب خدا هستند، بدانید که حزب خدا رستگارانند. (4)

107 . امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بخواهد دین خویش را در زمان غیبت نگهدارد [در سختی و دشواری] مانند کسی است که بخواهد خارهای قتاد (5) را با دست خویش جدا کند - و با دست مبارک اشاره کرد و فرمود: - این چنین.

ص: 62

---

1- . کمال الدین 485 ، غیبت شیخ طوسی 292 ، خرائج 3 : 1115 ، احتجاج 2 : 284 ، اعلام الوری 2 : 272 ، کشف الغمة 3 : 340 ، منتخب الأنوار المضيئة 230 ، بحار 52 : 92 و 53 : 181 . درباره دعاهاى زمان غیبت و دعا برای حضرت مهدی علیه السلام تألیفات جداگانه ای نیز وجود دارد ، مانند «الصحيفة الهادية والتحفة المهدية» .

2- . البقرة 2 : 3 .

3- . المجادلة 58 : 22 .

4- . كفاية الاثر 60 ، بحار 52 : 143 .

5- . قتاد ، درختی خاردار است که خارهای آن مانند سوزن است . لسان العرب 3 : 342 .

پس از آن لحظاتی سر به زیر افکنده، سپس فرمود: صاحب این امر (فرج و ظهور) را غیبتی است که در آن زمان بایستی بنده [ مؤمن ] تقوای الهی پیشه کرده و دین خویش را [ محکم ] نگهدارد. (1)

108 . امام کاظم علیه السلام تأکید فرمودند : در زمان غیبت مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را بی دین کند؛ زیرا آن زمان کسانی که اعتقاد به امامت اهل بیت علیهم السلام دارند از عقیده خود برمی گردند. خداوند می خواهد با این غیبت مردم را آزمایش نماید. (2)

109 . بنابر نقل شیخ طبرسی قدس سره در توفیق ناحیه مقدسه به شیخ مفید رحمه الله آمده است: ما در مراعات شما کوتاهی نمی کنیم و شما را از یاد نمی بریم وگرنه سختی و بلا بر شما نازل شده، و دشمنان شما را نابود و ریشه کن می کردند، پس تقوای الهی پیشه سازید و به ما کمک کنید تا از شما دستگیری نموده و شما را از فتنه ای که بر سرتان سایه افکنده نجات دهیم.

ص: 63

---

1- . کافی 1 : 335 ، غیبت شیخ نعمانی 173 - 174 ، غیبت شیخ طوسی 455 ، بحار 52 : 135 . با کمی اختلاف. امام باقر علیه السلام درباره شدائد زمان غیبت فرمود : شباهتی که امام زمان علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام دارد خوف و ترس مداوم، غیبت طولانی، مخفی بودن ولادت ، و شدائد شیعیان پس از اوست. آنها با اذیت و آزار و خواری و روبرو می شوند تا اینکه خداوند اجازه ظهور دهد و او را بر دشمن یاری داده و تأیید نماید. (کمال الدین 327، بحار 51 : 168).

2- . رجوع شود به : مسائل علی بن جعفر قدس سره 325 ، کافی 1 : 336 ، الإمامة والتبصرة 113 ، کمال الدین 359 - 360 ، علل الشرایع 1 : 244 ، کفایة الأثر 150 چاپ دیگر 268 - 269 ، غیبت شیخ نعمانی 156 ، غیبت شیخ طوسی 337 ، الهدایة الكبرى 361 ، دلائل الامامة 534 ، اعلام الوری 2 : 239 ، الصراط المستقیم 2 : 229 ، بحار 51 : 150 و 52 : 113 ، اثبات الهداة 3 : 476 .

حضرت پس از سفارش به رعایت تقیه برای محفوظ ماندن از شرّ شعله های کفر و جاهلیت ، فرمود: کاری کنید که به دوستی ما نزدیک شوید [و رضایت ما را جلب نمایید] و از آنچه باعث ناراحتی ما می شود دوری نمایید. (1)

\* در روایت های 123 - 124 نیز سفارش یکدیگر به صبر در زمان غیبت خواهد آمد .

### شناخت اوضاع زمان غیبت

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: عاقل باید اهل زمان خویش را بشناسد. (2)

و امام صادق علیه السلام فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ» (3) یعنی : کسی که نسبت به زمان خویش شناخت و آشنایی [ صحیح ] داشته باشد امور مشتبه ، او را از پای در نمی آورد .

بنابر این لازم است که انسان در زمان غیبت ، در تحصیل شناخت صحیح از موقعیت خویش تلاش لازم را داشته باشد.

شاید ما در این زمینه - به جهت ضعف فرهنگ دینی و نداشتن معرفت کافی و ناتوانی در درک صحیح از کتاب و سنت - دچار مشکلاتی شویم و به اشتباه بیفتیم؛ لذا پیشوایان معصوم علیهم السلام وقایع و اتفاقات زمان غیبت را با دقت ترین مشخصات آن برای ما بیان کرده و در این زمینه شرح کافی داده اند .

ص: 64

- 
- 1- . احتجاج 2 : 323 ، چاپ دیگر 2 : 498 ، بحار 53 : 174 - 175 .
  - 2- . بحار 1 : 88 .
  - 3- . کافی 1 : 26 - 27 تحف العقول 356 ، بحار 68 : 307 و 75 : 269 .



این مختصر گنجایش تفصیل آن روایات را ندارد(1) ولی به ذکر بخشی از

روایتی که شیخ کلینی قدس سره به سند معتبر آن را نقل فرموده بسنده می کنیم .

110 . امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بینی حق نابود شده و حق جویان و اهل حق از میان می روند ، ستم همه بلاد را فرا می گیرد.

قرآن کهنه شده و چیزهایی که در آن نیست در آن پدید می آید [ و به آن نسبت داده می شود] ، و آیات مطابق هوی و هوس توجیه می شود، دین و آیین مانند ظرف آبی وارونه می شود، اهل باطل بر اهل حق غالب می شوند.

شر و بدی آشکارا بجا آورده می شود و کسی از آن نهی نمی کند ، بلکه کسانی که مرتکب آن می شوند معذور شمرده می شوند.

فسق و فجور آشکار گردیده، مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا نمایند.

مؤمن مهر سکوت بر لب زده و کسی سخنش را نمی پذیرد، فاسق دروغ می گوید و کسی دروغ و افترایش را انکار نمی کند.

کودکان بزرگان را خوار می شمارند، مردم قطع رحم می کنند.

افراد را به فسق و فجور و کار بد می ستایند و به آنان می خندند و بر آنان انکار نمی کنند.

ص: 65

---

1- . برای اطلاع از آن روایات رجوع شود به : نهج البلاغه 4 : 87 ، کافی 2 : 296 و 8 : 308 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 50 ، احتجاج 1 : 251 ، 373 ، تفسیر فرات 139 ، جامع الأخبار 130 ، تحف العقول 52 ، تفسیر مجمع البیان 2 : 209 ، 359 ، وسائل 16 : 140 ، مستدرک 11 : 376 و 12 : 330 و 13 : 333 ، بحار 2 : 109 و 14 : 349 ، و 24 : 329 و 30 : 79 و 51 : 57 و 69 : 290 و 70 : 304 و 72 : 440 و 74 : 96 - 102 و 74 : 366 - 370 و 90 : 116 و 100 : 81 ، جامع احادیث الشیعه 16 : 476 - 516 ، باب 12 از کتاب جهاد النفس . برخی از مطالب لابلای احادیث همین کتاب نیز آمده است ، مانند روایات شماره : 44 ، 51 ، 72 ، 115 تا 118 ، 121 - 122 ، 125 ، 127 تا 131 ، 133 ، 245 ، 248 ، 274 .

پسر بچه و نوجوان مانند زنان خود را در اختیار مردان قرار می دهد، زنان با زنان ازدواج می کنند.

مدح و ثنا (و تملق و چاپلوسی) بسیار می شود.

مال خود را در غیر اطاعت خداوند خرج می نمایند بدون اینکه کسی آنها را نهی کند و مانع شود .

چون کوشش مؤن را در راه خدا ببینند [سعی او را بیهوده شمارند و] از کوشش او به خدا پناه می برند.

همسایه ، همسایه آزاری می کند بدون اینکه کسی او را منع نماید.

کافر خوشحال است از آنچه در اهل ایمان [ از سختی ها و مشکلات] می بیند و شاد است که فساد و تباهی زمین را گرفته است.

شراب را آشکارا می نوشند و کسانی که از خدای عزوجل نمی ترسند برای نوشیدنش گرد هم می آیند .

کسی که امر به معروف کند خوار می شود، و فاسق در مورد اموری که خدا دوست ندارد نیرومند است و او را می ستایند.

اصحاب آیات(1) و کسانی که آنان را دوست دارند خوار می شوند.

ص: 66

---

1- . آیات به معنای علامات و معجزات است ، یا کسانی که آیات در شأن آنها نازل شده ، و مراد از آن ائمه علیهم السلام هستند . و احتمال دارد مقصود از آن ، مفسران و قاریان واقعی قرآن باشند و در برخی از نسخ «اصحاب الآثار» است که اشاره به محدثین است .  
مرآة العقول 25 : 85 احتمال دوم بعید به نظر می رسد مگر آنکه مراد از آن ، مطلبی باشد که در کلام امیرمؤمنان علیه السلام بیان شده است که فرمود : «لیس عندهم سلعة أبور من الكتاب إذا تلي حق تلاوته ، ولا سلعة أنفق بیعا ولا أعلى ثمنا من الكتاب إذا حرف عن مواضعه . . . فالكتاب وأهل الكتاب في ذلك الزمان طريدان منفيان ... لا يأويهما مؤو» ، یعنی : نزد آنان چیزی بی ارزش تر از آن نیست که قرآن آن گونه که سزاوار است تلاوت [ و بیان] شود، ولی اگر مطالب آن با تحریف عرضه شود برای آن بالاترین ارزش را قائل شوند! ... قرآن و اهل آن در آن زمان مطرود اجتماع باشند، و کسی آنها را پناه نمی دهد . کافی 8 : 389 ، بحار 74 : 367 - 372

راه خیر و نیکی مسدود ، و راه شر و بدی به روی همه باز می گردد.

خانه کعبه تعطیل و دستور به ترك حج و عمره می دهند.

به زبان گویند آنچه را که عمل نمی کنند .

مردان برای استفاده مردان خود رافربه می کنند و زنان برای زنان ؛ گذران زندگی مرد از لواط و زن از زنا باشد.

زنان مانند مردان برای خودشان مجلس تشکیل می دهند.

در بنی عباس رفتارهای زنانه آشکار شده ، خضاب می کنند و شانه می زنند و آرایش می نمایند چنانکه زن برای شوهرش آرایش می نماید؛ و برای اینکه مردان با آنها کار زشت انجام دهند به آنها پول می دهند.

در همجنس بازی و عشق به مردان رقابت می شود و مردان بر سر این کار غیرت ورزند.

ثروتمند از مؤن عزیزتر است .

ربا آشکار می شود و کسی بر آن سرزنش نمی شود.

زنان بر زنا ستایش می شوند، زن برای همجنس بازی شوهرش با او همکاری می کند، بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن است که در هرزگی زنان و گناه به آنها کمک می کنند.

مرد با ایمان غمناک و کوچک و خوار می گردد.

بدعت و زنا آشکار می شود.

به شهادت ناحق اعتماد می کنند، حرام حلال می شود و حلال حرام می گردد، دین به رأی باشد، قرآن و احکام آن تعطیل می شود.

چنان در مقابل خدا بی باک می شوند که برای انجام کار خلاف انتظار شب را نمی کشند.

مؤمن نمی تواند کار بد را انکار کند مگر با دل.

مال کلان در راهی که مورد خشم خدای عزّ و جلّ باشد، خرج می شود.

زامسداران به کافران نزدیک و از اهل خیر و صلاح دوری می گزینند. فرمانروایان در حکم رشوه می گیرند، و فرمانروایی مورد مزایده قرار می گیرد.

محارم خویش را به نکاح درمی آورند و به همان اکتفا نمایند.

به مجرد تهمت و سوء ظن مردم را می کشند.

مردان در همجنس بازی غیرت ورزند و جان و مال خویش را در این راه فدا می کنند، مرد برای آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می گیرد، مرد از هرزگی زنش نان می خورد، آن را می داند ولی باز هم به آن تن می دهد.

زن بر مرد خود مسلط می شود و کاری را که مرد نمی خواهد انجام می دهد و به شوهر خود خرجی می دهد، مرد زن و جاریه خود (یعنی کنیز یا دخترش) را برای زنا کرایه می دهد، و به خوراک و نوشیدنی پست تن در می دهد.

سوگندهای دروغ به نام خدا بسیار می شود.

قمار بازی آشکار می شود، شراب را بدون هیچ مانعی آشکارا می فروشند.

زنان، خود را در اختیار کافران می گذارند.

آلات لهو (مانند موسیقی) علنی گردد، از مقابل آن می گذرند اما کسی از آن جلوگیری نمی کند بلکه کسی جرأت منع از آن را ندارد.

انسان شریف و با شخصیت را از ترس تسلط و قدرتش خوار می کنند.

نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنام دادن به ما اهل بیت [معروف و] ستایش شود، و هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو می دانند و شهادتش را نمی پذیرند.

مردم بر سر گفتن حرف باطل و ناحق با همدیگر رقابت می کنند.

شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض شنیدن مطالب باطل و ناروا بر آنها آسان می شود.

همسایه ، همسایه را از ترس زبانش گرامی می دارد.

حدود الهی تعطیل شده و در آن مطابق میل و هوای خویش عمل می کنند.

مساجد طلاکاری و نقاشی می شود.

راستگوترین مردم نزد عموم کسی است که دروغ و افترا بندد .

شرّ و سخن چینی آشکار می گردد.

فساد و ستم شایع می شود.

غیبت را خوش مزه و نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند.

برای غیر خدا دنبال حج و جهاد می روند.

سلطان به خاطر کافر ، مؤن را خوار می کند.

خرابی بر آبادانی چیره می گردد.

زندگی مردم از کم فروشی اداره می شود.

خونریزی را آسان می شمارند.

برای اغراض دنیوی ریاست طلبی می نمایند . خود را به بدزبانی مشهور می سازند تا از آنها بترسند و کارها را به آنها واگذارند.

نماز را سبک می شمارند.

مرد مال بسیار دارد و از وقتی که آن را به دست آورده زکات [ و وجوه شرعی ] آن را پرداخت نکرده است .

گور مرده ها را می شکافند و آنها را می آزارند و کفن آنها را می فروشند.

آشوب بسیار می شود.

مرد روز را با مستی به شب رسانده و شب را به مستی صبح می کند و اهمیتی به اوضاع مردم نمی دهد (یا اینکه اهمیتی به آنچه مردم درباره اش می گویند، نمی دهد).

با حیوانات در می آمیزند.

حیوانات همدیگر را می درند.

مرد به نمازخانه خود می رود و چون برگردد جامه در تن ندارد. (1)

دل ها را قساوت گرفته ، چشمانشان خشک و یاد خدا بر آنان سنگین باشد.

کسب های حرام شایع و بر سر آن رقابت می کنند.

نمازخوان برای ریا و خودنمایی نماز می خواند.

دنبال فقه می روند نه برای دین بلکه برای دنیا و ریاست .

مردم با کسی هستند که [ بر دیگران ] غالب است.

هر کس روزی حلال جوید مورد سرزنش و مذمت قرار می گیرد و آن که دنبال مال حرام است مورد ستایش و تعظیم.

در مکه و مدینه کارهایی که خدا دوست ندارد انجام می شود و کسی از آنها جلوگیری نمی کند ، ساز و آواز در حرمین آشکار می گردد.

ص: 70

---

1- . شاید اشاره به کثرت سارقین باشد . مراجعه کنید به مرآة العقول 25 : 85 .

اگر کسی سخن حق بگوید و امر به معروف و نهی از منکر کند دیگران او را نصیحت می کنند و می گویند: این کار بر تو لازم نیست.

مردم به همدیگر چشم و هم چشمی می کنند ، به مردم بدکار و شرور اقتدا می کنند (مُدپرستی شایع می شود) .

راه خیر خالی و بی مشتری می گردد.

مُرده را به مسخره می گیرند و کسی برای مرگ او غمناک نمی شود.

هر سال شرّ و بدعت بیشتر از پیش می شود.

مردم و انجمن ها فقط از توانگران پیروی می کنند .

به فقیر چیزی می دهند تا به او بخندند و اگر به او ترحم کنند برای خدا نیست.

نشانه های آسمانی پدید می آید ولی کسی از آن هراس ندارد.

مردم بر یکدیگر می جهند [ و آشکارا همبستر شوند] چنانکه حیوانات بر همدیگر می جهند و هیچ کس - از ترس - کار زشتی را انکار نمی کند.

در اموری که اطاعت خدا نیست زیاد خرج می کنند ولی در اطاعت خدا از کم هم دریغ دارند.

عقوق [ و ناسپاسی] نسبت به پدر و مادر آشکار گشته و پدر و مادر را سبک می شمارند ، آنها نزد فرزند از همه بدتر هستند، و فرزند خوشحال است که به آنها دروغ می بندد.

زن ها بر حکومت غالب و هر کاری را قبضه می کنند، [ و به تصرف خود درمی آورند] کاری پیش نمی رود جز آنچه مطابق میل آنها باشد.

پسر به پدر افترا بسته ، والدیش را نفرین می کند و از مرگشان خوشحال می شود.

اگر روزی بر کسی بگذرد که در آن روز گناه بزرگی نکرده باشد - مانند فسق و فجور و هرزگی، کم فروشی، انجام کار حرام و می خوارگی - آن روز گرفته و غمناک است و خیال می کند که آن روزش به هدر رفته.

سلطان خوراک را احتکار می کند.

خمس اهل بیت علیهم السلام به ناحق تقسیم می شود و با آن قمار و می خوارگی می کنند.

با شراب مداوا می کنند و به بیمار توصیه نموده و بدان بهبودی می جویند.

مردم در ترك امر به معروف و نهی از منکر و عدم اعتقاد به آن یکسانند .

اهل نفاق پر قدرت و با سر و صدا ، و اهل حق خاموش باشند.

برای اذان گفتن و نماز [ جماعت خواندن] پول می گیرند، مسجدها پر است از کسانی که ترس و واهمه ای از خدا ندارند، و برای غیبت و خوردن گوشت حق جویان ، در مساجد گرد هم می آیند ، و آنجا شراب مست کننده را وصف می کنند، شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیشنمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و مست را گرامی می دارند و از او می ترسند و بدون بازخواست او را رها نموده و در مستی اش معذور می دارند.

هر که مال یتیمان را بخورد او را به شایستگی می ستایند.

قاضیان بر خلاف دستور خدا قضاوت می کنند، زمامداران از روی طمع خیانتکاران را امین خود می سازند، فرمانروایان میراث را به دست مردمانی بدکار می دهند که نسبت به خدا بی باک هستند تا بدین وسیله سهمی از آن را خود بگیرند و آنها را رها کنند تا هر چه خواهند انجام دهند.

بر فراز منبرها مردم را به پرهیزگاری دستور می دهند ولی خود گوینده به آنچه می گوید عمل نمی کند.



صدقه را به وساطت دیگران پرداخت می کنند، و آن را به خاطر رضای خدا نمی دهند بلکه به درخواست مردم [و اصرار آنها] می پردازند.

تمام هم و غم مردم شکم و فرجشان است، باکی ندارند چه بخورند و چگونه نکاح کنند [و حرام و حلال برایشان یکسان است].

دنیا به آنها روی آورده، و نشانه های حق مندرس و کهنه می گردد.

پس آن زمان بر حذر [و مواظب دین خود] باش، و از خدا درخواست نجات کن، و بدان که خدا بر مردم غضب کرده و اگر به آنها مهلت داده [از این مهلت دادن] مقصودی دارد. (1)

پس مراقب باش و سعی کن خدا تو را [در عقیده، گفتار، رفتار و کردار] برخلاف مردم آن زمان ببیند که اگر عذابی بر آنها نازل شود و تو در میان آنها باشی [و از دنیا بروی] به زودی رحمت خدا شامل حال تو خواهد شد، و اگر [آنها نابود شدند و] تو باقی ماندی، بلا بر آنها نازل شده و تو از رفتار زشت آنها و جرأتی که در برابر خداوند از خود نشان داده اند، دوری نموده باشی.

و بدان که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد و رحمت الهی به آنها نزدیک است. (2)

ص: 73

---

1- . شاید اشاره باشد به آیه شریفه : (سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ \* وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ). الأعراف (7) : 182 - 183 .

2- . کافی 8 : 31 - 36 ، بحار 52 : 255 - 260 .

111 . امیر مؤمنان علیه السلام ضمن خطبه ای فرمود: اگر حجت از میان مردم غائب شود ... علم و دانش و آداب او در دل اهل ایمان ثابت است و آنها به آن عمل می نمایند. (1)

\*

در روایت 8 گذشت که : آنان پیروان پیشوایان دین هستند و به آداب آنها پرورش می یابند و بر روش آنها سیر می کنند .

112 . در روایتی دیگر فرمود: آن زمان باید قبل از نزول بلا وصیت نمود، نماز را اول وقت بجای آورد که شاید در آخر وقت نتواند، شب ها با طهارت (با وضو) به بستر خواب رفت ، بلکه در صورت امکان همیشه با طهارت بود؛ زیرا انسان نمی داند فرستاده پروردگار چه زمانی برای قبض روح او می آید. (2)

113 . آن حضرت می فرماید : آن زمان بر حذر باشید از آنکه خدا [ جان ] شما را در حالت غفلت بگیرد ؛ زیرا آن هنگام مرگ ذریع (سریع یا فراگیر) مردم را می رباید، کسی صبحگاهان در سلامتی کامل به سر می برد و شامگاهان به خاک سپرده می شود یا شب زنده [ و سر حال ] است و صبح مرده! (3)

114 . و فرمود : آن زمان بازگشت شما به توبه باشد ، گناه را کنار بگذارید. (4)

ص: 74

---

1- . کمال الدین 302 ، کافی 1 : 339 ، وسائل 27 : 90 ، بحار 23 : 49 - 50 ، اثبات الهداة 3 : 463 و مراجعه شود به : غیبت شیخ نعمانی 137 ، بحار 23 : 54 ، مستدرک 17 : 286 .

2- . فضائل الأشهر الثلاثة 91 ، بحار 93 : 305 ، مستدرک 1 : 296 ، 299 .

3- . فضائل الأشهر الثلاثة 91 ، بحار 93 : 304 .

4- . کافی 8 : 66 ، ارشاد 1 : 291 ، بحار 31 : 557 و 34 : 156 و 51 : 111 ، 123 و 74 : 348 .

## تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر

115 . امام باقر علیه السلام فرمود: در آخرالزمان مردمانی پیدا می شوند که پیروی می کنند از گروهی ریاکار، نارس (جوان و تازه کار) و نادان که خود را شبیه قاریان و عابدان می نمایند [ و ادای آنها را در آورند].

آنها امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند مگر جایی که از ضرر ایمن باشند، دنبال رخصت و عذر می گردند [ تا به هر بهانه ای تکلیف را از عهده خود ساقط کنند]، از لغزش های علما و کارهای فاسد آنها پیروی

می کنند(1) [ با آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از پیروی لغزش عالم منع فرموده است(2) ]، به نماز و روزه و عباداتی که ضرری به جان و مال آنها ندارد روی می آورند. اگر نماز هم ضرر مالی و بدنی برای آنها داشت آن را رها می کردند، همچنان که امر به معروف و نهی از منکر را - که بالاترین فریضه است - ترك نموده اند.

امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای است بس عظیم که به واسطه آن فرایض و واجبات بپا داشته می شود.

آن هنگام [ که امر به معروف و نهی از منکر ترك شود] غضب خدا بر آنها به حدّ کمال رسد و بر آنها عذابی می فرستد که همه را در بر می گیرد و نیکان در دیار فاجران و خردسالان در بین بزرگسالان هلاک می شوند .

ص: 75

---

1- . در تهذیب به جای فساد عملهم تعبیر (فساد علمهم) آمده است ، و در بیان مراد از آن - بنابر هر وجه - احتمالات متعددی در کلام علامه مجلسی رحمه الله ذکر شده است ، مراجعه شود به : مرآة العقول 18 : 400 ، ملاذ الأخیار 9 : 478 - 477 .

2- . این مطلب در روایتی مستقل آمده، رجوع شود به : خصال شیخ صدوق 165 - 164 ، کنزالفوائد کراچکی 147 ، معدن الجواهر کراچکی 31 ، اختصاص 335 ، بحار 2 : 42 ، 58 ، 69 : 63 و 89 : 108 .

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش انبیا علیهم السلام و طریقه صالحان است.

فریضه عظیمی است که به واسطه آن فرائض بپا داشته شده، جاذبه ها امن، معاملات حلال، مظالم به صاحبانش باز گردانده شده، زمین آباد، حق مظلوم از دشمنش گرفته، عدالت اجرا، و کار درست و مرتب می شود.

پس، از منکرات تنفر قلبی داشته باشید، و با زبان آن را اعلام نموده و در برابر گنهکاران بایستید [و تنفر خویش را اظهار نمایید]، در راه خدا از ملامت هیچ کس نترسید، اگر از کار خلاف خویش دست برداشته و حق را پذیرفتند، دیگر کاری به آنها نداشته باشید، ولی با کسانی که نپذیرند و به مردم ستم کنند و به ناحق ظلم روا دارند، مبارزه کنید و از آنها نفرت داشته باشید - بدون اینکه [بخواهید از امر به معروف و نهی از منکر سوء استفاده کنید و] دنبال ریاست و برتری بر دیگران و یا به دست آوردن مال و ثروت باشید و یا بخواهید با ستم بر دیگران غالب و پیروز شوید - تا اینکه آنها برگردند و به امر خدا گردن نهند و اطاعت او را پذیرا شوند.

حضرت در ادامه فرمود: خدای تعالی به حضرت شعیب علیه السلام وحی نمود که: از قوم تو چهل هزار نفر از اشرار و بدان، و شصت هزار نفر از اخیار و نیکان را عذاب می کنم.

حضرت شعیب علیه السلام پرسید: بار پروردگارا! اشرار آری، ولی نیکان چرا؟ پاسخ آمد: چون با اهل معصیت مدانه (1) [ و نرمخویی] کرده [با آنها کنار

ص: 76

---

1- . بایستی توجه داشت که مدانه مذموم است ولی مدارا ممدوح و مطلوب، و تفاوت آن دو در این است که مدانه کوتاهی در انجام وظایف شرعی - مثل ارشاد جاهل، امر به معروف و نهی از منکر - است، به جهت غرض دنیوی، هوای نفس، راحت طلبی، جلب محبت دیگران و یا ترس از آنها. ولی مدارا به معنای ترك خشونت و سعی در نرم خوئی، خوش رفتاری و خوش زبانی - در تعلیم جاهل یا با کسی که مرتکب خطا و اشتباه یا خلافی شده - است تا گذشته از رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر، دیگران به جهت لجاجت به گناه بیشتری کشیده نشوند.

آمدند] و به خاطر خشم من بر آنها غضب نمودند. (1)

## حکم جهاد در زمان غیبت

در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام درباره جهاد در راه خدا تأکید فراوان شده است، ولی نظرات در اینکه این فریضه - بلکه جنگ مسلحانه و مبارزه با دشمن، چه کفار و مشرکان، و چه حاکمان ستمگر - اختصاص به زمان معصومین علیهم السلام دارد و باید با اذن آنها اقدام شود یا نه، مختلف است.

به روایات مختلف مانند:

\* احادیث مشروط بودن جهاد به امر امام علیه السلام؛ (2)

\* لزوم اقتدا به اهل بیت علیهم السلام - حتی در زمان غیبت - ؛

\* وجوب انتظار؛

\* نهی از استعجال؛

\* وجوب تقیه و استمرار آن تا زمان ظهور؛

و برخی از روایات امر به خانه نشینی؛ بر نظریه اول استناد شده است.

ص: 77

---

1- . کافی 5 : 55 - 56 ؛ تهذیب 6 : 180 - 181 .

2- . مراجعه شود به : وسائل 15 : 45 چاپ آل البيت، 11 : 32 (چاپ اسلامیه)، مستدرک 11 : 32، جامع احادیث الشیعة 16 : 86 (چاپ دوم).

مدلول مطابقی بخشی از احادیث نیز نهی از خروج و قیام قبل از ظهور امام زمان علیه السلام است. (1)

شیخ حرّ عاملی قدس سره در عنوان بابی که به این دسته روایات اختصاص داده، تعبیر به «حکم» فرموده و فتوایی ذکر نکرده، این تعبیر حاکی از تردید در مسأله است مگر آنکه به جهت تقیه از سلاطین آن زمان چنین عبارتی را به کار برده باشد. همین تعبیر در کتاب مستدرک از محدث نوری رحمه الله و «جامع احادیث

الشیعه» که زیر نظر مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله تألیف شده، دیده می شود. (2)

### تقویت باطن

116. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: زمانی بر امت من خواهد آمد که باطن آنها خبیث ولی به طمع دنیا ظاهری نیکو داشته باشند، آنچه نزد خداست (یعنی پاداش الهی و خوشنودی او) مورد توجه آنها نیست، کارهای آنها برای ریا و خودنمایی است و از خدا ترس و واهمه ای ندارند. خدای تعالی عقابی بر همه آنها فرو می فرستد که [با اضطراب تمام] مانند کسی که در حال غرق شدن است [به درگاه خدا تضرع و ناله کرده و] او را می خوانند و دعا می کنند ولی دعای آنها مستجاب نخواهد شد. (3)

ص: 78

1- . مانند روایات شماره : 35 تا 37 ، 62 ، 86 تا 90 ، 167 ، 202 - 203 ، 222 ، 225 تا 227 ، 234 ، 277 .

2- . باب «حکم الخروج بالسيف قبل قيام القائم عليه السلام» وسائل 15 : 50 چاپ آل البيت، 11 : 35 (چاپ اسلامیه)، مستدرک 11 : 34، جامع احادیث الشیعة 13 : 660 چاپ اول، 16 : 107 (چاپ دوم) .

3- . رجوع شود به : کافی 2 : 296 و 8 : 306 ، ثواب الاعمال 253 ، بحار 18 : 146 و 52 : 190 و 69 : 290 ، 298 و 71 : 400 ، وسائل 1 : 65 .

117 . حضرت ثامن الائمه از پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان علیهم السلام روایت می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم قسم یاد نمود که: قائم از فرزندان من - به جهت عهد و پیمانی که من با او دارم - حتما غائب خواهد شد تا جایی که بسیاری از مردم بگویند: خدا نیازی به آل محمد علیهم السلام ندارد [ و اجتماع از رهبری آنها بی نیاز است ]، (1) گروهی دیگر در ولادت او تردید می نمایند .

فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ ، وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيَزِيلَهُ عَنْ مِلَّتِي ، وَ يُخْرِجَهُ مِنْ دِينِي . (2)

یعنی: هر کس آن زمان را درک کرد دینش را محکم نگهدارد و نگذارد که شیطان با شك و تردید بر او غالب شود و او را از دین و شریعت من بیرون برد. (3)

118 . امام صادق علیه السلام فرمود: با یکدیگر پیوند داشته باشید، به همدیگر نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید. سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید زمانی می آید که هیچ کس نمی داند پولش را کجا خرج کند [ و راه صحیح و یا مستحق واقعی را نمی تواند تشخیص دهد]!

ص: 79

1- . این قسمت که : (مردم بگویند : خدا نیازی به آل محمد علیهم السلام ندارد) در روایات دیگر از امیر مؤمنان و امام صادق علیهما السلام نیز نقل شده است . (مراجعه شود به : کمال الدین 302 - 303 ، غیبت شیخ نعمانی 143 ، غیبت شیخ طوسی 341 ، بحار 51 : 112 ، 119 ، 145 و 52 : 101 ، اثبات الهداة 3 : 532) .

2- . کمال الدین : 51 ، بحار 51 : 68 ، اثبات الهداة 3 : 459 .

3- . در روایت دیگری آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مبدا دربارہ حضرت مهدی علیه السلام تردیدی به خود راه دهی که شك در امر خدا کفر است . امام باقر علیه السلام نیز فرموده : شك در قیام امام زمان علیه السلام کفر است . عوالم 26/3 : 19 .

راوی پرسید: این قضیه چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمود: هنگامی که امام شما غائب شود و شما در دوری او به سر خواهید برد تا آنکه مثل خورشید بر شما طلوع نماید. سپس فرمود:

فَإِيَّاكُمْ وَالشَّكَّ وَالْإِزْتِيَابَ ، انْفُوا عَنْ نُفُوسِكُمُ الشُّكُوكَ ، وَ قَدْ حُدِّزْتُمْ فَأَحْذَرُوا .

یعنی: شك و تردید به خود راه ندهید، (در زمان غیبت با یادگرفتن معارف دین از طریق صحیح) شك و شبهه را از خود دور کنید، شما را آگاه کردیم، متوجه باشید و حذر نمایید. (1)

### جلوگیری از قساوت قلب

119 . امام جواد از پدران بزرگوارش از امیرمؤمنان علیهم السلام روایت می فرماید: کسی که در زمان غیبت بر دین خویش ثابت بماند، و به واسطه طولانی شدن زمان غیبت دلش را قساوت نگیرد، در روز قیامت در درجه ای که من قرار دارم همراه من خواهد بود. (2)

120 . امام صادق علیه السلام در همین زمینه آیه: «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (3) را قرائت نمود و فرمود: این آیه مربوط به مردم زمان غیبت، و مقصود از «الأمدة» دوران غیبت است. (4)

ص: 80

1- . غیبت شیخ نعمانی 153 ، بحار 51 : 146 - 147 .

2- . کمال الدین 303 ، اعلام الوری 2 : 229 ، منتخب الأنوار 148 ، بحار 51 : 109 ، اثبات الهداة 3 : 464 .

3- . الحديد 57 ، آیه 16 .

4- . غیبت شیخ نعمانی 31 ، و مراجعه شود به : کمال الدین 668 ، تأویل الآيات 2 : 662 ، بحار 51 : 54 ، اثبات الهداة 3 : 492 ،



121 . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: زمانی بر مردم فرارسد که خود را سر دوراهی می بینند که فخرفروشی را انتخاب کنند یا عجز را [ که دیگران او را ناتوان و بی عرضه بگویند]، هر کس آن زمان را درک نماید عجز را بر فخرفروشی ترجیح دهد. (1)

122 . امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کند که آن حضرت فرمود: زمانی می آید که تنها راه به دست آوردن پادشاهی [ و ریاست]، کشتار و تجرّب

[ و سرکشی] خواهد بود. بی نیازی و ثروت جز با غصب [ و دزدی] و بخل ورزیدن میسر نمی گردد. و جلب محبت مردم فقط با بی دینی و پیروی از هوی و هوس ممکن است .

هر کس در آن زمان - با وجود قدرت بر جلب محبت مردم - بر بغض و کینه آنها صبر کند، و فقر و ناداری را تحمل نماید با آنکه می تواند [ با دزدی یا

بُخل] ثروتمند شود، و ذلت و خواری [ ظاهری دنیا] را به جان خریده و دنبال عزّت و سربلندی [ و ریاست و پادشاهی] نباشد با آنکه امکان رسیدن به آن را دارد، خدای تعالی پاداش پنجاه صدیق - از کسانی که [ در حال حیات من] به من ایمان آوردند و مرا تصدیق نمودند - به او خواهد داد. (2)

ص: 81

---

1- . روضة الواعظین 485.

2- . مراجعه شود به: کافی 2 : 91 ، تحف العقول 60 ، مشکاة الانوار 55 ، 477 ، بحار 18 : 147 و 67 : 183 و 68 : 75 و 74 : 173 ، مستدرک 11 : 260 ، الدر المنثور 1 : 67 کنز العمال 3 : 209 .

123 . مفضّل از امام صادق علیه السلام درباره سوره مبارکه «وَالْعَصْرِ» سؤال کرد، حضرت فرمود: عصر، زمان قیام امام زمان علیه السلام است .

«إِنَّ الْأَنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» یعنی انسان های زیانکار ، دشمنان ما هستند .

«إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا» یعنی اهل ایمان - که استثنا شده اند و زیانکار نخواهند بود - کسانی هستند که به آیات ما ایمان می آورند .

مقصود از عمل صالح در «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» مواسات (مساعدت و همیاری) با برادران دینی است .

«وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ» توصیه کردن یکدیگر به حق یعنی به امامت است .

«وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» توصیه به صبر است بدین معنا که در زمان غیبت یکدیگر را به صبر و بردباری (و تحمل شدید) سفارش نمایند. (1)

124 . قریب به همین مضمون در خطبه غدیر نیز آمده است. (2)

## گلایه نداشتن از خدا

125 . امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: زمانی می آید که مردم از خدا شکایت دارند! راوی پرسید: چگونه؟ حضرت فرمود: [مثلاً] کسی می گوید: به خدا سوگند که مدتی است من هیچ سودی نکرده ام و برای گذران معیشت خویش از سرمایه ام استفاده می کنم. [بایستی به او گفت:] وای بر تو! آیا اصل مال و سرمایه تو از خدا نیست؟! (3)

ص: 82

1- . کمال الدین 656 ، العُدَد القویة 67 ، بحار 24 : 214 و 64 : 59 و 66 : 270 ، اثبات الهداة 3 : 492 .

2- . اقبال الأعمال 2 : 246 - 247 ، بحار 37 : 132 ، مکمال المکارم 2 : 297 .

3- . کافی 5 : 312 ، التهذیب 7 : 227 ، وسائل 17 : 462 .

126 . امیر مؤمنان علیه السلام ضمن روایتی فرمود: آن زمان خود را از مردگان به حساب آورید و زندگی [زودگذر] دنیا شما را فریب ندهد، [ببینید از کدام

گروه هستید]؛ مردم بر دو دسته اند: نیکوکارِ پرهیزگار، و شقی [بدکار]، دو خانه هم بیشتر نیست [دنیا که دار عمل است و آخرت که دار جزاست]، يك نامه عمل هم بیشتر نیست که همه اعمال از ریز و درشت در آن ثبت گردیده است .

بدانید که محبت و دوستی دنیا سبب همه خطاها و سررشته همه گرفتاری ها و باعث جمع شدن فتنه ها و داعی برای ایجاد شك و شبهه است.

وای بر حال کسی که به جمع آوری مال دنیا پردازد و آن را برای کسانی به میراث گذارد که از او سپاسگزاری و قدردانی هم نخواهند کرد، و بر کسی وارد شود که عذر او را نمی پذیرد.

دنیا خانه منافقین است نه متقین! پس بایستی بهره تو از آن به اندازه ای باشد که روی پایت بایستی و خود را از تلف شدن نگهداری، و برای بازگشت خویش زاد و توشه فراهم نمایی. (1)

127 . امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی می آید که چیزی نایاب تر از برادری که مونس انسان باشد و پول حلال نخواهد بود. (2)

ص: 83

---

1- . بحار 75 : 23، و مراجعه شود به : مطالب السؤول 1 : 261 .

2- . مصادقة الاخوان 82، تحف العقول 368، بحار 75 : 251 .

128 . پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : زمانی خواهد آمد که اگر نام کسی را بشنوی بهتر از آن است که او را ببینی، اگر او را ببینی بهتر از آن است که او را آزمایش کنی، اگر آزمایش کنی، اگر آزمایش کنی حالات گوناگون و رفتارهای ناهنجار از او ظاهر می شود.

دین آنها پول، هم و غمّشان پُر کردن شکم، و قبله آنها زندهایشان باشند، برای قرص نانی خم می شوند و تواضع می نمایند، و برای پول به [ خاك و به ] سجده می افتند (کنایه از بی دینی یا آخرین حدّ تواضع)، مردمی مست و سرگردان که نه مسلمان هستند و نه نصرانی (دینی برای آنها باقی نمانده است). (1)

تذکر : در این دو روایت پرهیز از درآمدهای حرام و نایاب بودن افراد قابل اعتماد به صورت واضح و روشن تذکر داده شده است .

### رسیدگی به درماندگان

129 . امام صادق علیه السلام فرمود : زمانی می آید که هر کس درخواست کمک کند، زنده می ماند ؛ و کسی که سکوت کند [ از فقر و گرسنگی ] می میرد.

راوی پرسید: اگر من آن زمان را درك کنم وظیفه ام چیست؟

حضرت فرمود: اگر تمکن مالی داری به آنها [یعنی مستمندان واقعی نه فقط گدایان و سائلین] کمک کن و گر نه با آبروی خویش به فریاد آنها برس. (2)

ص: 84

---

1- . اعلام الدین 291 ، بحار 71 : 166 .

2- . کافی 4 : 46 ، الأصول الستة عشر 126 ، وسائل 9 : 465 ، مستدرک 7 : 244 .

130 . امیر مؤمنان علیه السلام فرمود : زمانی سخت بر مردم پیش می آید که ثروتمند - و بنابر نقلی مؤمن - به شدت دارایی خویش را مواظبت می کند [ و سر کیسه را

محکم نگه می دارد و نیکی و احسان به دیگران را فراموش می کند ] ، در حالی که به چنین کاری مأمور نیست، خدای تعالی فرموده: «وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ» (1) یعنی: از بخشش و احسان نسبت به یکدیگر دریغ نکنید.

آن زمان اشخاص شرور با قوت و قدرت و نیکان خوار و ذلیل می گردند، و دارایی مضطران (2) خریداری می شود، با آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله از این کار منع فرموده است. (3)

### پرهیز از علمای سوء

131 . امام عسکری علیه السلام فرمود : زمانی می آید که مردم چهره هایی شاد و خندان ولی دل هایی ظلمانی و تاریک داشته باشند. سنت نزد آنها بدعت است ولی بدعت را سنت می شمارند! (4) مؤمن نزد آنها حقیر و خوار ولی فاسق محترم و عزیز باشد. امیران آنها نادان و ستمکار هستند، دانشمندان آنها نزد ظالمان رفت و آمد می کنند، ثروتمندان زاد و توشه فقرا را به سرقت می برند، افراد کم سن و سال بر پیران و بزرگان مقدم می شوند. هر جاهل [ و بی سواد

ص: 85

---

1- البقرة 2 : 237 .

2- یعنی کسانی که از روی ناچاری مجبور به فروختن اموال خویش شده اند.

3- نهج البلاغه 4 : 108 ، ورجوع شود به : کافی 5 : 310 عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 50 ، خصائص الائمه عليهم السلام 124 ، وسائل 17 : 448 - 449 بحار 70 : 304 و 71 : 413 ، 418 و 100 : 81 - 82 ، کنز العمال 4 : 168 .

4- یعنی آنچه را پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان سنت تعیین کرده اند، ناروا دانسته و عمل به آن را جایز ندانند ، ولی اموری را که از دین نیست از دین شمرده و انجام آن را لازم دانند.

آرا دانشمند آگاه می پندارند، و هر حيله بازي را فقير و مستمند! فرقی بين اهل اخلاص و اهل شك و شبهه نمی گذارند و گوسفند را از گرگ تمیز نمی دهند. دانشمندان آنها بدترین خلق خدا بر روی زمین هستند چون میل به فلسفه و تصوف دارند. به خدا سوگند آنها اهل عدول و تحرف (بازگشت از دین و انحراف از آن) هستند. در دوستی با دشمنان ما اهل بیت علیهم السلام مبالغه و زیاده روی می کنند و شیعیان و دوستان ما را گمراه می سازند، (1) اگر به پست و مقامی رسند از رشوه گرفتن سیر نمی شوند، و اگر کنار زده شوند ریاکارانه به عبادت خدا مشغول می شوند، آنها قطاع الطریق اهل ایمان هستند که آنها را از راه حق باز می دارند، [آنها] دعوت کنندگان به بی دینی هستند، هر کس آنها را درك کند باید از آنها بر حذر باشد و دین و ایمان خویش را از شر آنها حفظ کند. (2)

### رجوع به راویان حدیث

132. در توقیع شریف از جانب امام زمان علیه السلام آمده است: در حوادث پیش آمده به راویان احادیث رجوع کنید که آنها حجت بر شما هستند. (3)

\* در روایت 8 گذشت که: سخن امامان حق که بر دیگران ناگوار است برای آنها دلنشین باشد و به آنچه مکذبان حق از آن وحشت می کنند و مسرفان ابا دارند، انس و الفت می گیرند، آنان پیروان دانشمندانند.

ص: 86

---

1- . رجوع شود به روایت امام رضا علیه السلام ، صفحه 24 ، پاورقی 1 .

2- . الاثنی عشریة، شیخ حرّ عاملی 33 - 34 به نقل از حدیقه الشیعة 563 چاپ اسلامیة، مستدرک 11 : 380، سفینه البحار 2 : 57 - 58 (صوف).

3- . کمال الدین 484 ، غیبت شیخ طوسی 291 ، احتجاج 2 : 283 ، إعلام الوری 2 : 271 ، کشف الغمة 3 : 339، وسائل 27 : 140 ، بحار 2 : 90 و 53 : 181 و 75 : 380 .

133 . امام صادق علیه السلام فرمود: دانش خویش را بنویس و بین برادران دینی پخش کن، اگر از دنیا رفتی کتاب هایت را برای فرزندان خویش به ارث بگذار که زمانی پر آشوب بر مردم پیش می آید که جز به کتاب هایشان انس نمی گیرند. (1)

### همدلی در وفاداری ، پرداخت حقوق

134 . بنابر نقل شیخ طبرسی رحمه الله در توفیق امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله آمده است: هر کدام از برادران دینی که تقوای الهی پیشه سازد و آنچه از حقوق مستحقین به عهده اوست بپردازد ، از فتنه هایی که بر سرتان سایه افکنده و محنت های تار و ظلمانی گمراه کننده آن در امان باشد. ولی هر کس بخل ورزیده و از پرداخت نعمت هایی که خدای تعالی نزد او به رسم عاریت نهاده به کسانی که وظیفه دارد، دریغ ورزد، چنین کسی زیانکار دنیا و آخرت است.

اگر شیعیان ما - که خدا توفیق اطاعتشان عنایت فرماید - در وفای به عهد و پیمانی که با ما دارند همدل [ و یک صدا ] می شدند، سعادت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد، و زودتر نصیب آنها می شد - دیداری با شناخت کامل و درست نسبت به ما - پس ما را از آنها دور نمی دارد مگر اعمالی که ما را ناخوشایند است و از آنان نمی پسندیم. (2)

ص: 87

---

1- . کافی 1 : 52 ، مشکاة الانوار 249 ، کشف المحجّة 35 ، بحار 2 : 150 ، وسائل 27 : 82 ، مستدرک 17 : 292 .

2- . احتجاج 2 : 325 ، خرائج 2 : 903 ، بحار 53 : 176 - 177 خاتمه مستدرک 3 : 228 .

135 . امام باقر علیه السلام - پس از ذکر ناامیدی مردم از ظهور حضرت و این پندار که آن حضرت از دنیا رفته - فرمود: آن زمان به ظهور آن حضرت امیدوار باشید، و هنگامی که شنیدید ظاهر شده است به سوی او بروید اگر چه به [سختی و مشقت] سینه خیز رفتن بر روی برف باشد. (1)

### فراموش نکردن حضرت

136 . در دعایی که از ناحیه مقدسه وارد شده آمده است:

اللَّهُمَّ وَ لَا تَسَلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَ انْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا، وَ لَا تُسِدْنَا ذِكْرَهُ، وَ انْتِظَارَهُ، وَ الْأَيْمَانَ [بِهِ]، وَ قُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَ الدُّعَاءَ لَهُ، وَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُفَنِّطَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ] وَ قِيَامِهِ، وَ يَكُونَ يَقِينَنَا فِي ذَلِكَ كَيْقِينَنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَ تَنْزِيلِكَ. (2)

یعنی: خدایا با طولانی شدن دوران غیبت و عدم اطلاع ما از امام زمان علیه السلام یقین ما را سلب مفرما و ما را از یاد آن حضرت، انتظارش، اعتقاد و ایمان به او، یقین قوی به ظهور او، دعای برای او، و درود فرستادن بر او غافل مگردان، تا طولانی شدن غیبت باعث ناامیدی ما از قیام او نگردد و یقین ما در این باره مانند یقین به قیام پیامبرت صلی الله علیه و آله و آنچه از جانب تو آورده است، باشد.

ص: 88

- 
- 1- . غیبت شیخ نعمانی 156، کمال الدین 326، اعلام الوری 2 : 232، بحار 51 : 136، اثبات الهداة 3 : 468.
  - 2- . کمال الدین 513، مصباح المتهدجد 415، جمال الأسبوع 316، بحار 53 : 188 و 92 : 328 و 99 : 90.



137 . راوی از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا از امامان معصوم علیهم السلام کسی غائب می شود؟ حضرت فرمود:

نَعَمْ يَغِيْبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ ، وَ لَا يَغِيْبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِيْنَ ذِكْرُهُ ، وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهَا .

یعنی: آری به ظاهر از دیده مردم غائب می شود ولی اهل ایمان او را از یاد نخواهند برد و در دل آنها جای دارد، او دوازدهمین امام از خاندان ما است. (1)

یکی از تکالیف ما در زمان غیبت زنده داشتن یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام است از جمله با: سعی در خدمتگزاری حضرت به هر وسیله ممکن در همه اوقات، سعی در تحصیل محبت بلکه جلب محبت مردم به سوی ایشان، ترویج یاد آن گرامی با ذکر فضائل، خواندن و تبیین آیات و روایاتی که در شأن آن بزرگوار وارد شده، تشکیل مجالس، و شرکت در مجالسی که به نام آن عزیز برپا می شود. قرائت زیارت ها، دعاها و صلوات های مربوط به آن حضرت، صدقه دادن به نیابت ایشان و برای سلامتی وجود نازنین او، هدیه کردن ثواب نماز، قرآن، عبادات، و به جا آوردن حج، عمره، طواف و زیارت معصومین علیهم السلام به نیابت از آن بزرگوار و یا نایب گرفتن از جانب ایشان برای امور یاد شده، اختصاص بخشی از درآمد برای هدیه به ایشان - هر کس به اندازه توانش - و صرف آن در ترویج یاد حضرت، شاد کردن مؤمنین، احسان و احترام به آنها و زیارت آنها به قصد ادخال سرور بر امام زمان علیه السلام، همه از اموری است که باعث زنده ماندن یاد آن عزیز در دل ها می شود. (2)

ص: 89

---

1- . کمال الدین 369 - 368 ، کفایة الأثر 270 ، بحار 51 : 150 ، اثبات الهداة 3 : 524 .

2- . رجوع شود به مکیال المکارم ، جلد دوم ، باب هشتم .

به همان اندازه ای که مؤمن برای امام زمان علیه السلام ارزش قائل شود و به آن وجود مقدس توجه داشته باشد، همان قدر نزد ایشان ارزشمند خواهد بود و توجه آن بزرگوار را به خود معطوف داشته است.

کسی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: فدایت گردم، دوست دارم بدانم حال من نزد شما چگونه است [و چه جایگاهی نزد شما دارم]؟! حضرت فرمود: بین من نزد تو چگونه ام [و چه ارزشی برای من قائل هستی]! (1)

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: سرورم! چرا از سلمان خیلی یاد می کنی؟ فرمود: سه علت دارد،

اول: او خواسته امیر مؤمنان علیه السلام را بر خواسته خودش مقدم می داشت. دوم: به فقرا محبت می کرد... سوم: علم و علما را دوست می داشت. (2)

سید ابن طاووس رحمه الله - ضمن توصیه هایی که درباره امام زمان علیه السلام به فرزندش نموده است - می فرماید: در موالات، وفاداری و توجه به آن حضرت به قدری که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام و خود آن گرامی از تو می خواهند، بایستی کوشش کنی. هنگامی که نماز حاجت می خوانی اول حوائج آن بزرگوار را ذکر کن، هنگام صدقه دادن اول از جانب آن عزیز صدقه بده سپس برای خود و عزیزانت، هنگامی که دعا می کنی [و نیازهایت را به درگاه خداوند عرضه می داری] اول برای ایشان دعا کن، و در هر کار نیکی که می توانی

ص: 90

---

1- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 54 ، امالی شیخ صدوق قدس سره : 311 - 312 ، روضة الواعظین : 382 ، وسائل 15 : 274 ، مشكاة الأنوار : 400 ، بحار 67 : 54 و 68 : 135 و 72 : 118 .

2- . امالی شیخ طوسی 133 ؛ بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم 411 ؛ كشف الغمة 2 : 15 ، بحار 22 : 327 ؛ مکالم المکارم 2 : 313 .

حضرت را مقدم بدار تا نسبت به آن گرامی وفادار باشی. این کار تو باعث می شود که توجه آن جناب را به خویش جلب نموده و مشمول احسان آن بزرگوار گردی. (1)

## غم فراق

138. امام صادق علیه السلام مانند زن جوان مرده می گریست و خطاب به حضرت مهدی علیه السلام می فرمود: سرورم! غیبت تو خواب را از سرم ربوده، جایگاهم را بر من تنگ کرده، آسایش مرا سلب نموده.

سرورم! غیبت تو مصائب مرا به فاجعه های ابدی پیوند زده است. (2)

139. امام رضا علیه السلام فرمود: از غم دوری او اهل زمین و آسمان غمناک و اندوهناک باشند - یا فرمود: بر او می گریند - چه بسیارند مردان و زنان با ایمان اسفناک سرگردان که از دوری او محزون هستند. (3)

140. در نامه امام عسکری علیه السلام به ابن بابویه آمده است: باید صبر کنی و منتظر فرج باشی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بهترین اعمال امت من انتظار فرج است.

وَلَا تَزَالُ شَيْعَتُنَا فِي حُزْنٍ حَتَّى يَظْهَرَ وَلَدِي .

ص: 91

---

1- . كشف المحجة 151 - 152 ؛ مكیال المكارم 2 : 205 .

2- . كمال الدين 353 ، غیبت شیخ طوسی 168 ، بحار 51 : 219 .

3- . روایات متعدد با مضامین نزدیک به هم در این زمینه نقل شده است ، مراجعه شود به : كمال الدين 371 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 10 ، الامامة والتبصرة 114 ، غیبت شیخ نعمانی 180 ، 186 ، غیبت شیخ طوسی 439 ، دلائل الإمامة 460 ، خرائج 3 : 1168 ، مختصر بصائر الدرجات 214 چاپ دیگر : 38 ، بحار 51 : 152 و 52 : 289 .

یعنی: همیشه شیعیان ما محزون و اندوهناک خواهند بود تا اینکه فرزندانم ظاهر شود، همان که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بشارت به [ ظهور و فرج] او داده و فرموده: او زمین را پر از عدل و داد می نماید همچنان که پر از جور و ستم شده باشد. (1)

\* در روایت 72 گذشت که: در زمان غیبت، چشم اهل ایمان بر آن حضرت گریان و اشکبار است.

## شوق دیدار

141. راوی گوید: به سفیر دوم امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغری گفتم:

شوق دیدار مولایم را دارم. پاسخ داد: خدا اشتیاق تو را پاداش دهد، و با عافیت و آسایش توفیق دیدار به تو عنایت فرماید. چنین خواهشی ممکن که دوران غیبت مشتاق اوست. حکم قطعی الهی بر آن قرار گرفته که او از دیده ها پنهان باشد، پس تسلیم باش، و با [قرائت] زیارت به آن حضرت توجه نما. (2)

142. در توقیع شریف از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام آمده است: هرگاه خواستید به واسطه ما به سوی خدا توجه کرده و به سوی ما روی کنید، بگوئید - همچنان که خدای تعالی فرموده - : «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس»... تا آخر زیارت. (3)

و در دعای ندبه گوئیم: هل إلیک یابن أحمد سبیل فتلقى؟ ... متی ترانا ونراک؟ ...

ص: 92

1- . رجوع شود به: مناقب 4: 425 - 426، بحار 50: 317 - 318، اثبات الهداة 3: 575، خاتمه مستدرک 3: 277 - 278، مجالس المؤمنین 2: 453، ریاض العلماء 4: 7 با قدری اختلاف.

2- . مزار ابن مشهدی رحمه الله 585، بحار 53: 174 و 99: 97، مستدرک 10: 365.

3- . احتجاج 2: 316، مزار ابن مشهدی رحمه الله 567 - 568، بحار 53: 171 و 91: 2 - 3 و 99: 81، 96، 121، مستدرک 10: 365، آیه شریفه: الصافات 37: 130. برای قرائت زیارت به «مفاتیح» رجوع فرماید.

حکمت غیبت (1)

143 . در توقیعی از جانب امام زمان علیه السلام آمده است : در مورد علت غیبت [ که پرسیده ای ] خدای عزوجل می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِن

تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ »، (2) ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی سؤال نکنید که اگر پاسخ آن برای شما روشن شود، ناراحت می شوید.

سپس حضرت به یکی از جهات غیبت اشاره فرمود که: هر يك از پدرانم [ به جهت تقیه ] با طاغوت زمان بیعت کرده بود، ولی هنگامی که من قیام کنم بیعت هیچ طاغوتی را نپذیرفته ام ... شما از پرسیدن مطالبی که به دردتان نمی خورد [ و در اعتقاد و عمل ، دانستن آن ضرورتی ندارد ] خودداری کنید و برای دانستن مطالبی که بر شما لازم نیست خود را به زحمت نیندازید. (3)

در پاسخ به این سؤال که چرا امام زمان علیه السلام در این مدت طولانی - با وجود نیاز شدید به آن حضرت - از دیده مردم پنهان هستند؟ می توان گفت : چنانکه در روایت قبل گذشت علت اصلی آن برای ما معلوم نیست و وظیفه ما در این زمینه سکوت است . ما نمی توانیم به گنه علت غیبت پی ببریم هر چند می دانیم که کارهای خداوند مطابق حکمت است و جز آنچه صلاح و شایسته مردم است ، نخواهد بود. (4)

ص: 93

1- . برخی از مطالب این عنوان از وظایف زمان غیبت نیست ، ولی برای تکمیل بحث ، و ارتباط مستقیم بعضی از حکمت ها با اعمال و رفتار مردم مناسب دیده شد که مطلب نسبتاً مفصل بیان شود.

2- . المائدة 5 : 101 .

3- . کمال الدین 485 ، غیبت شیخ طوسی 292 ، خرائج 3 : 1115 ، احتجاج 2 : 284 ، اعلام الوری 2 : 272 ، بحار 52 : 92 و 53 : 181 .

4- . خصال 400 ، علل الشرائع 1 : 16 ، بحار 12 : 349 و 44 : 276 و 58 : 134 ، عوالم 17 : 520 .

البته نزد ما مسلم است که جبرئیل از سوی خدا برای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستورالعملی آورده تا امامان علیهم السلام طبق آن عمل کنند، (1) از این رو اگر زوایایی از سیره عملی آن بزرگواران برای ما روشن نباشد، باز آن را از جانب پروردگار می دانیم. گرچه با دقت و ظریف بینی در شواهد، معلوم خواهد شد که رفتار آنان برخاسته از مصلحت هایی بوده که کم و بیش می توان بدان پی برد.

144. امام صادق علیه السلام فرمود: از جانب خدا اجازه نیست که راز غیبت را برای شما بیان کنیم.

سپس حضرت - با اشاره به اینکه حکمت غیبت حضرت مهدی علیه السلام همان امری است که باعث غیبت حجت های پروردگار [در امت های گذشته] شده - فرمود: پس از ظهور آن گرامی مطلب برای مردم روشن و واضح می شود، همچنان که حضرت خضر علیه السلام اجازه نداشت حکمت کارهای شگفت خویش را - از سوراخ کردن کشتی، کشتن نوجوان و ترمیم دیوار فرسوده - بیان کند مگر هنگام جدا شدن از حضرت موسی علیه السلام.

این امری است از جانب خدا، سرتی از اسرار او، و امری غیبی از امور پنهان پروردگار. هرگاه بدانیم که خدا حکیم است، تصدیق خواهیم کرد که همه کارهای او از روی حکمت است هر چند وجه آن برای ما معلوم نباشد. (2)

ص: 94

---

1- . مراجعه شود به: کافی 1 : 279 ، الامامة و التبصرة 38 - 39 ، غیبت شیخ نعمانی 34 - 38 باب سوم ، تقریب المعارف 421 - 422 ، بحار 36 : 209 و 48 : 27 . در روایت 117 گذشت که : پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قسم یاد نمود که: قائم از فرزندان من به جهت عهد و پیمانی که من با او دارم حتما غائب خواهد شد .

2- . علل الشرائع 1 : 245 - 246 ، کمال الدین 482 ، احتجاج 2 : 140 ، خرائج 2 : 956 - 957 ، منتخب الأنوار المضيئة 154 ، بحار 52 : 91 ، اثبات الهداة 3 : 488.

آنچه قابل گفتن بوده - که گوشه هایی از حکمت غیبت باشد، نه علت تامه آن - مطالب ذیل است که از پیشوایان معصوم علیهم السلام به ما رسیده و بعضی ارتباط مستقیم با وظایف زمان غیبت هم دارد :

1) حکمت غیبت امام زمان علیه السلام همان حکمتی است که در غائب شدن حجج و پیامبران گذشته علیهم السلام وجود داشته، (1) و سنت الهی بر آن است که آنچه در امت های گذشته اتفاق افتاده، در این امت نیز واقع شود. (2)

\* در روایت اخیر گذشت که : حکمت غیبت حضرت همان امری است که باعث غیبت حجت های پروردگار [ در امت های گذشته ] شده است .

145 . امام صادق علیه السلام فرمود: قائم ما غیبتی دارد طولانی! سدید پرسید: چرا؟ حضرت پاسخ داد: خدای عزوجل می خواهد سنت غیبت پیامبران علیهم السلام را در مورد او جاری سازد. خدای عزوجل می فرماید: «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ» یعنی: سنت ها و روش هایی مطابق سنت های کسانی که قبل از شما بوده اند. (3)

ص: 95

- 
- 1- . اثبات الهداة 3 : 487 - 488 .
  - 2- . اثبات الهداة 3 : 487 . شیعه و سنی اتفاق دارند که هر چه در اُمت های گذشته روی داده است ، در امت اسلام نیز رخ خواهد داد . «كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلَهُ حَذُو النُّعْلِ بِالنُّعْلِ ، وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ » رجوع شود به : مسند أحمد 2 : 327 ، 450 ، 511 ، 527 ، و 3 : 84 ، 89 ، 94 و 4 : 125 ، صحیح بخاری 4 : 144 و 8 : 151 ، صحیح مسلم 8 : 57 ، مستدرک حاکم 1 : 37 ، 129 ، النهاية ابن اثیر 1 : 357 ، کنز العمال 1 : 211 و 11 : 230 ، 253 ، شرح ابن ابی الحدید 9 : 286 . در برخی از منابع حکم به صحّت یا تواتر آن نیز شده است ، مانند : إعلام الوری 2 : 309 ، کشف الغمة 3 : 355 ، مختصر بصائر الدرجات 205 ، تأویل الآيات 1 : 409 ، الصوارم المهرقة 67 ، 195 .
  - 3- . علل الشرائع 1 : 245 ، کمال الدین 480 - 481 ، خرائج 2 : 955 ، بحار 51 : 142 - 143 و 52 : 90 ، اثبات الهداة 3 : 487 و آیه شریفه در سوره الانشقاق 84 : 19 .

146 . امام عسکری علیه السلام فرمود : فرزندم پس از من به امر امامت قیام می نماید، او کسی است که سنت های پیامبران علیهم السلام درباره اش جاری می شود به عمری طولانی و غائب شدن تا آنکه به جهت طولانی شدن دوران غیبت دل ها گرفتار قساوت شود . پس بر اعتقاد به امامت او ثابت نمی ماند مگر کسی که خدا ایمان را در قلبش ثبت کرده و او را با روح خویش (1) یاری نماید . (2)

(2) اعمال و رفتار مردم در حضور حجت خداوند در بین آنها و یا محروم شدن از آن بی تأثیر نیست ؛ و در حقیقت بایستی اعتراف کنیم که ما - به سبب کردار ناشایسته - لیاقت دیدار آن عزیز را نداریم .

147 . امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: زمین خالی از حجت نخواهد ماند ولی ظلم و ستم و زیاده روی مردم در [ گناه و ] ستم بر خویش باعث می شود که خدای تعالی حجت خویش را از دیده آنها پنهان نماید. (3)

148 . امام جواد علیه السلام فرمود: هنگامی که خدا مجاورت قومی را برای ما نپسندد ، ما را از آنها جدا نماید . (4)

149 . در توقیع آن حضرت آمده است : هنگامی که خدا بر مردم غضب کند، ما را از آنها دور می نماید. (5)

ص: 96

---

1- . معنای روح در پاورقی صفحه : 17 گذشت .

2- . کمال الدین 524 ، خرائج 2 : 964 ، بحار 51 : 224 ، اثبات الهداة 3 : 488 .

3- . غیبت شیخ نعمانی 144 ، 148 ، بحار 51 : 113 ، اثبات الهداة 3 : 532 .

4- . علل الشرائع 1 : 244 ، بحار 52 : 90 ، اثبات الهداة 3 : 447 .

5- . کافی 1 : 343 ، اثبات الهداة 3 : 447 .



\* در توقیع شریف - روایت 134 - از امام زمان علیه السلام گذشت که : ما را از آنها دور نمی دارد مگر اعمالی که ما را ناخوشایند است و از آنان نمی پسندیم .

محقق طوسی رحمه الله اشاره به همین مطلب دارد که فرموده : **وَعَدَمُهُ - أَيَّ غَيْبَتِهِ - مِنَّا (1)** . یعنی : سبب نبودن امام علیه السلام در بین ما ، خود ما هستیم .

ممکن است این حکمت با مطلب بعدی نیز ارتباط داشته باشد.

3) هیچ کدام از معصومین علیهم السلام به مرگ طبیعی از دنیا نرفته اند، همه آنها به دست ظالمین کشته شده و یا به زهر جفا به شهادت رسیده اند. بدون شك اگر امام زمان علیه السلام - با قطع نظر از اعجاز - به صورت عادی در اجتماع حاضر می شد، آن حضرت را نیز شهید می کردند، لذا خدای تعالی به جهت محفوظ ماندن آن حضرت از شر دشمن، برای آن بزرگوار غیبت را مقرر فرموده است. و این مطلب اختصاص به زمان بنی عباس ندارد بلکه در این زمان نیز جاری است !

150 . ابو خالد کابلی می گوید: از امام باقر علیه السلام نام قائم را پرسیدم تا او را به نام بشناسم. حضرت فرمود : از من در مورد کسی سؤال کردی که اگر [ عده ای از ] بنی فاطمه او را بشناسند حریص هستند که او را تکه تکه کنند! (2)

لذا در روایات متعدد آمده است که راویان از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم یا اهل بیت علیهم السلام می پرسیدند چرا آن حضرت غائب می شود؟ و پاسخ می شنیدند:

ص: 97

---

1- . تجرید الاعتقاد و شروح آن ، مقصد خامس ، مسأله اول .

2- . غیبت شیخ نعمانی 300 ، غیبت شیخ طوسی 333 بحار 51 : 31 و 52 : 98 اثبات الهداة 3 : 510 .

151. «يَخَافُ الْقَتْلَ» و «يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ» (1) یعنی : می ترسد کشته شود ، او بر جان خویش بیمناک است و یا عباراتی مانند آن . (2)

152 . امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت صاحب الامر را غیبتی است که درباره آن غیبت، کلام حضرت موسی علیه السلام را می فرماید که : من از ترس شما گریختم! (3)

153 . امام کاظم علیه السلام فرمود: طولانی شدن غیبت آن حضرت به این علت است که خوف کشته شدن آن حضرت وجود دارد. (4)

4 ) امامان معصوم از امیر مؤمنان تا امام عسکری علیهم السلام - به جز حضرت

سیدالشهدا علیه السلام - همه مجبور بوده اند که با طاغوت زمان خویش بیعت کنند، و گذشته از دستور خاص خداوند برای هر کدام که پیش از این گذشت ، وظیفه ظاهری آنها هم به لحاظ تقیه همین بوده است . گرچه این بیعت به اکراه و اجبار واقع شده ولی آنها حاضر به نقض آن نبوده و چنین تکلیفی نداشته اند.

امام زمان علیه السلام غائب شده تا مجبور نشود با کسی بیعت کند، و هنگام قیام بیعت هیچ کس بر ذمه اش نیست، چنانکه در برخی از احادیث آمده است :

ص: 98

1- . علل الشرائع 1 : 243 ، کمال الدین 481 ، بحار 52 : 90 ، 97 - 98 .

2- . مراجعه شود به : علل الشرائع 1 : 246 ، کافی 1 : 338 ، 340 ، غیبت شیخ نعمانی 182 - 183 ، دلائل الإمامة 535 ، کنز الفوائد 175 ، خرائج 2 : 955 - 956 ، بحار 52 : 91 . اثبات الهداة 3 : 443 ، 444 ، 472 ، 477 ، 487 ، 498 ، 535 ، 562 ، 571 ، 583 .

3- . آیه شریفه : (فَفَرَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ) . (الشعراء : 21) ، رجوع شود به : عوالم 26/3 : 184 - 185 . در روایات دیگر نیز آمده : سنتی که از حضرت موسی علیه السلام در حضرت مهدی علیه السلام وجود دارد خوف است و گاهی اشاره شده به آیه شریفه : (خَائِفًا يَتَرَقَّبُ) . (القصص : 18) . (مکیال المکارم 1/83 - 85) .

4- . کمال الدین 361 ، کفاية الأثر 269 ، إعلام الوری 2 : 240 ، كشف الغمة 3 : 330 ، بحار 51 : 151 .

\* در توقیع شریف - روایت 143 - خود حضرت فرمود : هنگامی که من خروج کنم بیعت هیچ يك از طاغوت ها بر عهده من نیست .

(5) از روایات استفاده می شود که امامان معصوم علیهم السلام - در جنگ هایی که در زمان خودشان واقع شده - کافران و مشرکان و افرادی را که می دانستند در نسل آنها مؤمنی وجود دارد، نمی کشتند؛ (2) یکی از جهات غیبت ، آن است که مؤمنانی که در اصلااب کفار و مشرکان قرار دارند، به دنیا بیایند و پس از آن وعده الهی - به پاک شدن زمین از لوث همه پلیدان - محقق شود. (3)

155 . کسی از امام صادق علیه السلام پرسید : چرا امیرمؤمنان علیه السلام - با وجود قوت بازو و اهتمام به دستورات الهی - از خود دفاع نکرد و از سازش با مخالفان امتناع نورزید؟ حضرت در پاسخ این آیه شریفه را قرائت فرمود : «لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» ، و فرمود : خدا برخی از اهل ایمان را در صلب کافرین و منافقین ودیعه نهاده بود . ولی پس از ولادت آنها حضرت بر هر کدام از آن پدران دست یافت او را به قتل رسانید .

ص: 99

1- . کمال الدین 316 ، کفاية الأثر 225 ، احتجاج 2 : 10 ، اعلام الوری 2 : 229 - 230 ، كشف الغمة 3 : 329 ، بحار 44 : 19 و 51 : 132 و 52 : 279 ، اثبات الهداة 3 : 465 ، در این زمینه روایات دیگر نیز وجود دارد ، رجوع شود به : کمال الدین 479 - 480 ، خرائج 2 : 956 ، بحار 52 : 95 - 96 ، اثبات الهداة 3 : 456 ، 464 ، 466 ، 486 .

2- . رجوع شود به : بحار 29 : 463 ، اسرار الشهادات 406 ، 411 سنگی 2 : 627 - 626 و 3 : 15 (حروفی) به نقل از المجلی ، معالی السبطين 2 : 29 به نقل از الکبريت الاحمر .

3- . اثبات الهداة 3 : 489 ، 552 و مراجعه شود به تفسیر آیه شریفه (لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) . الفتح (48) : 25 ، تفسیر نورالثقلین 5 : 70 - 71 .

همچنین قائم ما اهل بیت ظاهر نمی شود تا آنکه ودایع الهی خارج شود. پس از آن ظهور می نماید و بر هر کدام از دشمنان خدا که دست یابد او را به قتل می رساند. (1)

156 . نظیر این مطلب در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است. (2)

6) خدای تعالی مردم را به راه های مختلفی امتحان می کند تا برای خود مردم معلوم شود چه کسی فرمان بردار و مطیع خدا و چه کسی ایمانش زبانی است و به مجرد آزمایش، دین و ایمان خویش را بر باد می دهد. یکی از حکمت های غیبت این است که مردم غربال شوند و مرغوب از معیوب تشخیص داده شود. (3)

157 . امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی فرمود : خدای عزوجل دوست داشت که شیعیان را امتحان کند ، در آن آزمون مبطلان به تردید می افتند [ و از ایمان

خویش دست بر می دارند]. (4)

158 . در روایتی دیگر فرمود : به خدا سوگند چیزی که بدان چشم دوخته اید نخواهد بود مگر پس از غربال شدن شما .

به خدا سوگند چیزی که بدان چشم دوخته اید نخواهد بود مگر پس از آزمایش شما .

ص : 100

---

1- . تفسیر قمی 2 : 316 - 317 ، کمال الدین 642 ، بحار 29 : 428 .

2- . کمال الدین 641 ، علل الشرائع 1 : 147 ، بحار 52 : 97 ، اثبات الهداة 3 : 489، 552 .

3- . اثبات الهداة 3 : 442 ، 472 ، 510 ، 532 ، 719 .

4- . کافی 1 : 337 ، کمال الدین 342 ، غیبت شیخ نعمانی 170 ، غیبت شیخ طوسی 334 ، إعلام الوری 2 : 237 ، تقریب المعارف 429 ، اثبات الهداة 3 : 472 . معنای مبطلان صفحه : 18 گذشت .

به خدا سوگند چیزی که بدان چشم دوخته اید نخواهد بود مگر پس از تمییز شما [ وجدان شدن خوب و بدتان ] .

به خدا سوگند چیزی که بدان چشم دوخته اید نخواهد بود مگر پس از مایوس شدن مردم از فرج .

به خدا سوگند چیزی که بدان چشم دوخته اید نخواهد بود تا آنکه شقی گردد هر کس که شقی شود و خوشبخت گردد هر کس که خوشبخت شود. (1)

159 . امام کاظم علیه السلام فرمود : حتما صاحب امر فرج غائب می شود تا [ برخی از ] کسانی که قائل به امامت او هستند منحرف شوند ، این غیبت محنتی است الهی برای امتحان خلق. (2)

160 . امام صادق به نقل از پدرانش از امیرمؤمنان علیهم السلام روایت فرمود که : به خدا سوگند من و دو فرزندم کشته می شویم ، خداوند مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان بر می انگیزد تا انتقام خون ما را بگیرد . قطعا او غائب خواهد شد تا گمراهان [ از مؤمنان ] جدا شوند ، [ آن قدر غیبت طول می کشد ] تا آنکه بعضی [ از نادانان ] می گویند : خدا نیازی به آل محمد ندارد! (3)

ص: 101

---

1- . رجوع شود به : کافی 1 : 370 - 371 ، الإمامة والتبصرة 130 ، کمال الدین 346 ، غیبت شیخ نعمانی 217 ، غیبت شیخ طوسی 336 ، منتخب الانوار المضيئة 150 ، بحار 5 : 220 و 52 : 112 ، اثبات الهداة 3 : 510 .

2- . رجوع شود به : مسائل علی بن جعفر قدس سره 325 ، کافی 1 : 336 ، الإمامة والتبصرة 113 ، کمال الدین 359 - 360 ، علل الشرائع 1 : 244 ، کفاية الأثر 268 - 269 ، غیبت شیخ نعمانی 156 ، غیبت شیخ طوسی 166 ، 337 ، إعلام الوری 2 : 239 ، دلائل الإمامة 534 ، الملا-حم والفتن سید ابن طاووس رحمه الله 354 ، الصراط المستقیم 2 : 229 ، بحار 51 : 150 و 52 : 113 ، اثبات الهداة 3 : 442 ، 476 .

3- . غیبت شیخ نعمانی 143 ، بحار 51 : 112 ، اثبات الهداة 3 : 532 ، و مراجعه شود به روایت 117 .

\* در روایت 266 خواهد آمد که : این امر (فرج) پس از غیبتی طولانی واقع شود تا معلوم شود چه کسانی در زمان غیبت [ و در باطن ] از خدا فرمان برداری می کنند و [ واقعا ] به او ایمان دارند .

7) اگر قبل از امتحان، فرج محقق شود عده ای طغیانگر به هوای ریاست با مؤمنان نزاع می کنند لذا مصلحت اقتضا کرده که امر فرج به تأخیر افتد .

161 . در روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام آمده است : در زمان حضرت نوح علیه السلام به واسطه طولانی شدن زمان وعده ای که به آنها داده شده بود، بسیاری از آنها از دین برگشتند و سرانجام بیش از هفتاد و اندی با آن حضرت باقی نماندند. خدای تعالی به آن حضرت وحی فرمود : اگر من زودتر به وعده خود وفا کرده و حکومت را به صالحان می دادم، این جمع کثیر که مرتد شده و در امتحان موفق نشدند ، به طمع خلافت با مؤمنان خالص - که از امتحان سرفراز بیرون آمدند - نزاع و دشمنی می کردند و به هوای رسیدن به پادشاهی و ریاست با آنها مبارزه می کردند و در نتیجه وعده من عملی نمی شد.

امام صادق علیه السلام فرمود : همین حکمت در غیبت امام زمان علیه السلام جاری است. (1)

\* در روایت 74 گذشت که : خوب و بد شما از یکدیگر جدا می شوید تا آنکه باقی نمی ماند مگر گروهی که فتنه ها هیچ ضرری به آنها نمی رساند .

\* به یاری خدا صفحه 164 وجه دیگری در حکمت غیبت خواهد آمد .

ص: 102

---

1- . مراجعه شود به : کمال الدین 355 - 356، غیبت شیخ طوسی 171 - 172، منتخب الانوار المصنیه 320 - 322 ، بحار 51 : 220 - 222 ، حیاة القلوب 1 : 261 - 263 با تلخیص .

گرچه شناخت امام معصوم علیه السلام در هر زمان لازم است، ولی رمز تأکید بر شناخت در ضمن تکالیف زمان غیبت آن است که نجات انسان به شناخت امام و امامت او بستگی دارد، خواه ظهور دولت حقه را درک کند یا نه.

162. امام صادق علیه السلام فرمود: علامت [امام خویش] را بشناس، اگر او را شناختی تقدیم و تأخیر فرج ضرری به تو نمی رساند، خداوند [درباره قیامت] فرموده: روزی که هر گروه از مردم را با امام و پیشوایشان بخوانیم. هر کس امامش را بشناسد [نزد خدا] مانند کسی است که در خیمه خود حضرت مهدی علیه السلام به خدمت آن حضرت اشتغال دارد. (1)

163. آن حضرت فرمود:

اعْرِفْ إِمَامَكَ؛ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرَ (2)

یعنی: امام خویش را بشناس، اگر به او معرفت داشته باشی تقدیم و تأخیر فرج ضرری به تو نمی رساند.

ص: 103

1- . کافی 1 : 371 - 372، غیبت شیخ نعمانی 352، بحار 52 : 142 .

2- . کافی 1 : 371، غیبت شیخ نعمانی 350، بحار 52 : 141 .

164 . ابوبصیر از آن حضرت پرسید : فدایت گردم ، فرج چه زمانی واقع خواهد شد ؟ حضرت فرمود : تو دنیا طلب هستی ! کسی که معرفت به امر امامت ما داشته باشد ، انتظار او فرج اوست . (1)

165 . امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس بمیرد و [به] امام [ از جانب خدا اعتقاد] نداشته باشد ، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است . هر کس با معرفت امام زمان خویش بمیرد ، تقدیم و تأخیر فرج ضرری به او نمی رساند . و کسی که با معرفت به امام خویش از دنیا برود [ در مقام، منزلت ، اجر و پاداش] مانند کسی است که همراه با حضرت قائم علیه السلام و در خیمه اش باشد . (2)

### روشن تر از آفتاب

از روایات متعدد استفاده می شود که حقانیت حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور چنان روشن و واضح است که هیچ شبهه ای برای کسی باقی نمی ماند.

166 . امام صادق علیه السلام در این زمینه آیه شریفه: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (3) را قرائت فرمود. (4)

ص: 104

1- . کافی 1 : 371 ، غیبت شیخ نعمانی 351 ، بحار 52 : 142 . در روایتی آمده است : ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا من حضرت قائم علیه السلام را درك می کنم ؟ حضرت فرمود: مگر امامت را نمی شناسی ؟ عرض کرد : آری ، شما امام من هستی . حضرت فرمود : پس دیگر باکی نداشته باش که شمشیر به دست در کنار حضرت قائم علیه السلام نباشی . عوالم 26/3 : 56 .

2- . کافی 1 : 372 ، غیبت شیخ نعمانی 352 ، بحار 52 : 142 .

3- . فصلت 41 : 53 .

4- . کافی 8 : 381 ، بحار 51 : 62 - 63 ، و مراجعه شود به : کافی 8 : 166 ، غیبت شیخ نعمانی 277 ، بحار 24 : 164 و 52 : 241 ، 303 اثبات الهداة 3 : 450 ، 565 .



167 . امام باقر علیه السلام فرمود: تا زمین و آسمان آرام است، آرام گیرید و علیه کسی قیام نکنید، امر ظهور و فرج مخفی نیست بلکه از آیات الهی است نه اینکه امری [عادی و] از جانب مردم باشد. از خورشید درخشان تر و روشن تر است و بر خوب و بد مخفی نخواهد ماند، آیا صبح [روشن] را تشخیص می دهید؟ این امر مثل صبح روشنی است که بر کسی پوشیده نخواهد ماند. (1)

\* در روایت 42 گذشت که : هنگامی که امر ما ظاهر شود از صبح روشن تر و واضح تر خواهد بود .

\* در روایت 72 گذشت که : وقتی حضرت از گروه های مختلف که با پرچم های گوناگون قبل از ظهور امام زمان علیه السلام قیام می کنند و امر را بر مردم مشتبه می سازند خبر داد، راوی به گریه افتاد، حضرت فرمود: به خدا سوگند امر [قیام و ظهور] ما از آفتاب روشن تر است.

\* در روایت 225 خواهد آمد که : تا آسمان آرام است و از آن ندایی نیاید شما آرام گیرید .

یعنی ندای آسمانی علامتی واضح و روشن است که به تنهایی برای شناخت امام زمان علیه السلام کافی است .

\* در روایت 227 خواهد آمد که : ندای آسمانی که نام او و پدر و مادرش را ذکر می کند برای احدی ابهامی باقی نخواهد گذاشت . (2)

ص: 105

---

1- . غیبت شیخ نعمانی قدس سره 207 ، بحار 52 : 139 - 140 .

2- . توضیح بیشتر مطلب تحت عنوان «فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم» خواهد آمد .

یکی از راه های شناخت «حجت خدا» نصّ است. مراد از نصّ این است که پیامبر یا امامی که قبلاً برای مردم حقانیت او معلوم شده است صریحاً پیامبر و یا امام پس از خود را به مردم معرفی کند، مانند معرفی امیرمؤمنان علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، و یا بشارت پیامبران گذشته - مانند حضرت موسی و عیسی علیهما السلام - به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم.

درباره حضرت مهدی علیه السلام روایات بی شماری از بقیه معصومین علیهم السلام به ما رسیده که بالغ بر صدها روایت است، و در بسیاری از آنها امامت آن حضرت به صراحت بیان شده و در برخی دیگر مطالبی آمده است که به گونه ای بر آن دلالت دارد. (1)

نویسندگان از راویان حدیث - قبل از اینکه آن حضرت به دنیا آید! - درباره حضرت و غیبتش حدود 30 کتاب - تا آنجا که ما اطلاع داریم - تألیف کرده اند. (2)

ص: 106

---

1- . مراجعه شود به : معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام که بیش از 1900 روایت در این زمینه جمع آوری نموده اند . ناگفته نماند که در پاره ای از روایات از همه دوازده امام علیهم السلام یاد شده که نصّ بر امامت آنها محسوب می شود، نویسندگان و مؤلفان شیعه به جمع آوری و تدوین آن آثار پرداخته اند ، آخرین تألیف در این زمینه کتاب شریف «جامع الاثر» از سید حسن آل طه مشتمل بر 645 حدیث است.

2- . در انتظار ققنوس 17 - 19 .

معجزه و علم نیز از راه های شناخت پیامبران و جانشینان آنهاست.

168 . حضرت ثامن الحجج علیه السلام در ضمن خصوصیات امام می فرماید: امام هر دعایی کند مستجاب می شود، اگر به سنگی نفرین نماید دو نیم می شود!<sup>(1)</sup>

169 . از آن حضرت پرسیدند: چگونه امامت کسی اثبات می شود؟ فرمود: به نص [ و معرفی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام ] و دلیل . پرسیدند: دلیل امامت چیست؟ فرمود: علم و دانش، و مستجاب شدن دعا.<sup>(2)</sup>

170 . ابوبصیر از امام کاظم علیه السلام پرسید: امام چگونه شناخته می شود؟ حضرت فرمود: به چند امر، اول اینکه پدرش قبلاً امامت او را اعلام کرده باشد تا حجت بر مردم تمام شود، [ دیگر آنکه ] امام از آنچه پرسند [ آگاه است و می تواند ] پاسخ دهد، اگر سؤال هم نکنند خود او شروع به بیان مطالب می فرماید، از آینده خبر می دهد، با مردم به هر زبانی سخن می گوید.

در ادامه روایت آمده: شخصی از خراسان با حضرت به عربی صحبت کرد و حضرت با زبان فارسی او را پاسخ داد، خراسانی گفت: خیال کردم شما زبان فارسی نمی دانید! حضرت فرمود: در این صورت من چه برتری بر تو دارم؟!<sup>(3)</sup>

ص: 107

- 
- 1- . خصال 528 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام 2 : 192 ، معانی الأخبار 102 ، من لا یحضره الفقیه 4 : 419 ، احتیاج 2 : 231 ، کشف الغمّة 3 : 82 ، بحار 25 : 117 ، اثبات الهداة 3 : 716 .
  - 2- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 216 المحتضر 166 ، بحار 25 : 134 ، اثبات الهداة 3 : 716 - 717 .
  - 3- . رجوع شود به : کافی 1 : 285 ، قرب الاسناد 339 - 340 ، ارشاد 2 : 224 - 225 ، معانی الأخبار 101 ، دلائل الإمامة 337 ، روضه الواعظین 213 ، عیون المعجزات 89 ، خرائج 1 : 333 ، اعلام الوری 2 : 22 ، مناقب 3 : 416 ، کشف الغمّة 3 : 16 ، بحار 25 : 133 ، 141 و 48 : 47 ، اثبات الهداة 3 : 715 ، 717 .

از حضرت مهدی علیه السلام نیز معجزاتی در دلالت بر امامت ایشان ظاهر می شود که این مختصر گنجایش بیان همه آن را ندارد. بعضی از آن معجزات در ضمن مطالب آینده بیان خواهد شد، اما اینجا چند مورد را متذکر می شویم.

171. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در ضمن حدیثی فرمود: خداوند به من وحی فرمود که آخرین آنها ( امامان از نسل امیر مؤمنان علیه السلام ) کسی است که حضرت عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا می نماید .

او زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است . به واسطه او مردم را از هلاکت نجات داده و از گمراهی رها می نمایم، و نابینایان و بیماران را شفا می دهم. (1)

172. در حدیثی دیگر فرمود: مهدی قیام می کند در حالی که بالای سر او ابری است و منادی از میان آن ابر ندا می دهد: این مهدی خلیفه و جانشین خداست ، از او پیروی و تبعیت نمایید . (2)

و بنابر روایتی دیگر فرمود: بالای سر آن حضرت ابری سایه افکنده و همه جا همراه ایشان است تا آن بزرگوار از حرارت خورشید آسیب نبیند . آن ابر با صدایی فصیح ندا می دهد: «هَذَا الْمَهْدِي» یعنی: این حضرت مهدی علیه السلام است. (3)

ص: 108

- 
- 1- . کمال الدین 251 ، المحتضر 248 ، منتخب الانوار المضيئة 47 ، بحار 51 : 69 - 70 و 52 : 277 ، اثبات الهداة 3 : 717 .
  - 2- . کفایه الاثر 151 ، کشف الغمة 3 : 270 ، 288 ، الصراط المستقیم 2 : 154 ، 261 ، بحار 51 : 81 ، 95 ، 97 ، و مراجعه شود به : کفایة الاثر 146 ، الصراط المستقیم 2 : 153 ، 259 ، بحار 36 : 335 و 52 : 380 .
  - 3- . رجوع شود به : کشف الغمة 3 : 275 ، الصراط المستقیم 2 : 260 - 261 ، بحار 51 : 24 .

173 . امام باقر علیه السلام فرمود: قائم خاندان ما به رعب و وحشتی که از او در دل ها افتد یاری می شود و به نصرت الهی تأیید می گردد ، زمین برایش پیچیده می شود (یعنی به طئی الارض هر لحظه از مکانی به مکان دیگر - هر چند دور - می رود)، گنج های زمین بر ایشان ظاهر می شود، شرق و غرب عالم تحت سلطه اش در می آید ، خدا به واسطه او دینش را ظاهر می نماید هر چند مشرکان را ناخوش آید. [در آن دولت کریمه] تمام خرابی های زمین آباد می گردد و حضرت عیسی علیه السلام فرود آمده و پشت سرش نماز می گزارد. (1)

174 . یکی از معجزات آن حضرت زنده کردن ابوبکر و عمر پس از سالیانی دراز است ، آنها را به درخت خشکیده می آویزد ، آن درخت به اعجاز حضرت تازه شده و جوانه می زند ، حضرت از آن دو بر تمامی جنایات و ستم هایی که در عالم اتفاق افتاده اعتراف می گیرد .

پس از سوزاندن و بر باد دادن خاکستر آنها ، باز هم آنها را زنده می کند تا دیگران نیز انتقام خویش را از آنها بگیرند و این کار بارها تکرار می شود. (2)

ص: 109

---

1- . کمال الدین 331، إعلام الوری 2 : 291 - 292، كشف الغمة 3 : 342 - 343 ، بحار 52 : 191 - 192 ، اثبات الهداة 3 : 718 - 719 .

2- . مراجعه شود به : احتجاج 449؛ إعلام الوری 435 - 436؛ دلائل الإمامة 242 ، 257 ، 297؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام 1 : 58؛ کمال الدین 253 ، 378 - 377 ؛ الهدایة الكبرى 163؛ مثالب النواصب 113؛ ارشاد القلوب 2 : 285 - 287 ؛ مشارق أنوار الیقین 79 ؛ مختصر بصائر الدرجات 176 مسند فاطمة الزهراء علیها السلام طبری وکشف البیان شیبانی، به نقل حلیة الابرار 2 : 597 - 599 چاپ دار الکتب العلمیة باب 28؛ منتخب الأنوار المصنیئة 177 - 176، 192 - 193 ؛ اللوامع النورانیة 279؛ الايقاظ من الهجعة 287 - 288 ؛ کتاب الغیبة سید علی بن عبدالحمید قدس سره به نقل بحار 52 : 386 ، بحار 30 : 276 - 277 و 36 : 245 و 52 : 283 ، 379 و 53 : 12 - 4 .

زیبایی فوق العاده حضرت مهدی علیه السلام در آثار متعدد آمده است، و در برخی از روایات اجمالاً اشاره شده که آن گرامی - علاوه بر کردار و رفتار و گفتار - در شکل و شمایل ظاهری آئینه تمام نمای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. (1)

اوصاف آن بزرگوار در روایات این گونه بیان شده است :

سنّ ایشان زیاد ولی قیافه اش همچون جوان چهل ساله [یا کمتر] است. سر مبارک گرد، صورت مانند ماه درخشان، خوش صورت و زیباست و رخسارش چنان می درخشد که بر سیاهی محاسن و موی سر غالب است.

روی مبارک کم گوشت، رنگ آن سفید آمیخته به سرخی است که از بیداری شب، زردی بر آن عارض شده.

پیشانی فراخ و سفید و تابان، ابروان به هم پیوسته، بینی باریک و قلمی که در وسط آن کمی خمیدگی دارد. بر گونه راست او یک خال است مانند ستاره فروزان. میان دندان هایش گشاده، چشمانی سیاه و سرمه گون دارد.

میان دو کتف او عریض، و در شکم و ساق پا مانند جدّش امیرمؤمنان علیه السلام قامتی معتدل دارد؛ هیچ چشمی چنین شمایل متناسب ندیده است.

175. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: مهدی از فرزندان من است نامش نام من، کنیه اش کنیه من، و در خَلق و خُلُق شباهتش از همه به من بیشتر است. (2)

ص: 110

1- اثبات الهداة 3: 440، 460، 481، 505، 520، 526، 538، 569.

2- کمال الدین 286 - 287، الإمامة والتبصرة 119، کفایة الأثر 67، اعلام الوری 2: 226، کشف الغمة 3: 327، منتخب الانوار المصنّیة 53، بحار 36: 309 و 51: 72، اثبات الهداة 3: 460.

176 . آن حضرت فرمود: نهمین آنان (فرزندان سیدالشهدا علیه السلام) قائم خاندانم

و مهدی امت من است، در شمایل و گفتار و رفتار شبیه ترین مردم به من باشد، او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده، ظاهر شده و امر خدا را علنی می نماید. (1)

177 . و فرمود: قائم از فرزندان من است . او در نام، کنیه ، شمایل و سنت با من مشترك است. او مردم را بر دین و آیین من استوار می دارد. (2)

178 . امام حسن عسکری علیه السلام فرمود : خدا را سپاس که از دنیا نرفتم تا جانشین پس از خودم را به من نشان داد ، او شبیه ترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است در خلقت (صورت) و سیرت . (3)

179 . امیرمؤمنان نگاهی به امام حسین علیهما السلام انداخت و فرمود: فرزندم سرور و آقا است همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را «سید» نامید . خدا از صلب او فرزندی می آورد همانام پیامبر که در ظاهر و باطن و خلق و خوی شبیه آن حضرت باشد . هنگامی قیام می کند که مردم در غفلت به سر برده ، حق را میرانده و نابود کرده و ظلم و ستم را برپا داشته اند . به خدا سوگند [ پس از ظهورش ] اگر قیام نکند او را می کشند . از قیام او اهل آسمان ها و ساکنان آن شاد می شوند .

پیشانی او سفید و تابان ، بینی قلمی ، شکم ضخیم ، ران ها توهمند ، و بر ران

ص: 111

---

1- . کمال الدین 257 - 258 ، کفایة الأثر 11 ، اعلام الوری 2 : 183 ، کشف الغمة 3 : 315 ، بحار 36 : 283 و 52 : 379 .

2- . کمال الدین 411 ، اعلام الوری 2 : 226 - 227 ، بحار 51 : 73 ، اثبات الهداة 3 : 526 .

3- . کمال الدین 408 - 409 ، کفایة الأثر 295 ، الصراط المستقیم 2 : 231 ، بحار 51 : 161 ، اثبات الهداة 3 : 569 .

راستش يك خال ، و دندان هایش گشاده است . او زمین را پر از عدل و داد می نماید چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد .(1)

180 . راوی از امام رضا علیه السلام پرسید : شما صاحب این امر هستید ؟ حضرت فرمود : من صاحب این امر ( یعنی امامت ) هستم ولی [ صاحب امر فرج

نیستم ] من آن کسی نیستم که زمین را پر از عدل نماید پس از آنکه پر از ستم شده باشد . چگونه ممکن است من باشم با این ضعفی که در بدنم می بینی ؟ قائم [ خاندان ما ] هنگام قیام از جهت سن در ردیف پیران ولی از جهت ظاهر جوان است . آن قدر قوی و نیرومند است که می تواند بزرگ ترین درخت روی زمین را با دست از جای در بیاورد ، و اگر بین کوه ها فریادی بکشد ، صخره های آن فرو می ریزد . عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان علیهما السلام همراه او است . او نسل چهارم از فرزندان من است ، خدا تا زمانی که بخواهد او را در پس پرده غیبت نهان داشته ، سپس او را ظاهر می گرداند .(2)

181 . راوی گوید : از امام عسکری علیه السلام پرسیدم : صاحب این امر کیست ؟ فرمود : پرده را بالا بزن ، دستور را انجام دادم ، کودکی را دیدم ... با پیشانی روشن ، صورت سفید ، چشمان [ زیبا و ] درخشان ، که دست ها و زانوهایش ضخیم و تنومند بود ، بر گونه راستش يك خال بود و بر سرش زلفی .(3)

ص: 112

- 
- 1- . رجوع شود به : غیبت شیخ نعمانی 222 - 223 ، غیبت شیخ طوسی 190 ، بحار 51 : 39 - 40 ، 120 ، اثبات الهداة 3 : 505 ، 538 با قدری اختلاف .
  - 2- . کمال الدین 376 ، إعلام الوری 2 : 241 ، منتخب الأنوار المضيئة 345 ، كشف الغمة 3 : 331 ، الصراط المستقیم 2 : 229 ، بحار 52 : 322 ، اثبات الهداة 3 : 478 .
  - 3- . کمال الدین 407 ، 437 ، إعلام الوری 2 : 250 ، منتخب الأنوار المضيئة 262 ، بحار 52 : 25 ، اثبات الهداة 3 : 481 ، و مراجعه شود به : خرائج 2 : 959 ، كشف الغمة 3 : 335 .



182 . امام باقر از پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان علیهم السلام روایت می کند : مردی از فرزندان من در آخرالزمان قیام می نماید ، رنگش سفید آمیخته به سرخی ، شکم عریض و واسع ، ران ها کلفت ، سردوش و شانه اش تومند ، بر پشت او دو علامت است [ تورفتگی و یا برآمدگی ] که یکی هم رنگ پوست بدن او و دیگری مثل علامتی است که بر بدن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود . (1)

183 . امام رضا علیه السلام فرمود : علامت آن گرامی آن است که از جهت سن در ردیف پیران ولی از نظر قیافه جوان است ، کسی که آن حضرت را ببیند سن ایشان را 40 سال یا کمتر حدس می زند ، یکی از علائم او آن است که به مرور زمان پیر نمی شود تا اجلش فرارسد . (2)

184 . امام باقر به نقل از امیر مؤمنان علیهما السلام فرمود : او جوانی است با قامت معتدل ، زیباروی و زیباموی ، موهایش بر سرشانه ریخته و نور چهره اش بر سیاهی موی سر و صورتش غالب است . (3)

185 . امیر مؤمنان علیه السلام ضمن روایتی فرمود : هنگامی که ظاهر شود او را [ به صفاتش ] بشناسید ، قامتی معتدل دارد ( نه بلند و نه کوتاه ) و موهایش به شدت سیاه است . (4)

ص : 113

---

1- . کمال الدین 653 ، إعلام الوری 2 : 294 ، خرائج 3 : 1149 - 1150 ، منتخب الأنوار المضية 54 ، بحار 51 : 35 ، اثبات الهداة 3 : 723 .

2- . کمال الدین 652 ، إعلام الوری 2 : 295 ، خرائج 3 : 1170 ، منتخب الأنوار المضية 70 ، بحار 52 : 285 .

3- . ارشاد 2 : 382 ، إعلام الوری 2 : 294 ، خرائج 3 : 1152 ، روضه الواعظین 266 ، الصراط المستقیم 2 : 253 ، غیبت شیخ طوسی 470 ، کشف الغمة 3 : 263 ، منتخب الأنوار المضية 56 ، بحار 51 : 36 .

4- . اثبات الهداة 3 : 587 به نقل از المجموع الرائق من أزهار الحدائق .

186 . امام باقر علیه السلام فرمود: رنگش مایل به سرخی، چشم ها به گودی فرورفته ، ابروها پیوسته و میان شانه هایش عریض (یعنی چهارشانه) است. (1)

187 . ابوبصیر از امام صادق علیه السلام اجازه گرفته و سینه و شانه های حضرت را لمس نمود ( چون نابینا بود و نمی توانست ببیند)، حضرت پرسید : چرا این کار را می کنی ؟ عرض کرد : فدایت گردم از پدر بزرگوارت شنیدم که فرمود : قائم سینه ای پهن ، شانه هایش نرم و صاف ، و بین شانه هایش نیز پهن است . حضرت فرمود : پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را پوشید به زمین کشیده می شد ، من پوشیدم باز به زمین کشیده شد ، ولی آن زره به تن حضرت قائم به گونه ای است که بر بدن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود ، دامش بالا زده ( جمع و جور ) مثل اینکه کمر بندش را با دو حلقه به بالا آویزان کرده باشند .

صاحب امر فرج قیافه ظاهری اش بیش از چهل سال نمی شود. (2)

188 . آن حضرت فرمود : قائم ما کسی است که زره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دقیقاً اندازه او باشد. امام باقر علیه السلام آن را پوشید قدری از او بلندتر بود. (3)

189 . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : او شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام است ، نور از او می بارد ، درخشش نور او از شعاع انوار قدسی است. (4)

ص: 114

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 223 - 224 ، بحار 51 : 40 .

2- . بصائر الدرجات 209 ، خرائج 2 : 691 ، بحار 52 : 319 ، اثبات الهداة 3 : 520 .

3- . بصائر الدرجات 195 - 196 ، بحار 26 : 205 .

4- . کفایة الأثر 159 ، بحار 36 : 338 و 51 : 109 ، و مراجعه شود به : کمال الدین 371 ، عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 10 ، غیبت شیخ نعمانی قدس سره 186 ، دلائل الإمامة 460 ، بحار 52 : 109 ، 152 .

190 . علی بن مهزیار می گوید : چهره حضرت مانند پاره ماه . در نهایت فهم و درک، خوش رفتار ، قامتی معتدل و کشیده ، نه بسیار بلند و نه بسیار کوتاه ، پیشانی بلند و فراخ ، ابروان به هم پیوسته ، چشمان درشت و سیاه، بینی قلمی، گونه هایش هموار و صاف ( کم گوشت ) و بر گونه راستش يك خال است . هنگامی که چشم من به حضرت افتاد عقلم در وصف او حیران و سرگردان گشت .(1)

191 . بنابر روایت دیگر او درباره حضرت گفته : صورتش چون گلی قرمز رنگ که شبنم بر آن نشسته ... قامتش چون سرو یا يك شاخه گل ، بلند نظر ، با سخاوت ، پرهیزگار و پاک ، قامتش معتدل ... سرش گرد و برگونه راستش يك خال مانند دانه مشکی بر عنبر .(2)

192 . ابراهیم بن مهزیار نیز در وصف حضرت می گوید : رنگ چهره اش صاف و روشن ، پیشانی سفید ... صورت کشیده ، بینی قلمی ، زیبایی اش شگفت انگیز بسان شاخ گل ، سیمایش چون ستاره ای درخشان ، بر گونه راستش يك خال چون دانه مشکی بر بیاض نقره . موهای سر سیاه و صاف و تا بناگوش رسیده ، سیمایی که کسی بهتر از آن در زیبایی و وقار و حیا ندیده است .(3)

ص: 115

---

1- . کمال الدین 468 - 469 ، بحار 52 : 45 .

2- . غیبت شیخ طوسی 265 ، بحار 52 : 11 و مراجعه شود به : خرائج 2 : 787 .

3- . کمال الدین 446 - 447 ، بحار 52 : 34 .

193 . امام رضا علیه السلام می فرماید: گرچه ولادت و رشد و نمو حضرت مهدی علیه السلام مخفیانه بوده ولی در نسب آن حضرت هیچ ابهامی نخواهد بود. (1)

توضیحی که در این زمینه لازم به نظر می رسد آن است که: هنگامی که علائم ظهور محقق شود، و ندای آسمانی به نام مبارک آن گرامی را همگان بشنوند، تنها کسی که خود را به عنوان حجة بن الحسن علیهما السلام معرفی کند و نسب خود را تا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برساند حضرت مهدی علیه السلام است؛ لذا در روایت شماره 227 خواهد آمد: ممکن است هر چیزی برای مردم مشکل باشد، اما برای آنها هیچ ابهامی وجود ندارد که او فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. ندای آسمانی که نام او و پدر و مادرش را ذکر می کند برای احدی ابهامی باقی نخواهد گذاشت.

### سلاح، زره و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

یکی از راه های شناخت امام - چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت - این است که سلاح و زره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نزد او است. (2)

این سلاح و زره آسیب ناپذیر و دارای ویژگی هایی خاص و اعجاز آمیز است که هر کسی نتواند بیهوده ادعای داشتن آن را بنماید. (3)

ص: 116

- 
- 1- . کافی 1 : 341 - 342 ، کمال الدین 370 ، غیبت شیخ نعمانی 173 ، تقریب المعارف 431 - 432 ، إعلام الوری 2 : 240 ، کشف الغمة 3 : 331 ، بحار 51 : 37 ، 155 ، اثبات الهداة 3 : 446 ، 477 .
  - 2- . اثبات الهداة 3 : 714 ، 724 ، بحار 26 : 201 - 222 .
  - 3- . درباره سخن گفتن سلاح رجوع شود به روایت شماره 265 و بصائر الدرجات 154 ، بحار 26 : 45 . درباره آسیب ناپذیر بودن سلاح رجوع شود به : کافی 1 : 234 ، بصائر الدرجات 184 ، 186 ، ارشاد 2 : 188 ، روضه الواعظین 1 : 210 ، بحار 26 : 210 ، 216 - 217 . درباره ظهور معجزه از زره رجوع شود به الثاقب فی المناقب 363 - 364 ، 379 - 381 ، مدینه المعاجز 4 : 422 - 423 و 5 : 159 - 161 ، عوالم 19 : 175 - 176 و صفحه آینده، روایت شماره 199 .

194 . امام باقر علیه السلام فرمود : سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نزد ما اهل بیت مانند تابوت در بنی اسرائیل است ، هر جا سلاح باشد مُلک [ و امامت ] همانجاست .(1)

و بنابر روایتی فرمود : علم ( امامت ) آنجا خواهد بود .(2)

195 . امام رضا علیه السلام فرمود: «دُورُوا مَعَ السَّلَاحِ حَيْثُمَا دَارَ»(3) یعنی : دنبال سلاح باشید، نزد هر کس باشد او امام است.

196 . امام صادق علیه السلام فرمود : سه چیز دلیل امامت است : سزاوارترین مردم به امام پیشین بودن ، سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را داشتن ، و به صورت علنی و روشن وصی حجّت قبل قرار گرفتن .(4)

197 . و فرمود: جفر احمر ظرفی (از پوست) است که سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در آن قرار دارد و فقط پس از ظهور حضرت قائم آل محمد علیهم السلام نمایان می شود.(5)

198 . امام باقر علیه السلام فرمود : حضرت مهدی علیه السلام از مکه به همراه بیش از سی صد و ده نفر از یارانش قیام می کند . آنها بین رکن و مقام با حضرت بیعت می کنند.

ص: 117

---

1- . بصائر الدرجات 195 - 205 ، 209 ، کافی 1 : 238 ، تفسیر عیاشی 1 : 249 ، قرب الاسناد 364 ، بحار 23 : 277 و 26 : 201 - 210 ، 217 - 221 ، اثبات الهداة 3 : 714 و تفسیر آیه : إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ . (البقرة (2) : 248) .

2- . کافی 1 : 238 ، بحار 26 : 210 - 211 .

3- . کافی 1 : 285 ، بحار 25 : 167 ، اثبات الهداة 3 : 715 .

4- . کافی 1 : 284 ، الإمامة والتبصرة 138 ، خصال 117 ، بحار 25 : 138 ، اثبات الهداة 3 : 714 .

5- . ارشاد 2 : 186 ، روضة الواعظین 211 ، كشف الغمة 2 : 383 ، بحار 26 : 18 ، اثبات الهداة 3 : 525 - 526 ، 559 . در روایتی دیگر نیز به این مطلب اشاره شده . کافی 1 : 240 ، بحار 26 : 37 .

آن بزرگوار پرچم و سلاح و عهدی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به همراه دارد. (1)

199. آن حضرت فرمود: زره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فقط بر قامت مبارك حضرت مهدی علیه السلام راست می آید و مناسب آن جناب است، هر کس آن را بپوشد - خواه کوتاه باشد یا بلند - يك وجب از قامت او بلندتر خواهد بود. (2)

200. امام صادق علیه السلام فرمود: به همان گونه که تابوتی که فرشتگان برای بنی اسرائیل آوردند، علامت شناخت نبوت بود، سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز بین ما

علامت شناخت امامت است. مانند آن تابوت (ظرفی از پوست که در بردارنده سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است) نزد من موجود است.

پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را پوشید قدری به زمین کشیده می شد و همچنین من، ولی قائم ما خاندان هنگامی که آن را بپوشد دقیقاً مناسب اندام او است. (3)

201. از آن حضرت در ضمن روایتی دیگر آمده است: حضرت مهدی علیه السلام ظهور می کند در حالی که پیراهنی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در جنگ احد بر تن داشت، عمامه سحاب، زره آن حضرت «السابعة» و شمشیر «ذوالفقار» را همراه دارد. (4)

ص: 118

1- . تفسیر عیاشی 1 : 65، بحار 52 : 223. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: حضرت نوشته ای را از قبایش بیرون می آورد که به مهری طلایی ختم شده، و آن عهدی است از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم. کمال الدین 673، بحار 52 : 326.

2- . کافی 1 : 389، بحار 25 : 168، اثبات الهداة 3 : 715 - 716.

3- . رجوع شود به: کافی 1 : 233، بصائر الدرجات 195 - 196، ارشاد 2 : 188، اختیار معرفة الرجال 2 : 728، روضة الواعظین 210، إعلام الوری 1 : 538، احتجاج 2 : 134، كشف الغمة 2 : 385، بحار 26 : 201 - 202، 205، اثبات الهداة 3 : 440.

4- . غیبت شیخ نعمانی 320 و رجوع شود به: 279، کافی 8 : 224 - 225، بحار 52 : 301، 361.

202. امام صادق علیه السلام فرمود: برحذر باش از شَدْذَاذ(1) خاندان پیامبر علیهم السلام چون اهل بیت یک پرچم دارند و دیگران پرچم های دیگر. سر جایث بنشین و از هیچ کدام پیروی نکن تا مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام را ببینی که عهد و پرچم و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را به همراه دارد.

عهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نزد امام سجاد علیه السلام بود سپس نزد امام باقر علیه السلام [ و سپس نزد بقیه معصومین علیهم السلام یکی پس از دیگری] ... پس ملازم ایشان باش، و از خروج با دیگران - که برایت توضیح [کافی] دادم - خودداری کن.(2)

203. امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! بنی عباس یک پرچم بلند می کنند، و دیگران پرچم های دیگر، برحذر باش، برحذر باش، برحذر باش [ از پیروی آنها] تا مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام را ببینی که [قیام کرده و] مردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند و سلاح، مغفر،(3) زره و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با اوست.(4)

\* در روایت 227 خواهد آمد که فرمود: همراه آن حضرت عهدی است از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که فرزندان از پدران (امامان علیهم السلام از یکدیگر) به ارث برده اند.

\* در روایت 267 خواهد آمد که: و با او عهدی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله، و حضرت آن عهد را قرائت می کند.

ص: 119

---

1- . شَدْذَاذ جمع شاذّ و در لغت به معنای: استثنایی، متفرقه، کنار کشیده و مانند آن استعمال می شود، و در روایت فوق به زیدیه تفسیر شده است. مراجعه شود به: بحار 52 : 269 .

2- . تفسیر عیاشی 1 : 65، بحار 52 : 223 .

3- . «مغفر» به زرهی گویند که به اندازه سر ساخته شده و زیر کلاه خود می پوشند.

4- . الأصول الستة عشر 79، اثبات الهداة 3 : 588، مستدرک 11 : 38، جامع أحادیث الشيعة 13 : 75 .

پس از ظهور، جبرئیل علیه السلام پرچم «الغالبه» (1) را نزد امام زمان علیه السلام می آورد، این

پرچم از برگ درختان بهشتی است که جبرئیل در جنگ بدر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آورد، حضرت پس از پیروزی آن را پیچیده و به امیرمؤمنان علیه السلام سپرد.

204. امام صادق علیه السلام فرمود: آن پرچم در جنگ جمل [برای دومین بار] برافراشته شد و طولی نکشید که لشکر دشمن شکست خورد. در نبرد صفین - با وجود اصرار اصحاب - حضرت از استفاده آن پرچم امتناع ورزید و فرمود: پس از من هیچ کس جز حضرت مهدی علیه السلام آن را باز نخواهد کرد. (2)

205. امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت قائم علیه السلام به همراهی سی صد و سیزده نفر - به تعداد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در بدر - از دره ذی طوی پایین آمده و کنار خانه خدا به حجر تکیه نماید، سپس پرچم غالبه [مغلبه] را به اهتزاز در می آورد. (3)

206. امام صادق علیه السلام فرمود: قائم آل محمد علیهم السلام از مکه قیام نمی کند مگر پس از آنکه لشکر ده هزار نفری تکمیل شود، جبرئیل از جانب راست و میکائیل از جانب چپ او باشد. آن حضرت پرچم غالبه [مغلبه] را به اهتزاز در می آورد و حرکت خویش را آغاز می نماید. (4)

ص: 120

---

1- برای این پرچم نام های دیگری چون «المغلبه» نیز ذکر کرده اند.

2- غیبت شیخ نعمانی 319، بحار 32: 210 و 52: 367، اثبات الهداة 3: 544.

3- غیبت شیخ نعمانی 329، بحار 52: 370، اثبات الهداة 3: 547، و مراجعه شود به: بحار 52: 306 - 307 اثبات الهداة 3: 582.

4- غیبت شیخ نعمانی 320، بحار 52: 367 - 368، اثبات الهداة 3: 545.



207 . در روایتی از امام سجاد علیه السلام آمده است که اسرافیل پیشاپیش او خواهد بود.

حضرت پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را افراشته می دارد . با آن پرچم با هر گروهی که مبارزه کند به قدرت خدا نابود می شوند  
(1).

208 . امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که امام زمان علیه السلام آن پرچم را باز کند فرشتگانی که در جنگ بدر حضور داشتند برای یاری اش فرود می آیند.

راوی پرسید : آن پرچم چیست ؟

حضرت فرمود: دسته آن از ستون و پایه عرش و رحمت خداوند، و سایر اجزای آن از نصر خداوند تعالی ساخته شده است.

در هر نبردی که آن پرچم را همراه داشته باشند فتح و پیروزی نصیب آنها شده و دشمن هلاک خواهد شد.

راوی پرسید : آیا الان آن پرچم نزد شماست ؟

حضرت فرمود : جبرئیل آن را نزد امام زمان علیه السلام می آورد . (2)

209 . امام باقر از امیر مؤمنان علیهما السلام نقل فرمود: مردی از نسل من در آخرالزمان قیام می نماید که دو نام دارد : نام مخفی اش احمد و نام ظاهرش محمد.

هنگامی که پرچم خویش را به اهتزاز درآورد، همه عالم - از مشرق تا مغرب - برای او روشن شود، [ پس از آن نبرد را شروع می کند ] .

ص: 121

---

1- . امالی شیخ مفید 45 ، بحار 51 : 135 ، اثبات الهداة 3 : 556 .

2- . غیبت شیخ نعمانی 321 ، بحار 52 : 362 ، ورجوع شود به : تفسیر عیاشی 1 : 103 ، اثبات الهداة 3 : 545 - 546 ، 548 .

او دست بر سر بندگان می نهد. دل های مؤمنان از آهن محکم تر خواهد گردید و خدا به هر کدام نیروی چهل مرد عنایت می فرماید. میتی [ از اهل ایمان] نباشد مگر آنکه در قبرش [ از قیام حضرت] شاد و خوشحال می شود، آنها در قبرهایشان به دیدن یکدیگر رفته و همدیگر را به قیام حضرت بشارت می دهند. (1)

در روایات متعدد آمده است که امام زمان علیه السلام در هیچ نبردی شکست نخواهد خورد. (2)

210. از امام باقر علیه السلام روایت شده که آیه شریفه: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا» (3) درباره حضرت قائم علیه السلام نازل شده است. هنگام قیام عمامه بر سر نهاده و کنار مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نماز می گزارد و به درگاه خدا تضرع می نماید. پس از آن [ نبرد خویش را آغاز می نماید] او در هیچ نبردی شکست نخواهد خورد. (4)

211. در روایت دیگری فرمود: به خدا گویا می بینم که مردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند با برنامه ای تازه و نو، و کتابی جدید، و قدرت و سلطه ای بی سابقه از جانب خدا. او تا آخر عمر در هیچ نبردی شکست نخواهد خورد. (5)

ص: 122

- 
- 1- رجوع شود به: کمال الدین 653، إعلام الوری 2: 295، خرائج 3: 1149 - 1150، منتخب الأنوار المضيئة 54، بحار 51: 35، اثبات الهداة 3: 723.
  - 2- بحار 53: 83، 273.
  - 3- النمل 27: 62.
  - 4- تأویل الآيات 1: 403، بحار 51: 59، اثبات الهداة 3: 564.
  - 5- غیبت شیخ نعمانی 270، الصراط المستقیم 2: 260، بحار 52: 235.

بنابر روایات متعدد خدا با ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان، حضرت را یاری می کند. (1)

212. امام باقر علیه السلام فرمود: شباهت حضرت مهدی علیه السلام به جدش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جنگ مسلحانه و کشتن دشمنان خدا و پیامبر و جباران و طاغوت هاست.

حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر و رعب و وحشت یاری می شود و در هیچ نبردی شکست نخواهد خورد. (2)

213 - 214. در ضمن روایتی دیگر فرمود: رعب و وحشت از پیش رو و پشت سر - و بنابر روایت دیگر: از چهار سوی حضرت قائم علیه السلام - تا مسیر يك ماه راه را فرا می گیرد [و به هر سویی روی کند دشمنان از او بهراسند (3)].

\* در روایت 173 گذشت که: قائم خاندان ما به رعب و وحشتی که از او در دل ها افتد یاری و به نصرت الهی تأیید می شود.

### ذخائر پیامبران الهی علیهم السلام

اهل بیت علیهم السلام تمام آنچه از ذخائر پیامبران علیهم السلام باقی مانده است را از یکدیگر به ارث می بردند و همه آنها نزد امام زمان علیه السلام موجود است.

ص: 123

1- بحار 52 : 343، 348.

2- کمال الدین 327 ، بحار 51 : 218 ، و مراجعه شود به: إعلام الوری 2 : 233، كشف الغمة 3 : 330 ، منتخب الأنوار المضيئة 308 ، اثبات الهداة 3 : 468 .

3- مراجعه شود به: اثبات الهداة 544، 545، 546، 547، 548، 556، 582، 723.

215. امام باقر به نقل از پدرانش علیهم السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کند که: مهدی از فرزندان من است، او غیبتی دارد که امت ها در آن [مدت] گمراه می شوند، او ذخائر پیامبران الهی علیهم السلام را می آورد [و به مردم نشان دهد] و زمین را پر از عدل و داد می نماید چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. (1)

216. امام صادق علیه السلام فرمود: عصای حضرت موسی علیه السلام از شاخه آس بهشتی بود، هنگامی که به مدین می رفت جبرئیل آن را برایش آورد. آن عصا و همچنین صندوقی متعلق به حضرت آدم علیه السلام، هرگز نپوسیده و تغییر نکرده است، و حضرت قائم علیه السلام پس از قیام آنها را خواهد آورد. (2)

217. امیر مؤمنان - درباره امام زمان علیهما السلام - فرمود: بین رکن و مقام ظاهر می گردد، او پیراهن حضرت ابراهیم و حُلّه ای از حضرت اسماعیل را در بر دارد، و نعلین حضرت شیث [علیهم السلام] را به پا کرده است. (3)

218. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند جبرئیل علیه السلام لباسی از بهشت برای او آورد و به او پوشاند، با آن پیراهن از سرما و گرما در امان بود. او قبل از وفاتش آن پیراهن را در حرزی قرار داده و بر اسحاق آویخت. او هم آن را بر فرزندش یعقوب آویزان کرد و او نیز پس از ولادت حضرت یوسف آن را بر بازوی او بست. آن حضرت - پس از قضایایی که برای او اتفاق افتاد - آن پیراهن را در مصر از تن خویش بیرون

ص: 124

---

1- . کمال الدین 287، اعلام الوری 2: 226، بحار 51: 72 - 73، اثبات الهداة 3: 461.

2- . غیبت شیخ نعمانی 243، بحار 52: 351، اثبات الهداة 3: 540.

3- . اثبات الهداة 3: 587 به نقل از المجموع الرائق، معجم أحادیث الإمام المهدي علیه السلام 3: 121.

آورد و حضرت یعقوب بوی آن را [ از مسافت 18 روز راه(1) ] استشمام نمود که در آیه شریفه: «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ» (2) بدان اشاره شده است .

- و بنابر روایتی فرمود: قائم ما هنگام قیامش آن پیراهن را همراه دارد، اهل ایمان در شرق و غرب عالم بوی آن را استشمام می نمایند. -

سپس فرمود: از هر کدام پیامبران علمی یا چیزی باقی مانده، نزد اهل بیت علیهم السلام موجود است. (3)

219. امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: هنگامی که قائم آل محمد علیهم السلام از مکه بیرون آید منادی ندا می کند: کسی آب و غذا همراه خویش نیاورد. سنگ حضرت موسی علیه السلام با او (حضرت مهدی علیه السلام) است - که به اندازه بار یک شتر است - در هر منزلی که ایشان با یارانش فرود می آیند از آن سنگ چشمه هایی بجوشد که گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب می کند (4).

220. امام باقر علیه السلام فرمود: عصای حضرت موسی علیه السلام برای حضرت آدم علیه السلام بوده، سپس به حضرت شعیب علیه السلام و پس از آن به حضرت موسی علیه السلام رسیده،

ص: 125

---

1- . حياة القلوب 1 / 525 .

2- . يوسف 12 : 94 .

3- . رجوع شود به : کافی 1 : 232 ، کمال الدین 142 - 143 ، 674 ، علل الشرائع 1 : 53 ، خرائج 2 : 693 ، منتخب الانوار المضيئة 351 ، بحار 12 : 248 - 249 و 17 : 143 - 144 و 26 : 215 و 52 : 327 - 328 ، اثبات الهداة 3 : 494 .

4- . بصائر الدرجات 208 ، کافی 1 : 231 ، کمال الدین 670 - 671 ، غیبت شیخ نعمانی 244 ، بحار 13 : 185 و 52 : 324 - 325 ، 335 و مراجعه شود به : خرائج 2 : 690 ، منتخب الانوار المضيئة 350 ، اثبات الهداة 3 : 440 .

الان نزد ما است . من به تازگی به آن سر زده ام ، هنوز تر و تازه است مثل زمانی که از درخت جدا شده . هرگاه بخواهند حرف می زند، هر دستوری به او داده شود انجام می دهد ، و هر جا افکنده شود سحر و جادو را می بلعد، آن عصا برای امام زمان علیه السلام ذخیره شده [ و آماده اجرای دستور آن حضرت است ] و - مانند حضرت موسی علیه السلام - با آن اعجاز خواهد نمود. (1)

221. در ضمن حدیثی دیگر فرمود : حضرت قائم علیه السلام «مهدی» نامیده شده ؛

زیرا مردم را هدایت می کند به آنچه پنهان است. آن گرامی تورات و بقیه کتب آسمانی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهند آورد. (2)

\* در روایت 180 گذشت که : عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان علیهما السلام همراه امام زمان علیه السلام است .

\* در زیارت حضرت مهدی علیه السلام - که در آخر کتاب خواهد آمد - این گونه می خوانیم :

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ ، وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ ، الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَ لَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ .

یعنی: درود بر بقیه الله در سرزمین های خدا و حجت او بر بندگانیش ، [ سروری ] که میراث انبیا به او رسیده و آثار برجای مانده اوصیا نزد اوست .

ص: 126

- 
- 1- . رجوع شود به : بصائر الدرجات 203 - 204 ، کافی 1 : 231 ، کمال الدین 673 - 674 ، الإمامة والتبصرة 116 ، اختصاص 270 ، بحار 13 : 45 و 26 : 219 و 52 : 318 ، اثبات الهداة 3 : 439 ، 478 ، 494 ، 540 - 541 ، 558 .
- 2- . علل الشرائع 1 : 161 ، غیبت شیخ نعمانی 243 ، بحار 51 : 29 و 52 : 351 ، اثبات الهداة 3 : 498 .

\* در روایت 37 گذشت که امام صادق علیه السلام فرمود: صاحب این امر کسی است که همه بنی فاطمه او را بپذیرند.

\* در روایت 90 گذشت که : هنگام قیام سیاه جامه گان در خراسان [ به رهبری ابومسلم ] از امام صادق علیه السلام پرسیدند : نظر شما چیست ؟ حضرت فرمود: در خانه خویش بنشینید، هنگامی که دیدید ما (خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) همگی بر کسی اتفاق نظر داشتیم، با اسلحه به یاری ما بشتابید.





علائم ظهور امام زمان علیه السلام در رسوا کردن مدعیان مهدویت نقش مهمی را ایفا می کند و برای اهل ایمان کاملاً اطمینان بخش است ، چنانکه پیش از این نیز به این مطلب اشاره کردیم .

222 . امام صادق علیه السلام فرمود : قبل از قیام قائم آل محمد علیهم السلام پنج علامت وجود خواهد داشت: صیحه آسمانی ، خروج سفیانی ، خسف بیداء ، کشته شدن نفس زکیه ، خروج یمانی .(1)

راوی پرسید: اگر کسی از خاندان شما قبل از این علامات خروج کرد آیا با او قیام کنیم؟ فرمود: نه.(2)

223 . از آن حضرت پرسیدند: آیا خروج سفیانی حتمی است ؟ حضرت فرمود : آری ، همچنین کشته شدن نفس زکیه ، خروج خود امام زمان علیه السلام ، خسف بیداء ، دستی که از آسمان ظاهر شود و ندای آسمانی همه حتمی هستند .

ص: 129

---

1- . به شرحی که در احادیث آینده خواهد آمد .

2- . کافی 8 : 310 ، بحار 52 : 304 ، وسائل 15 : 52 ، و مراجعه شود به : کمال الدین 650 ، غیبت شیخ نعمانی 650 ، بحار 52 : 204 .

راوی پرسید: ندای آسمانی چیست؟ حضرت فرمود: منادی از آسمان نام حضرت قائم و نام پدرش علیهما السلام را ندا می دهد. (1)

224. ابوحمزه ثمالی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: امام باقر علیه السلام چند چیز را حتمی می دانست: قیام سفیانی، ندای آسمانی، بر آمدن خورشید از مغرب... .

سپس از حضرت پرسید: ندا چگونه خواهد بود؟ حضرت فرمود: اول روز از آسمان ندایی می رسد - که هر کس با زبان و لغت خودش آن را می شنود - [و می گوید]: «آگاه باشید حق با علی و پیروان اوست»، سپس ابلیس در پایان همان روز از زمین ندا می دهد: آگاه باشید حق با عثمان - و بنابر نقلی: سفیانی - و پیروان اوست.

آنگاه مبطلان به شك افتند [وگمراه شوند]. (2)

225. حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام درخواست کرد که روایتی را بر حضرت عرضه بدارد، حضرت پذیرفت او گفت: عبدالله بن بکیر از عبید فرزند زراره نقل کرد که هنگام قیام محمد بن عبدالله بن حسن شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: نظر شما درباره یاری او چیست؟ حضرت فرمود: تا زمین و آسمان آرام است شما هم آرام گیرید.

عبدالله بن بکیر گفت: اگر چنین باشد [چون همیشه زمین و آسمان آرام است] پس نه قائمی در کار است و نه قیامی!

ص: 130

1- . غیبت شیخ نعمانی 265 - 266 .

2- . مراجعه شود به: کمال الدین 652، ارشاد 2: 371 - 372، غیبت شیخ طوسی 435، 454، خرائج 3: 1161 - 1162، کشف الغمة 3: 257، الصراط المستقیم 2: 249، بحار 52: 206، 289 - 290، اثبات الهداة 3: 729، 731، 739 با کمی اختلاف.

حضرت فرمود: امام صادق علیه السلام درست فرموده اما برداشت ابن بکیر صحیح نیست، مقصود آن است که تا آسمان از ندا و زمین از فروردن لشکر [سفیانی] ساکت و آرام است، شما آرام باشید. (1)

226. امام باقر علیه السلام فرمود: گونه ات را بر زمین بگذار و هیچ حرکتی نکن تا رومیان به رمیله و ترکان به جزیره وارد شوند و منادی از دمشق ندا دهد. (2)

227. آن حضرت به جابر فرمود: بر زمین قرار گیر، هیچ فعالیتی نداشته باش (از قیام خودداری کن) تا علاماتی که می گویم ببینی ... [در پایان فرمود:] گرچه تو آن را درک نخواهی کرد ولی پس از من برای دیگران بازگو نما.

[سپس حضرت پاره ای از علائم ظهور مانند: ندای آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، و برخی از وقایع هنگام ظهور را - که بعدا خواهد آمد - بیان کرده و فرمود:] همراه او عهدی است از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که فرزندان از پدران (یعنی امامان معصوم علیهم السلام از یکدیگر) به ارث برده اند.

ممکن است هر چیزی [از این امور] بر مردم مشکل باشد اما شبیهه ای برای آنها نیست که امام زمان علیه السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و وارث پدران دانشمند خویش است. اگر در این جهات هم برای آنها شبیهه ای پیش آید، ندای آسمانی که نام او و نام پدر و مادرش را ذکر می کند برای احدی ابهامی باقی نخواهد گذاشت. (3)

ص: 131

- 
- 1- رجوع شود به: عیون أخبار الرضا علیه السلام 2: 277، معانی الأخبار 267، امالی شیخ طوسی قدس سره 413، بحار 52: 189 - 190، وسائل 15: 54 - 55 با کمی اختلاف.
  - 2- الاصول الستة عشر 78، مستدرک 11: 38 - 39.
  - 3- رجوع شود به: غیبت شیخ نعمانی قدس سره 289 - 291، غیبت شیخ طوسی رحمه الله 441، اختصاص 255 - 257، إعلام الوری 2: 282، کشف الغمة 3: 258، منتخب الأنوار المضيئة 305، ارشاد 2: 372، خرائج 3: 1156 - 1157، بحار 52: 212، 237 - 239، 269.

یکی از علائم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام قیام عثمان فرزند عنبسه معروف به سفیانی از نسل بنی امیه است.

228. امام سجاد علیه السلام فرمود: مگر می شود قائم قیام کند و سفیانی در کار نباشد! قیام حضرت قائم امر حتمی الهی است و [همچنین] امر سفیانی هم از جانب خدا حتمی [اعلام شده] است و نمی شود که قائم بدون سفیانی باشد، (تا او قیام نکند امام زمان علیه السلام نخواهد آمد). (1)

229. و فرمود: سفیانی از سرزمین یابس (2) قیام می کند. او از نسل عتبه بن ابی سفیان است، هنگامی که سفیانی ظاهر شود امام مهدی علیه السلام پنهان می گردد. (3)

230. امام باقر علیه السلام فرمود: خروج سفیانی و خروج حضرت مهدی علیه السلام در يك سال است. (4)

231. در حدیثی دیگر فرمود: برخی از امور موقوف (غیر حتمی) و بعضی از امور حتمی است؛ خروج سفیانی حتمی است و قطعاً واقع شود. (5)

ص: 132

---

1- . قرب الاسناد 374 ، بحار 52 : 182 ، اثبات الهداة 3 : 730 .

2- . سرزمینی است بی آب و علف بین مکه و شام. منتهی الآمال و گفته شده: نزدیک دمشق یا در منطقه حوران و درعا نزدیک اردن قرار دارد. (معجم احادیث الإمام المهدي عليه السلام 1 : 419).

3- . غیبت شیخ طوسی 444 ، بحار 52 : 213 ، و رجوع شود به: خرائج 3 : 1155 .

4- . غیبت شیخ نعمانی 275 ، بحار 52 : 240 ، اثبات الهداة 3 : 737 .

5- . غیبت شیخ نعمانی 313 ، بحار 52 : 249 .

232. امام صادق علیه السلام فرمود: فرزند هند جگرخوار از سرزمین یابس خروج می کند، او مردی است میان بالا، بد صورت، پیشانی اش ضخیم، آبله رو، يك چشم به نظر می آید، نامش عثمان و پدرش عنبسه و از نسل ابوسفیان است. او وارد کوفه (1) شده و بر منبر کوفه بالا می رود. (2)

233. در روایتی دیگر فرمود: خروج سفیانی حتمی است و در ماه رجب قیام می کند. از اول خروج تا آخر کارش پانزده ماه طول می کشد، شش ماه می جنگد و پس از غلبه بر پنج ناحیه، نه ماه بیشتر حکومت نمی کند. (3)

234. آن حضرت فرمود: ملازم خانه خویش باش و خود را یکی از پلاس های آن به حساب بیاور، تا شب و روز آرام است آرام گیر، هنگامی که شنیدی سفیانی خروج کرده به سوی ما کوچ نما حتی اگر با پای پیاده باشی. (4)

235. معلی بن خنیس می گوید: هنگام قیام سیاه جامه گان (پیروان ابومسلم خراسانی که قبل از روی کار آمدن بنی عباس خروج نمودند) نامه عده ای از اصحاب را خدمت امام صادق علیه السلام بردم که به حضرت نوشته بودند:

ص: 133

---

1- . در روایت سرزمین «ذات قرار و معین» است - که در سوره المؤمنون 23 آیه 50 آمده است - بنابر آنچه از روایات و کلام مفسرین استفاده می شود مقصود کوفه است، مراجعه شود به: تفسیر نورالثقلین 3: 544.

2- . کمال الدین 651، خرائج 3: 1150 - 1151، بحار 52: 205، اثبات الهداة 3: 721، 732.

3- . غیبت شیخ نعمانی 310، بحار 52: 248، و مراجعه شود به: غیبت شیخ نعمانی 316، غیبت شیخ طوسی 449 - 450، بحار 52: 215، 252، اثبات الهداة 3: 729، 739. و ابتدای روایت - خروج سفیانی حتمی است و در ماه رجب قیام می کند - در کمال الدین 650، 652 و بحار 52: 204 نیز نقل شده است.

4- . کافی 8: 264، وسائل 15: 51، بحار 52: 270 - 271، 303.

«فکر می کنیم که امر فرج به دست شما واقع شود، نظرتان چیست؟»

معلّی می گوید: حضرت [با ناراحتی] نامه ها را به زمین زد و فرمود: اف بر آنها، اف بر آنها! من امام آنها نیستم، مگر نمی دانند که او (یعنی صاحب امر قیام و فرج) کسی است که سفیانی را می کشد؟! (1)

236. کسی از آن حضرت پرسید: نام سفیانی چیست؟ حضرت فرمود: با نامش چه کار داری، هنگامی که نواحی [و بلاد] پنج گانه را تحت سیطره خود در آورد منتظر فرج باش، بلاد دمشق، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین. (2)

237. امام صادق علیه السلام فرمود: سفیانی خبیث ترین مردم، بور، سرخ [پوست]، با چشمانی زاغ است، می گوید: «يَا رَبِّ! ثَأْرِي، ثَأْرِي، ثُمَّ النَّار»، (3) آن قدر خبیث

است که از ترس اینکه کنیزش او را معرفی کند، او را زنده به گور می نماید. (4)

238. از آن حضرت روایت شده است که فرمود: خروج سفیانی و خراسانی

ص: 134

1- رجوع شود به: کافی 8: 331، بحار 47: 297 - 298 و 52: 266، وسائل 15: 52 - 53 خاتمه مستدرک 5: 315.

2- کمال الدین 651 - 652، الامامة والتبصرة 135، إعلام الوری 2: 282، بحار 52: 206، رجوع شود به: اثبات الهداة 3: 722، 732. در برخی از منابع به جای «قنسرین»، «حلب» ذکر شده است. غیبت شیخ نعمانی 316، بحار 52: 252، اثبات الهداة 3: 739.

3- نسخه دیگر: «يَا رَبِّ! يَا رَبِّ! يَا رَبِّ! ثُمَّ لِلنَّار». علامه مجلسی قدس سره فرموده: اظهر يا ربّ ثاري والنار است که در روایت دیگر نقل شده است. (بحار 52: 206). به نظر می رسد مقصود او از این سخن آن است که: خدایا من انتقام خودم را بگیرم هر چند پس از آن داخل آتش جهنم شوم!

4- کمال الدین 651، بحار 52: 205 - 206، اثبات الهداة 3: 721.

و یمانی در يك سال و يك ماه و يك روز است ، هیچ يك از آنها در هدایت برتر از یمانی نیست ، او مردم را به راه حق هدایت می نماید  
(1).

239. در ضمن حدیثی دیگر فرمود : منادی سفیانی در کوفه اعلام می کند : هر کس سر یکی از شیعیان را بیاورد جایزه اش هزار سکه نقره است ، همسایه همسایه اش را معرفی کرده و می گوید : فلانی از شیعیان است، جایزه را به او داده و سر همسایه اش را می زنند. (2).

\* در روایت 37 گذشت که : علامتی که برای شما کافی است خروج سفیانی است .

\* در روایت 224 گذشت که : ابلیس آخر روز از زمین ندا می دهد که : آگاه باشید حق با عثمان - و بنابر نقلی سفیانی - و پیروان اوست .

\* در روایت 275 خواهد آمد که : سفیانی حتما در رجب خروج نماید.

### فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان مدینه

240. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود : کسی ( اشاره به امام زمان علیه السلام ) به خانه خدا پناه خواهد برد ، لشکری برای مبارزه با او فرستاده می شود ، هنگامی که به بیداء ( بیابان ) مدینه برسند زمین آنها را فرو خواهد برد. (3).

ص: 135

- 
- 1- . ارشاد 2 : 375، غیبت شیخ طوسی 446 - 447، إعلام الوری 2 : 284، كشف الغمة 3 : 259، خرائج 3:1163، بحار 52:210، اثبات الهداة 3:728 درباره درستی خروج یمانی رجوع شود به صفحه 158.
  - 2- . غیبت شیخ طوسی 450، بحار 52 : 215، اثبات الهداة 3 : 729.
  - 3- . مجمع البیان 8 : 228، بحار 52 : 186 - 187، و مراجعه شود به : كنز العمال 12 : 203 .

241. آن حضرت در ضمن حدیثی دیگر فرمود: سفیانی به سرعت خود را از یابس به دمشق می‌رساند، او دو لشکر می‌فرستد یکی به سوی مشرق و دیگری به سوی مدینه. گروه اول در بغداد به کشت و کشتار و تعدی و تجاوز می‌پردازد، سپس به سوی کوفه رفته و اطراف آنجا را خراب نموده و از آنجا متوجه شام می‌گردد. لشکر حق و هدایت از کوفه به مبارزه با آنها پرداخته و آنها را نابود می‌نماید.

لشکر دوم به مدینه رفته و آن را غارت و سپس به سوی مکه حرکت کند، هنگامی که به بیابان مدینه می‌رسد، خدا به جبرئیل می‌فرماید: آنها را نابود کن، او با پا بر آن زمین ضربه ای زند و همه آنها را - جز دو نفر - هلاک می‌نماید. (1)

242 - 243. همین مطلب به صورت خلاصه از امام سجاد و امام باقر علیهما السلام نیز نقل شده است. (2)

244. امام باقر علیه السلام آیه های: «وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ \* وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَقَدِّ كَفَرُوا بِهِ» (3) را به خسف بیداء تفسیر و در آخر چنین فرمود: از آنها کسی جز دو نفر باقی نخواهد ماند که صورت آنها به پشت سر برگردانده شده و به صورت قهقری برمی‌گردند و به مردم خبر می‌دهند که بر لشکر سفیانی چه گذشته است. (4)

ص: 136

---

1- . مجمع البیان 8 : 228 ، بحار 52 : 186 - 187 ، و مراجعه شود به : جامع البیان 22 : 129 .

2- . مجمع البیان 8 : 228 ، بحار 52 : 186 - 187 ، 308 به نقل از کتاب الغیبة سید علی بن عبدالحمید .

3- . سبأ 34 : 51 - 53 .

4- . تفسیر عیاشی 2 : 57 ، بحار 52 : 342 .



\* در روایت 223 گذشت که : خسف بیداء از علائم حتمی است.

\* در روایت 225 گذشت که : تا آسمان از ندا و زمین از خسف (فرو بردن) لشکر ساکت و آرام است، شما هم آرام گیرید.

\* در روایات 227 و 245 نیز خسف بیداء از علائم ظهور شمرده شده است.

### قتل نفسی زکیه

245 . محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید : ای پسر پیامبر! قائم خاندان شما چه زمانی قیام می کند؟

حضرت فرمود : هرگاه زنان خود را شبیه مردان و مردان خود را شبیه زنان ساختند ، [ و در مسائل جنسی ] مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا نمایند ، زنان بر زین ( مرکب ) سوار شوند ، شهادت و گواهی باطل پذیرفته شده ولی شهادت افراد عادل ردّ شود . برای مردم خونریزی ، زنا و رباخواری آسان باشد . [ مردم ] از تبهکاران و بدجنس ها از ترس زبانشان حساب برند .

سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج نماید ، در بیداء لشکر سفیانی به زمین فرورود ، جوانی از آل محمد علیهم السلام به نام محمد بن حسن [ و ملقب به ] نفس زکیه بین رکن و مقام کشته شود ، صیحه ای از آسمان شنیده شود که حق با او ( قائم آل محمد علیهم السلام ) و شیعیان اوست ؛ آنگاه قائم ما قیام خواهد کرد . (1)

ص: 137

---

1- . کمال الدین 331، إعلام الوری 2 : 291 - 292، کشف الغمة 3 : 342 - 343، بحار 52 : 191 - 192، اثبات الهداة 3 : 718 - 719 .

246. امام صادق علیه السلام فرمود: فاصله قیام قائم آل محمد علیهم السلام و شهادت نفس زکیه بیش از پانزده شب نیست. (1)

247. امام باقر علیه السلام ضمن روایتی طولانی فرمود: حضرت مهدی علیه السلام به اصحابش می فرماید: مردم مکه مرا نمی خواهند ولی من برای اتمام حجت کسی را نزد آنها خواهم فرستاد. سپس حضرت یکی از اصحابش را نزد آنها می فرستد که از طرف حضرت این پیغام را به آنها برساند: «ما خاندان رحمت و مهربانی و جایگاه رسالت و خلافت هستیم، ما فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و سلاله پیامبرانیم، ما ستم دیده، اذیت و آزار کشیده و مغلوب واقع شده ایم، از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا حال حق ما به یغما برده شده است، ما از شما یاری می طلبیم، ما را یاری نمایید».

هنگامی که آن جوان پیغام حضرت را به مردم مکه رساند، او را بین رکن و مقام به قتل می رسانند و این همان نفس زکیه است. خبر شهادت او به امام علیه السلام می رسد، حضرت به اصحابش می فرماید: «به شما نگفتم که اهل مکه ما را نمی خواهند». آنها حضرت را رها نمی کنند تا اینکه قیام کند، حضرت از گردنه طوی به همراهی سی صد و سیزده نفر از یارانش فرود آمده و وارد مسجدالحرام می شود، نزد مقام ابراهیم علیه السلام نماز گزارده، پس از آن به حجرالاسود تکیه می نماید، آنگاه حمد و ثنای خدا بجا آورده، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درود می فرستد و به گونه ای سخن می گوید که هیچ کس پیش از او چنین بیانی نداشته است. اولین کسانی که با او بیعت می کنند جبرئیل و میکائیل هستند.

ص: 138

---

1- . کمال الدین 649، بحار 52 : 203، و مراجعه شود به: اثبات الهداة 3 : 719، 720، 721، 726، 731، 735 - 736.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امیر مؤمنان علیه السلام تشریف آورده و کتاب جدیدی را به حضرت داده - که بر عرب سخت است - و به او فرمان می دهند که مطابق آن عمل نماید . سپس آن سی صد نفر با عده کمی از اهل مکه با حضرت بیعت می نمایند (1).  
\* در روایات 223 - 224 گذشت که : کشته شدن «نفس زکیه» از علائم حتمی است .

تذکر:

لقب «نفس زکیه» بر محمد بن عبدالله بن حسن (مقتول سنه 145) اطلاق می شود که او را «مهدی» نیز می گفتند! (2) روایات متعدد دلالت دارد که او از اهل بیت علیهم السلام منحرف بوده، (3) و معلوم است که این ربطی به علامات ظهور ندارد.

بنابر روایت امیر مؤمنان علیه السلام ، قبل از ظهور نیز شخصی با همین لقب بیرون کوفه کشته خواهد شد. (4) آنچه از علائم حتمی ظهور است کشته شدن «نفس زکیه» ای است که قبلاً گفته شد و در مکه کشته می شود .

بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام ، قبل از ظهور نیز جوان دیگری در مدینه - نه

مکه - کشته می شود ولی لقب «نفس زکیه» برای او نقل نشده است . (5)

ص: 139

---

1- . بحار 52 : 307 به نقل از کتاب الغیبة سید علی بن عبدالحمید .

2- . مناقب 3 : 355 ، بحار 47 : 132 .

3- . بصائر الدرجات 158 ، 176 ، کافی 1 : 360 ، 364 ، الثاقب فی المناقب 381 ، اعلام الوری 1 : 529 ، بحار 26 : 186 و 47 : 131 ، 270 - 272 ، 282 ، 284 - 286 ، عوالم 20 ، قسمت اول : 258 و 20 ، قسمت دوم : 947 - 948 ، 951 - 952 ، 962 ، 967 - 970 ، مستدرک 13 : 23 .

4- . مختصر بصائر الدرجات 199 ، بحار 52 : 273 و 53 : 82 .

5- . کافی 1 : 337 ، غیبت شیخ نعمانی 170 ، کمال الدین 343 ، اعلام الوری 2 : 238 ، بحار 52 : 147 .

نداهای آسمانی که از مهم ترین علائم شناخت حضرت مهدی علیه السلام و ظهور آن جناب است، سه مرتبه اتفاق خواهد افتاد: ماه رجب، ماه مبارک رمضان، و هنگام ظهور آن حضرت که بنابر بعضی از روایات روز عاشورا است.

ندای ماه رجب

248. حضرت ثامن الحجج علیه السلام - پس از آنکه از فتنه ای سخت و سر در گم در زمان غیبت خبر داد آن گونه که مردم هیچ ملجأ و پناهی در آن نخواهند داشت و مؤمنان اسفناک، اندوهناک، حیران و سرگردان باشند - فرمود: گویا می بینم در بدترین حال به سر می برند که ناگاه ندایی به گوش رسد که همگان از دور و نزدیک آن را می شنوند، رحمتی برای اهل ایمان و عذابی برای کافران خواهد بود. راوی پرسید: چه ندایی؟ حضرت فرمود: در ماه رجب سه ندا بر می آید:

1. «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» یعنی: لعنت خدا بر ستمگران.

2. «أَزَقَّتِ الْأَرْفَةَ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ» یعنی: ای اهل ایمان آنچه باید نزدیک شود، نزدیک شده است.

3. بدنی در برابر قرص خورشید نمایان می شود و ندایی به گوش می رسد که: «این امیر مؤمنان علیه السلام است که برای نابودی ستمگران به دنیا برگشته است»

و مردم را به اطاعت از آن حضرت دعوت می نماید.

آنگاه فرج و گشایش فرا می رسد و اموات آرزو می کنند که ای کاش زنده بودند و آن زمان را درک می کردند. خدا دل های اهل ایمان را شفا خواهد داد

249 - 250. از ضمیمه کردن دو روایت از امام باقر علیه السلام استفاده می شود: جبرئیل علیه السلام در شب جمعه بیست و سوم ماه مبارک صیحه ای می زند، او نام مبارک امام زمان علیه السلام را به گوش همه اهل عالم می رساند، [ آن ندا چنان هولناک است که] از شدت ترس و وحشت، کسانی که خوابیده اند بیدار می شوند، ایستاده ها می نشینند و نشسته ها بلند شده و سرپا می ایستند.

در آخر همان روز ابلیس لعین فریاد برآورد: بدانید عثمان مظلوم کشته شده است. او می خواهد مردم را به شك و تردید انداخته و گمراه نماید؛ بسیاری از مردم از کلام او به شك و حیرت افتاده و جهنمی می شوند.

بدانید ندای اول از جبرئیل است. علامتش آن است که نام مبارک قائم آل محمد علیهم السلام و نام پدر آن حضرت را اعلام می نماید به گونه ای که دختران پرده نشین آن ندا را شنیده و پدر و برادر خویش را بر یاری آن حضرت تشویق می نمایند.(2)

ص: 141

---

1- . غیبت شیخ نعمانی قدس سره 186، غیبت شیخ طوسی رحمه الله 439 - 440، دلائل الإمامة 460 - 461، چاپ دیگر 245، خرائج 3: 1168، إعلام الوری 2: 434، مختصر بصائر الدرجات 37 - 38، بحار 36: 338 و 52: 289 - 290، اثبات الهداة 3: 726. و قریب به همین مطلب در روایتی از امیر مؤمنان علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است. رجوع شود به: کفایة الاثر 158 - 159، وعنه في بحار 51: 108 - 109. و در برخی از مصادر فقط صدر روایت آمده، مانند: کمال الدین 371، عیون أخبار الرضا علیه السلام 1: 10، بحار 51: 152.

2- . غیبت شیخ نعمانی قدس سره 262 - 263، بحار 52: 230 - 231.

251 - 253 . مطالب گذشته به صورت پراکنده از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در روایات متعدد نقل شده است. (1)

ندای هنگام ظهور

254 . امام رضا علیه السلام فرمود: [ هنگام ظهور حضرت ] ندایی از آسمان بلند می شود که نام مقدس حضرت را ذکر می نماید به گونه ای که تمام اهل زمین آن را می شنوند. او مردم را به یاری آن حضرت دعوت نموده و می گوید: حجت خدا در خانه خدا ظاهر شده، از او پیروی کنید که حق با اوست.

سپس حضرت آیه شریفه: «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (2) را به همین مطلب تفسیر فرمود. (3)

255 . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هنگام خروج قائم علیه السلام، از آسمان ندا رسد: ای مردم زمان حکومت جباران و ستمگران به پایان رسید، و بهترین شخص از امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حکومت را به دست گرفته است، در مکه به او بپیوندید. (4)

ص: 142

1- . رجوع شود به: غیبت شیخ نعمانی قدس سره 263 - 264 ، کمال الدین 652 ، ارشاد 2 : 379 ، روضة الواعظین 263 ، اعلام الوری 2 : 286 ، کشف الغمة 3 : 261 ، 342 ، الصراط المستقیم 2 : 250 ، بحار 52 : 231 ، اثبات الهداة 3 : 468 ، 514 ، 570 ، 718 ، 729 ، 735 .

2- . الشعراء 26 : 4 .

3- . کمال الدین 372 ، اعلام الوری 2 : 241 - 242 ، کفایة الاثر 274 - 275 ، کشف الغمة 3 : 332 ، الصراط المستقیم 2 : 230 ، بحار 52 : 321 - 322 . و در تفسیر آیه گذشته به ندای آسمانی رجوع شود به: کافی 8 : 310 ، غیبت شیخ نعمانی 260 - 261 ، 268 - 269 ، 271 ، غیبت شیخ طوسی 177 ، ارشاد 2 : 373 ، تفسیر قمی 2 : 118 ، کشف الغمة 3 : 258 ، الصراط المستقیم 2 : 249 ، منتخب الانوار المضيئة 34 ، 306 ، تأویل الآيات 1 : 386 - 387 ، بحار 9 : 228 و 23 : 207 و 51 : 48 ، 221 ، 230 ، 284 - 285 ، 292 - 293 ، 304 نورالتقلین 4 : 46 .

4- . اختصاص 208 ، الملاحم والفتن 287 ، بحار 52 : 304 ، اثبات الهداة 3 : 551 .

256. امام صادق علیه السلام فرمود: اولین کسی که با حضرت قائم علیه السلام بیعت می نماید جبرئیل علیه السلام است که به صورت پرنده ای سفید ظاهر می شود... سپس با صدایی رسا و فصیح که همه بشنوند، فریاد می زند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ» (1).

257. و فرمود: آن حضرت روز عاشورا قیام می کند، گویا می بینم که بین رکن و مقام ایستاده، جبرئیل طرف راست حضرت ندا می کند: «الْبَيْعَةُ لِلَّهِ» یعنی: برای بیعت الهی حاضر شوید. شیعیان از اطراف زمین به سوی او می روند. (2).

اهل بیت علیهم السلام برای این علامت اهمیت ویژه ای قائل شده و آن را از روشن ترین دلایل ظهور حضرت به شمار آورده اند.

258. امام صادق علیه السلام فرمود: صدای اول از آسمان است که اول روز می گوید: «أَلَا إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ»، یعنی: علی علیه السلام و پیروان او رستگارند، و صدای دوم از زمین است که آخر روز می گوید: عثمان و پیروان او رستگارند. (3).

\* در روایت 224 گذشت که: اول روز از آسمان ندایی می رسد - که هر کس با زبان و لغت خودش آن را می شنود - [و می گوید]: «آگاه باشید حق با علی و پیروان اوست»، سپس ابلیس در پایان همان روز از زمین ندا می دهد: آگاه باشید حق با عثمان - و بنابر نقلی: سفیانی - و پیروان اوست.

ص: 143

---

1- . کمال الدین 671 ، تفسیر عیاشی 2 : 254 ، بحار 52 : 285 - 286 ، اثبات الهداة 3 : 574 ، و آیه شریفه در سوره النحل 16 ، آیه 1 .

2- . مراجعه شود به : ارشاد 2 : 379 ، غیبت شیخ طوسی 453 ، الصراط المستقیم 2 : 250 ، روضة الواعظین 263 ، كشف الغمة 3 : 261 ، بحار 52 : 290 ، اثبات الهداة 3 : 514 . با قدری اختلاف .

3- . کافی 8 : 310 ، بحار 52 : 305 ، اثبات الهداة 3 : 451 ، 737 .

259. امام صادق علیه السلام فرمود: صدای جبرئیل علیه السلام از آسمان است و صدای ابلیس از زمین، از صوت اول پیروی و تبعیت نماید، مبدا از شنیدن صوت دوم دچار فتنه شده [و گمراه شوید]. (1)

260. زراره از آن حضرت پرسید: چه کسی ندای حق را از ندای باطل تشخیص می دهد؟ حضرت فرمود: کسانی که سخن ما را نقل کرده اند و پیشاپیش از چگونگی وقوع آن [دو ندا و ترتیب حق و باطل آن] خبر داده اند،

می دانند که بر حق هستند و راست می گویند [زیرا مطابقت آنچه اتفاق افتاده با پیشگویی معصومین علیهم السلام بهترین دلیل بر حقانیت و صدق آنهاست]. (2)

روایات بسیار درباره این علامت به ما رسیده، (3) و در احادیث متعدد آمده است که در ندا نام حضرت مهدی علیه السلام نیز گفته می شود. (4)

شیخ حر عاملی رحمه الله پس از ذکر روایاتی در علائم ظهور فرموده است: روایاتی که در این زمینه وارد شده به ویژه ندا و صیحه آسمانی به نام حضرت مهدی علیه السلام بسیار است که برای اجتناب از قطور شدن کتاب از ذکر آن خودداری نمودم. (5)

ص: 144

- 
- 1- . کمال الدین 652، بحار 52 : 206، و مراجعه شود به: غیبت شیخ نعمانی 263، بحار 52 : 231.
  - 2- . غیبت شیخ نعمانی 273، بحار 52 : 294 - 295.
  - 3- . برای نمونه مراجعه شود به: اثبات الهداة 3 : 502، 568، 720، 721، 727، 731، 735، 736.
  - 4- . اثبات الهداة 3 : 535، 552، 582، 720، 721، 725، 736 و رجوع شود به روایت 254.
  - 5- . اثبات الهداة 3 : 736. این تذکر لازم است که ایشان 126 روایت در باب علائم ظهور آورده، گذشته از روایاتی که متضمن علامات ظهور بوده و به صورت پراکنده در باب 32 مربوط به ولادت و امامت و غیبت آن حضرت قبلاً نقل کرده است.



در روایات شیعه و سنی با اسناد فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام آمده است: حضرت عیسی علیه السلام - برای یاری حضرت مهدی علیه السلام (1) - از آسمان فرود آمده، و در نماز به آن حضرت اقتدا خواهد کرد. (2)

حافظ مزّی (متوفی 742) به نقل از ابوالحسن آبری (متوفی 363) - که هر دو از دانشمندان بزرگ عامه هستند - می نویسد: روایات متواتره توسط راویان بسیار از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره حضرت مهدی علیه السلام وارد شده، این روایات دلالت دارد بر اینکه او از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است و زمین را پر از عدل و داد می نماید، حضرت عیسی علیه السلام در کشتن دجال او را یاری می فرماید، حضرت مهدی علیه السلام بر این امت امامت کرده و حضرت عیسی علیه السلام در نماز به او اقتدا خواهد نمود. (3)

همین مطلب را حافظ عسقلانی، سیوطی در الحاوی للفتاوی، ابن حجر هیثمی به نقل از ابوالحسین آجری و قرطبی به نقل از دیگر دانشمندان سنی ذکر کرده اند. (4)

ص: 145

- 
- 1- . اثبات الهداة 3 : 495.
  - 2- . روضة الواعظین 273 ، احتجاج 1 : 55 ، كشف الغمة 3 : 286 ، بحار 14 : 349 ، و 26 : 320 و 51 : 93 ، اثبات الهداة 3 : 506 ، 523 - 524 ، 567 - 568 ، 572 ، 587 ، 717 - 718 . روایات عامه : 591 ، 596 - 597 ، 599 - 600 - 601 ، 606 ، 608 ، 610 ، 613 - 614 ، 619 ، 649.
  - 3- . اثبات الهداة 3 : 621.
  - 4- . رجوع شود به : تهذیب الکمال 25 : 149 ، تهذیب التهذیب 9 : 126 ، التذکره بأحوال الموتی وأمور الآخرة 701 ، اثبات الهداة 3 : 621 ، تنزیه الشیعة 2 : 384 به نقل از الصواعق 165 .

گذشته از یاران فوق العاده آن حضرت چون جبرئیل، (1) میکائیل، (2) فرشتگان، (3) جنیان، (4) و بازگشت بعضی از اموات از اهل ایمان (5) - که همه از امور شگفت انگیز است - در مورد یاران آن حضرت نیز خصوصیات در روایات وارد شده که می تواند راهی برای شناخت آنها باشد، از آن جمله:

261. امام جواد علیه السلام در مورد آیه شریفه: «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (6) فرمود: یاران [خاص] حضرت مهدی علیه السلام سی صد و سیزده نفر هستند (7) که بدون قرار قبلی از سرزمین های دور دست همزمان در مکه حاضر می شوند و پس از آن، حضرت امر خویش را اظهار می نماید. (8)

262. امام صادق علیه السلام فرمود: [ هنگام ظهور ] صبح که از خواب بلند می شوید، نوشته ای زیر سرتان می بینید که: «طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ». [ و شما را به اطاعت از امام زمان علیه السلام - که اطاعتی نیکو یا شناخته شده و بی شبهه است - فرا می خواند ]. (9)

ص: 146

1- اثبات الهداة 3: 448، 492، 514، 527، 551، 553، 574.

2- اثبات الهداة 527، 583 - 854.

3- اثبات الهداة 3: 440، 527، 542، 562.

4- بحار 53: 8، 14، 35 - 36، 87.

5- مراجعه شود به: کافی 8: 51، مناقب 2: 108، مختصر بصائر الدرجات 198، بحار 41: 320 و 53: 59، 60، 77، 81، اثبات الهداة 3: 449، 515، 550، 573، 574.

6- البقرة 2: 148.

7- آنها حکام زمین در زمان آن حضرت خواهند بود. غیبت شیخ نعمانی 252.

8- بحار 51: 157، و رجوع شود به تفسیر آیه شریفه در تفسیر نورالثقلین 1: 138 - 139 و 2: 341، بحار 51: 53، 58 و 52: 223.

9- کمال الدین 654، بحار 52: 305، 324، اثبات الهداة 3: 582، 723.

263 . و فرمود: هنگام قیام آن حضرت، شمشیرهایی (از آسمان) فرود می آید که بر هر يك نام شخصی (از اصحاب) با نام پدرش نوشته شده است. (1)

264 . امام باقر علیه السلام فرمود: گیتی از وجود یاران آن حضرت پُر می شود، هر چیزی - حتی حیوانات و پرندگان وحشی - مطیع و فرمان بردار آنها هستند. (2)

### وقایع هنگام ظهور

یکی از راه های شناخت حضرت، مطابقت داشتن برنامه عملی و کلمات آن بزرگوار با پیشگویی هایی است که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است.

265 . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هنگامی که زمان قیام او فرا رسد او پرچمی دارد که خود به خود باز شده و به قدرت خدا به سخن در می آید و آن حضرت را ندا می کند که: «ای ولی خدا! خروج کن و دشمنان خدا را نابود ساز».

و هنگام خروج، شمشیر آن حضرت از غلاف بیرون می آید و خدا او را به سخن در می آورد به این کلام که: «ای ولی خدا! خروج کن که دیگر سکوت در برابر دشمنان خدا روا نیست».

پس از آن، خروج نموده و دشمنان خدا را - هر جا که بیابد - نابود می سازد، حدود الهی را بر پا [و احکام او را جاری] و مطابق حکم او قضاوت می نماید. (3)

ص: 147

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 251 - 252 ، بحار 52 : 356 ، اثبات الهداة 3 : 542 .

2- . الإمامة والتبصرة 131 ، کمال الدین 673 ، اثبات الهداة 3 : 494 .

3- . کمال الدین 268 ، خرائج 2 : 551 و 3 : 1167 ، بحار 36 : 208 و 52 : 311 ، و مراجعه شود به کمال الدین 155 - 156 ، عیون اخبار الرضا علیه السلام 2 : 65 ، اعلام الوری 2 : 190 ، قصص الانبیاء علیهم السلام 351 ، خرائج 2 : 953 ، الصراط المستقیم 2 : 155 .

266. امام باقر علیه السلام فرمود: اولین سخن آن حضرت این آیه مبارکه است: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»، (1) سپس می فرماید: «من بقیه الله در زمین و خلیفه و حجت خدا بر شما هستم»، آنگاه هر مسلمانی که به حضرت سلام می دهد می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

هنگامی که ده هزار نفر یاران او جمع شوند، خروج می نماید و هیچ معبودی در زمین باقی نمی ماند - بت یا غیر آن - مگر آنکه آن را با آتش بسوزاند و نابود نماید. این امر [فرج] پس از غیبتی طولانی واقع می شود تا معلوم شود چه کسانی در زمان غیبت [و در باطن] از خدا فرمان برده و به او ایمان دارند. (2)

درباره چگونگی وقایع ابتدای ظهور از امام باقر علیه السلام روایتی در مصادر متعدد - با مضامین نزدیک به هم ولی با قدری زیاده و نقصان - آمده است که گزیده ای از مجموع آنها تقدیم می شود.

267. حضرت به کعبه - و بنابر روایتی: به حجر اسماعیل علیه السلام - تکیه نموده و ندا می دهد: ای مردم! ما از خدا و از هر کس که به ما پاسخ مثبت دهد، یاری می طلبیم. ما خاندان پیامبریم، ما سزاوارترین مردم به خدا و پیامبر او هستیم.

هر کس با من درباره خدا بحث کند، من سزاوارترین مردم به خدا هستم.

سپس همین تعبیر را درباره حضرات آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد صلی الله علیه و آله وسلم و [بقیه] پیامبران الهی علیهم السلام تکرار می نماید که: «من سزاوارترین

ص: 148

1- . هود 11 : 86 .

2- . کمال الدین 331، إعلام الوری 2 : 291 - 292، كشف الغمة 3 : 342 - 343، بحار 52 : 191 - 192، اثبات الهداة 3 : 718 - 719 .

مردم به آنها هستیم»، و می فرماید: مگر خدا در آیات محکم خویش نفرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»؟! (1) من باقی مانده از حضرت آدم، ذخیره نوح، ممتاز از [ آل ] ابراهیم و برگزیده از [ خاندان ] محمد صلی الله علیه و آله وسلم هستیم.

هر کس با من درباره قرآن بحث کند، من از همه مردم به کتاب خدا سزاوارترم.

هر کس با من درباره سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بحث کند، من از همه مردم به سنت آن حضرت سزاوارترم.

شما را به خدا، هر کس کلام مرا شنید به دیگران خیر دهد.

از شما می خواهم به حق خدا و پیامبر و حق خودم - زیرا من بر شما حق دارم چون از اهل بیت پیامبرم - که ما را یاری کنید و در مقابل ظلم و ستم دشمنان ما ایستادگی نمایید. آنان، ما (اهل بیت) را ترسانیدند، به ما ظلم و ستم کرده، ما و فرزندان ما را از شهر و دیارمان آواره کردند، به حقوق ما تعدی و تجاوز نمودند، حق ما را گرفتند، و اهل باطل بر ما افترا بستند.

سپس آن حضرت در کنار مقام ابراهیم علیه السلام نماز می گزارد و خدا را به حق خویش سوگند می دهد.

آنگاه جبرئیل به صورت پرنده ای سفید کنار ناودان کعبه ظاهر می شود، او اولین کسی است که با حضرت بیعت می نماید.

سپس خدای تعالی اصحاب [ ویژه ] آن حضرت را که سی صد و سیزده نفر هستند - بدون قرار قبلی - جمع می کند و بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت

ص: 149

1- . آل عمران 3 : 33 .

می نمایند در حالی که با او عهدی است از پیامبر صلی الله علیه و آله که از پدرانیش به او رسیده.

برنامه بعدی حضرت آن است که مردم مکه را به کتاب خداوند و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دعوت نماید، و فقط از تعداد اندکی پاسخ مثبت می شنود، حاکمی را بر آنها گماشته و از مکه بیرون می رود. در بین راه خبر کشته شدن حاکم مکه به حضرت می رسد، او به مکه بازگشته و با جنگجویان [ وقاتلین حاکم مکه ] مبارزه نموده و آنها را به قتل می رساند ولی قدم را از آن فراتر نمی نهد و کار به اسیر گرفتن نمی کشد.

پس از آن مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیهماالسلام و برائت و بیزاری از دشمنان او دعوت می نماید، بدون اینکه نامی از دشمنان آن حضرت ببرد.

سپس حضرت به سوی مدینه می رود، در بیابان مدینه لشکر سفیانی به زمین فرورود، پس از ورود حضرت به مدینه، قریش [ از ترس ] پنهان می شوند تا آنکه آن حضرت حادثه ای بیافریند. (1) قریش گویند: بایستی با این طاغوت [العیاذ باللّٰه!] مبارزه کرد، به خدا اگر او محمدی، علوی و فاطمی بود، دست به چنین کاری نمی زد. حضرت با آنها مبارزه کرده، جنگجویانشان را کشته و ذریه آنها را به اسارت می گیرد. پس از آن از مدینه خارج می گردد در بین راه خبر کشته شدن حاکم مدینه به او گزارش می شود، حضرت به مدینه بازگشته و کشتاری راه می اندازد ....

ص: 150

---

1- . علامه مجلسی قدس سره احتمال داده که این اشاره به آتش زدن جنازه اولی و دومی باشد. رجوع شود به : بحار 52/346 این مطلب در حدیث 174 توضیح داده شد .

سپس مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و ولایت حضرت علی بن ابی طالب علیهما السلام و برائت و بیزاری از دشمنان او دعوت می نماید.

حضرت بار دیگر از مدینه خارج می شود، در بین راه به «ثعلبیه» می رسد شخصی از سادات - که بسیار نیرومند و قوی دل است - با تعجب از آن حضرت می پرسد: آیا این برنامه هایی که راه انداخته ای به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است یا دلیل دیگری دارد؟! حضرت عهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را بر او قرائت می کند، و او پیشانی حضرت را بوسیده و با آن حضرت تجدید بیعت می نماید.

حضرت با بیش از سی صد نفر از یاران که دل هایی چون پاره های آهن دارند به طرف نجف به راه افتد، در حالی که جبرئیل از طرف راست، میکائیل از طرف چپ، و پنج هزار ملائکه مسومین (فرشتگانی که علامت مخصوص داشتند و در جنگ بدر حاضر شدند) را همراه دارد، رعب و وحشت پیش و پس لشکر را تا مسیر يك ماه فرا گرفته است.

هنگامی که به نجف اشرف می رسند حضرت به آنها می فرماید که امشب را به عبادت مشغول باشید، همه به رکوع و سجود و تضرع و زاری می پردازند. صبح هنگام به طرف نخیله به راه می افتند، هنگامی که به مسجد حضرت ابراهیم علیه السلام می رسند آن حضرت دو رکعت نماز می گزارد، جمعی از مخالفان و لشکر سفیانی به سوی آنها می آیند و به دست لشکر حضرت نابود می شوند تا جایی که حتی يك نفر از آنها هم جان سالم به در نمی برد.

حضرت به کوفه می آید و لشکر خویش را به مبارزه با سفیانی فرا می خواند، مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دعوت می نماید. گرچه سفیانی در ابتدا با حضرت رفتار مسالمت آمیز دارد ولی بستگان مادری اش

مانع می شوند و او به مبارزه با حضرت می پردازد، لشکر او نابود شده و خودش نیز کشته می شود.

سپس آن حضرت گروهی را به روم می فرستد تا باقیمانده بنی امیه را - که به آنان پناهنده شده اند - برگردانند، رومیان از بازگرداندن آنها امتناع می کنند، فرستادگان حضرت آمادگی خویش را برای نبرد اعلام کرده و می گویند: اگر حضرت فرمان دهد ما مبارزه خویش را با شما آغاز خواهیم کرد. آنها مطلب را به بزرگشان گزارش می دهند، او می گوید: بنی امیه را به آنها برگردانید، این گروه قدرت فوق العاده ای دارند و ما یارای مقابله با آنها را نداریم.

سپس حضرت این سی صد و سیزده نفر را به اطراف زمین می فرستد [ تا سرپرستی و حکومت بلاد را به عهده گیرند]. حضرت با دست مبارك سینه و بین کتف های آنها را مسح می نماید و آنها در هیچ قضاوتی در مانده نمی شوند.

در تمام زمین صدای شهادتین به گوش می رسد. حضرت از کسی جزیه نمی پذیرد. آن قدر مبارزه می کنند تا توحید عالم را فرا گرفته و جایی برای شرك باقی نماند. [ چنان امنیت در سرتاسر گیتی حکمفرما شود که] پیرزن ناتوانی از شرق عالم به غرب می رود و کسی او را منع نمی کند (برای او مزاحمتی ایجاد نمی شود). زمین دانه هایش را ظاهر می کند و آسمان بارش خویش را فرو می ریزد. خدا آن قدر بر شیعیان توسعه می دهد که اگر سعادت الهی شامل حال آنها نمی شد طغیان می کردند. (1)

\* در ضمن علامات ظهور، برخی از وقایع هنگام ظهور نیز بیان شد.

ص: 152

---

1- رجوع شود به: تفسیر عیاشی 2: 56 - 61، اختصاص 255، غیبت شیخ نعمانی 187 - 188، 289 - 291، تفسیر قمی 2: 205، بحار 52: 237 - 239، 305 - 306، 315 - 316، 341 - 345.



در زیارت امام زمان علیه السلام می خوانیم : «السَّلَامُ عَلَی الْحَقِّ الْجَدِيدِ» ؛ در روایات متعددی به این مطلب اشاره شده که آن حضرت پس از ظهور برنامه جدیدی را ارائه خواهد نمود. (1) اکنون پرسشی مطرح می شود که این مطلب چگونه با ادله استمرار شریعت و بقای آیین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تا قیامت، سازگار است؟

در پاسخ می گوئیم: بدون شك حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام دین و آیین و روش و سنت جدّ بزرگوارش را احیا نموده و از غربت به در می آورد ولی چون احکام و معارف واقعی دین در این مدت طولانی بر مردم پوشیده بوده است ، روش حضرت برای آنان تازه و جدید می نماید .

مجموع احکام و برنامه هایی که به وسیله حضرت ابلاغ و اجرا می شود و برای مردم تازگی دارد، قابل تقسیم بر چند قسم است:

1. بیان و اجرای احکامی که دستخوش تحریف و تبدیل واقع شده است.
2. احکامی که مردم از روی جهل آن را ترك کرده بودند .
3. مطالبی که از روی علم و عمد کنار گذاشته شده است .
4. احکام واقعی که با احکام ظاهری معروف بین مردم منافات دارد .
5. حکم هایی که بر خلاف تقیه است .
6. ممکن است مطلب خاصی باشد که به ظاهر با احکام سابق تنافی داشته ولی به حکم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم - به شرحی که می آید - از آیین اسلام خواهد بود.

ص: 153

---

1- . رجوع شود به روایات شماره : 211 ، 247 ، 274 ، 277 و همچنین مراجعه کنید به : اثبات الهداة 3 : 448 ، 454 ، 527 ، 516 ، 524 ، 536 ، 539 ، 555 .

7. حضرت بر خلاف پدران بزرگوارش مأمور به تقیه نیست ، با دشمنان مبارزه می کند و حکومت واحد جهانی تشکیل می دهد.

8. روش حکومت حضرت برخلاف همه دولت ها و حکومت ها کاملاً عادلانه و روشی تازه و نو خواهد بود.

9. قرآن را به گونه ای که مقصود واقعی خداست بیان می فرماید .

### شرح مختصری بر برنامه های آن حضرت

همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با آوردن اسلام، جاهلیت را محو و نابود کرد، آن حضرت هم پس از ظهور ، احکام و معارف دین مبین اسلام را واضح و روشن بیان می نماید و شرایط گذشته به فراموشی سپرده می شود، به این بیان که:

1 . قسمتی از اصول و فروع دین که تحریف شده و یا هر کس به گونه ای آن را توجیه و تفسیر نموده و برخلاف واقع بیان شده است با آمدن حضرت به صورت صحیح و بدون هیچ کم و کاستی بیان می شود.

2 - 3 . در دوران غیبت - به واسطه کوتاهی مردم در تعلّم و تقهّ در دین و حتی گاهی دانسته و از روی عمد - بخشی از قوانین شریعت زیر پا گذاشته شده و برخی از احکام و معارف به دست فراموشی سپرده شده است ولی پس از روی کار آمدن دولت حق ، به آن احکام نیز جامه عمل پوشیده خواهد شد و معارفی را که از یاد برده بودند به آنها تعلیم می شود.

4 . در زمان غیبت در بسیاری از موارد به واسطه معلوم نبودن احکام واقعی و با توجه به ظواهر ادله ، احکامی استنباط شده که حکم ظاهری شمرده

می شود ولی در دوران حضور ایشان ، دیگر جهل به حکم واقعی معنا ندارد و آن حضرت احکام واقعی را جایگزین احکام ظاهری خواهد نمود.

5. دیگر امامان معصوم علیهم السلام - در گفتار و رفتار - مأمور به تقیه بوده و در بیان احکام الهی آزاد نبوده اند لذا گاهی مجبور می شدند حکمی را از باب اضطرار به نحو تقیه بیان و یا عمل نمایند ولی امام زمان علیه السلام تقیه را به طور کلی کنار گذاشته و احکام واقعی را بیان و اجرا خواهد نمود.

6. اگر حکم خاصی از آن حضرت صادر شود، باز هم خارج از آیین جدّ بزرگوارش نخواهد بود، زیرا بنابر نقل شیعه و سنی مسلم است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به اطاعت و پیروی از حضرت مهدی علیه السلام دستور داده ، پس وظیفه همگان است که آنچه امر می فرماید بپذیرند و عمل نمایند. پس آنچه به وسیله آن حضرت ابلاغ شود نسخ شریعت اسلام نیست بلکه به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بخشی از همان آیین محسوب می شود.

این مطالب نظیر سخنی است که عامه نقل کرده اند که : حضرت عیسی علیه السلام پس از نزول از آسمان برخی از احکام را تغییر خواهد داد ، و بنابر روایات خودشان حضرت عیسی علیه السلام تابع حضرت مهدی علیه السلام است نه اینکه شریعت مستقلی داشته باشد. (1)

7. برنامه عملی آن حضرت با برنامه پدران بزرگوارش علیهم السلام متفاوت است ، آنها مأمور به مبارزه و تشکیل حکومت نبوده اند، ولی حضرت مأمور به جهاد است و حکومت واحد جهانی تشکیل خواهد داد.

ص: 155

---

1- . رجوع شود به کلام شیخ طبرسی و علامه مجلسی در بحار 52 : 382 - 383.

8. حکومت آن حضرت - برخلاف تمام حکومت ها - عدالت را در سرتاسر جهان اجرا خواهد نمود به گونه ای که همه کس و همه جا را فرا گرفته و آسایش و امنیت و شادی بر جامعه حکم فرما گردد. فقر مادی و فرهنگی مردم به کلی برطرف می شود، هیچ نیازمند و مستمندی وجود نخواهد داشت و علم و دانش بشر به آخرین حد ممکن خواهد رسید.

9. قرآنی که دست ما است کتاب صامت است و هر کس مطابق میل خودش به تفسیر، تأویل و توجیه آن می پردازد ولی آن حضرت قرآن ناطق است و کتاب خدا را به نحو صحیح و مطابق مراد خداوند برای مردم بیان می نماید.

آن حضرت مصحفی را به همراه دارد که در آن شأن نزول آیات و تفسیر آن به بیان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و به خط مبارك امیر مؤمنان علیه السلام موجود است. (1)

ص: 156

---

1- . امیر مؤمنان علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مشغول جمع آوری قرآن شد. همه آنچه را از آن گرامی فرا گرفته بود - اعم از تنزیل و تأویل، شرح و بیان آیات و شأن نزول آن - نوشت. حضرت به مسجد آمد، مردم اطراف ابوبکر را گرفته بودند، هنگامی که قرآن را بر آنها عرضه داشت، به او گفتند: آن را بگذار و برو! حضرت با احتجاج به حدیث ثقلین فرمود: این قرآن از من جدا نمی شود. گفتند: ما نیازی به تو و قرآنت نداریم. آنچه از قرآن نزد ماست برای ما کافی است. آن قرآن نزد امام زمان علیه السلام موجود است و پس از ظهور، آن را به مردم تعلیم می نماید. رجوع شود به: کافی 2: 632 - 633، بحار 28: 264 - 265، 308 و 52: 339 و 90: 126. لازم به تذکر است که جبرئیل در توضیح برخی از آیات قرآن مطالبی را از جانب خداوند آورده ولی نه به این عنوان که از قرآن باشد، بلکه شرح آیات و بیان شأن نزول آن است. (رجوع شود به اوائل المقالات شیخ مفید 81، قوانین الاصول 404، البیان فی تفسیر القرآن 243-244).

در آخرین بخش این نوشتار به نقل روایاتی می پردازیم که در مورد تکالیف زمان نزدیک ظهور آن حضرت وارد شده است .

### پنهان شدن از سفیانی

268 . امام صادق علیه السلام فرمود: مردان باید خود را از سفیانی پنهان کنند ولی او با زنان کاری ندارد، هنگامی که او بر پنج ناحیه - از نواحی شام(1) - غالب شد ، شما به سوی حضرت صاحب الزمان علیه السلام کوچ نمایید .(2)

269 . حضرت - در روایتی دیگر پس از ذکر سفیانی - فرمود : مردان باید چهره خود را از او بپوشانند [ و مخفی شوند] ، ولی برای زنان مشکلی ایجاد نمی کند.(3)

ص: 157

---

1- . در روایت شماره 236 این پنج ناحیه نام برده شد .

2- . بحار 52 : 272 به نقل از سرور أهل الایمان .

3- . امالی شیخ طوسی 661 ، بحار 52 : 275 .

270. امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که قائم آل محمد علیهم السلام قیام نماید، واجب است که اسباب مبارزه و نبرد برادران دینی را مهیا و آنها را تقویت نمایید. (1)

### یاری یمانی

271. امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ پرچمی برتر از یمانی نیست؛ زیرا او مردم را به یاری امام مهدی علیه السلام دعوت می نماید، هنگام خروج او فروختن اسلحه حرام است. پرچم او پرچم هدایت است، به دنبال او روید، روا نیست که هیچ مسلمانی از یاری او دست بردارد، کسی که از این فرمان سرپیچی کند اهل آتش است. او مردم را به راه حق و صراط مستقیم دعوت می کند. (2)

این تذکر لازم است که خروج یمانی از یمن است، (3) و امر به همراهی با او، منافات با نهی از پیروی پرچم های قبل از ظهور ندارد؛ زیرا او نزدیک زمان ظهور خروج می نماید (4) و به امام زمان علیه السلام ملحق می شود، چنانکه در روایت اخیر گذشت: «لِأَنَّهٗ يَدْعُو إِلَىٰ صَحَابِكُمْ». یعنی: او مردم را به یاری امام مهدی علیه السلام دعوت می نماید.

ص: 158

---

1- . مصادقة الاخوان 37، وسائل 12 : 27، اثبات الهداة 3 : 495، جامع أحاديث الشيعة 8 : 370 .

2- . غيبت شيخ نعماني 264، بحار 52 : 232، نظير اين مطلب در روايت 238 گذشت .

3- . كمال الدين 1 : 328، 331، كشف الغمة 2 : 534، منتخب الأنوار المضيئة 176، بحار 52 : 192 .

4- . چنانکه در روايت 222 و 245 اشاره شد و در روايت شماره 238 تصريح شد که خروج او و خروج سفیانی و خروج خراسانی در يك سال، يك ماه و يك روز است . در روايتی - درباره همزمان بودن خروج او و خروج سفیانی - آمده : سفیانی و یمانی مانند دو اسب مسابقه هستند . غيبت شيخ نعماني قدس سره 317، امالی شيخ طوسي رحمه الله 661، بحار 52 : 253، 275 .

272. امام باقر علیه السلام ضمن حدیثی فرمود: به مدینه چه کاری دارید؟! (از رفتن به آن خودداری نمایید)؛ زیرا لشکر سفیانی آنجا خواهد رفت، به مکه روید که محل اجتماع شماس است. (1)

273. آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: هنگامی که در شام آشوب شود از آنجا بگریزید که محل فتنه و کشت و کشتار است. راوی پرسید: کجا برویم؟ فرمود: بهترین مکان مکه است [که امام زمان علیه السلام از آنجا قیام می کند].

و در ادامه در مورد کوفه فرمود: خارج شدن از آن بهتر است. (2)

\* در روایت 255 گذشت که: منادی ندا دهد: در مکه به او پیوندید.

\* از روایات عنوان بعد نیز همین مطلب استفاده می شود.

### حرکت به سوی حضرت و شتاب در هر شرایطی

274. امام باقر علیه السلام ضمن روایتی فرمود: مردم از ترس و وحشت در سختی و فشار شدیدی قرار می گیرند، حال آنها چنین خواهد بود تا آنکه منادی از آسمان ندا دهد. پس آنگاه [به سوی او] کوچ کنید، کوچ کنید؛ به خدا سوگند گویا می بینم که مردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند با برنامه ای نوین، کتابی جدید و قدرتی آسمانی و بی سابقه. (3)

ص: 159

1- . غیبت شیخ نعمانی 312، بحار 52 : 141 .

2- . بحار 52 : 271 به نقل از سرور أهل الایمان .

3- . غیبت شیخ نعمانی 270، بحار 52 : 235 .

275. امام صادق علیه السلام فرمود: سفیانی حتما خروج می کند و قیام او قطعا در ماه رجب خواهد بود. از حضرت پرسیدند: هنگام قیام او حال ما چگونه است [و چه باید کرد]؟ حضرت فرمود: آن زمان به سوی ما بیاید. (1)

\* در روایت 62 گذشت که: از جایت حرکت نکن تا سفیانی قیام کند، پس از خروج او، ما را اجابت کنید. حضرت سه مرتبه این کلام را تکرار کرد.

\* در روایت 268 گذشت که: هنگامی که سفیانی بر پنج ناحیه غالب شد، به سوی حضرت صاحب الزمان علیه السلام کوچ نمایید.

از روایات استفاده می شود که در هر شرایطی - هر چند سخت و ناگوار - بایستی به سرعت به سوی آن حضرت شتافت.

276. حضرت ثامن الائمه از پدران بزرگوارش علیهم السلام - وهمچنین ابوامامه - از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کنند که حضرت فرمود: قیامت برپا نمی شود تا آنکه قائم بر حق از خاندان ما قیام نماید و آن، هنگامی است که خدا به او اجازه دهد. هر کس از او تبعیت نماید نجات می یابد و هر کس تخلف کند هلاک می شود.

ای بندگان خدا! شما را به خدا، شما را به خدا به یاری او روید اگر چه به صورت سینه خیز و بر روی برف؛ زیرا او خلیفه الله و جانشین من است. (2)

ص: 160

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 313 ، بحار 52 : 249 - 250 .

2- . عیون أخبار الرضا علیه السلام 1 : 65 ، کفایة الأثر 107 ، دلائل الإمامة 452 ، بحار 36 : 322 و 51 : 65 ، اثبات الهداة 3 : 456 ، 523 و رجوع شود به : شرح الأخبار 3 : 359 .



277. امام صادق علیه السلام فرمود: تا زمانی که ما خانه نشین هستیم شما هم خانه نشین باشید، هنگامی که صاحب حرکت [وقیام] ما به راه افتاد، به سوی او شتاب نمایید گرچه با حالت سینه خیز.

به خدا سوگند گویا می بینم که مردم بین رکن و مقام با او بیعت می کنند بر کتاب جدیدی که [پذیرفتن آن] بر عرب سخت و دشوار باشد (1).

278. آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: هنگامی که سفیانی خروج کند، لشکری به مبارزه با ما می فرستد و لشکری برای مبارزه با شما. آن زمان با شتر سرکش و رام (یعنی با هر وسیله و مرکبی که ممکن باشد) نزد ما بیایید. (2)

279. ابن مسعود می گوید: چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به گروهی از جوانان بنی هاشم افتاد، رنگ رخسارش دگرگون گشته و اشک در چشمان مبارکش حلقه زد.

سپس فرمود: خدا در مورد ما خاندان، آخرت را بر دنیا ترجیح داده است. خاندانم پس از من [بلا و رنج بسیار خواهند دید]، از وطن خویش آواره و سرگردان می شوند تا آنکه مردی از خاندانم قیام می نماید و زمین را پر از عدل و داد می نماید چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد، هر کس زمان او را درک کرد به یاری اش برود حتی اگر با حالت سینه خیز و بر روی برف باشد! (3)

\* در روایت 37 گذشت که: در ماه رجب ... به سوی ما روی آورید، اگر خواستید تا شعبان هم تأخیر بیندازید اشکالی ندارد، بلکه می توانید روزه ماه

ص: 161

---

1- . غیبت شیخ نعمانی 200، 271، بحار 52 : 135، اثبات الهداة 3 : 536 .

2- . غیبت شیخ نعمانی 318، دلائل الامامة 487، بحار 52 : 253.

3- . شرح الأخبار 3 : 359 - 360 و رجوع شود به : دلائل الامامة 442 .

مبارك را هم بين خانواده خود باشید شاید تجدید قوا نمایید .

\* در روایت 135 گذشت که : هنگامی که شنیدید ظاهر شده ، به سوی او بروید اگر چه به [ سختی و مشقت ] سینه خیز رفتن بر روی برف باشد .

\* در روایت 234 گذشت که : هنگامی که شنیدی سفیانی خروج کرده به سوی ما کوچ نما حتی اگر با پای پیاده باشی .

### سپاسگزاری خداوند به جهت درك دولت کریمه

280 . امام باقر و امام صادق علیهما السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می کنند که فرمود: خاندان من در میان امت مانند ستاره های آسمان هستند، هر ستاره ای غروب نماید ستاره دیگری طلوع می کند ... .

پس از آن روزگاری خواهد آمد که تشخیص امام و حجت از بین فرزندان حضرت عبدالمطلب علیه السلام ممکن نباشد، آنگاه خداوند ستاره فروزان شما را می رساند . پس سپاسگزار و شکرگزار خداوند باشید و آن حضرت را بپذیرید [ و به او ایمان آورید ] . (1)

281 . روایتی دیگر قریب به روایت فوق از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است .

\* در روایت 101 گذشت که : برای شما پرچمی ظاهر می شود، پس آنگاه حمد و ستایش خدا را بجای آورده و به آنچه ظاهر شود تمسك نمایید .

ص: 162

## کیفیت خطاب و سلام به حضرت پس از ظهور

282. امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس از شما حضرت مهدی علیه السلام را درک نمود، هنگامی که چشمش به حضرت افتاد بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ [الرَّحْمَةِ وَ] النَّبُوَّةِ، وَ مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعَ الرِّسَالَةِ»، یعنی: سلام بر شما ای خاندان [رحمت و] نبوت، و ای معدن دانش و جایگاه رسالت.

و بنابر نقلی افزود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ». (1)

283. کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به حضرت قائم علیه السلام به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام داده می شود؟

حضرت فرمود: نه، خدا این اسم را به حضرت علی علیه السلام اختصاص داده، هیچ کس پیش از او و پس از او به این نام خوانده نمی شود جز کافر!

راوی پرسید: پس هنگام تشریف به حضور حضرت مهدی علیه السلام چگونه به ایشان سلام داده می شود؟

حضرت فرمود: می گویند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ»؛ سپس حضرت آیه شریفه: «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (2) را قرائت فرمود. (3)

\* در روایت 266 گذشت که: هر مسلمانی که به حضرت سلام دهد می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».

ص: 163

---

1- . غیبت شیخ طوسی 472 - 471 ، بحار 52 : 331 ، ورجوع شود به : کمال الدین 653 ، العدد القویة 65 ، بحار 51 : 36 و 52 : 317 - 318 .

2- . هود 11 : 86 .

3- . کافی 1 : 412 - 411 ، وسائل 14 : 601 - 600 ، بحار 24 : 212 - 211 ورجوع شود به کمال الدین 653 .

8) ممکن است یکی از حکمت های غیبت ، نداشتن نیروی کافی و لازم برای مبارزه با دشمنان باشد، چنانکه در روایات آمده است :

1/161 . من همان مطلبی را که پدرانم گفته اند تکرار می کنم : اگر در بین شما به تعداد مسلمانان در جنگ بدر نیرو وجود داشت ، قائم ما قیام می کرد .(1)

2/161 . امام صادق علیه السلام فرمود : اگر عده ای که اوصاف آنان بیان شده - سیصد و سیزده نفر - تکمیل می شد ، آنچه شما می خواهید (یعنی فرج) واقع می شد .(2)

3/161 . امام جواد علیه السلام فرمود: هنگامی که این تعداد از اهل اخلاص از جاهای دور دست زمین جمع شوند، خدا امر آن حضرت را ظاهر می فرماید.(3)

4/161 . شایان ذکر است که بنابر فرمایش امام صادق علیه السلام ، این افراد پرچمداران سپاه حضرت مهدی علیه السلام و حاکمان الهی بر بندگان در سرتاسر زمین هستند.(4)

شیخ مفید قدس سره در ضمن کلامی می فرماید : این افراد باید کسانی باشند که حالشان در شجاعت ، صبر و استقامت در برابر دشمن، اخلاص در جهاد ، ترجیح آخرت بر دنیا ، صفای باطن و پاکی دل ، عقل صحیح (و کامل) ، سستی نداشتن در برابر دشمن و ... معلوم باشد. و همه شیعیان (موجود) این اوصاف را ندارند ، اگر داشتند حتما حضرت مهدی علیه السلام ظهور می فرمود .(5)

ص: 164

1- . عن أبي الحسن عليه السلام : لو كان فيكم عدّة أهل بدر لقام قائمنا . مشكاة الأنوار 63 - 64

2- . غيبت شيخ نعماني قدس سره 203 ، بحار الأنوار 65 : 165 .

3- . كمال الدين 2 : 378 ، كفاية الأثر 282 ، إعلام الوری 435 ، الاحتجاج 2 : 449 ، منتخب الأنوار المضيئة 177 ، بحار الأنوار 52 : 283 .

4- . كمال الدين 2 : 673 ، منتخب الأنوار المضيئة 198 ، بحار الأنوار 52 : 326 .

5- . رسائل الشيخ المفيد في الغيبة 3 : 11 .

بخش اول : برتری مؤمنان زمان غیبت

شگفت ترین ایمان در آخرالزمان \*\*\* 9

پاداش تحمل مشکلات زمان غیبت \*\*\* 10

اهمیت بندگی قبل از ظهور \*\*\* 11

ناخدای کشتی نجات زمان غیبت \*\*\* 12

بالا ترین مقام در زمان عدم حضور امام علیه السلام \*\*\* 13

کم بودن اهل نجات در آخرالزمان \*\*\* 15

بخش دوم : وظایف زمان غیبت

19 - 100

خطوط کلی برنامه زمان غیبت \*\*\* 19

حفظ حب و بغض در غیبت امام علیه السلام \*\*\* 22

تأکید بر ولایت در زمان غیبت \*\*\* 24

امامان معصوم علیهم السلام الگوی زمان غیبت و حضور \*\*\* 25

انتظار فرج \*\*\* 32

عجله نداشتن در ظهور حق \*\*\* 41

رعایت تقیه تا زمان ظهور \*\*\* 44

گمنام زیستن و عزلت در آخرالزمان \*\*\* 48

خانه نشینی و حفظ زبان قبل از ظهور \*\*\* 51

حکم ذکر نام امام زمان علیه السلام در زمان غیبت \*\*\* 55

تکذیب تعیین زمان خاص برای ظهور \*\*\* 56

دعا و نیایش برای ظهور و عاقبت به خیری \*\*\* 58

استقامت در زمان غیبت \*\*\* 62

ص: 165

- شناخت اوضاع زمان غیبت \*\*\* 64
- رعایت اموری گوناگون در زمان غیبت \*\*\* 74
- محافظت بر اعمال و آداب شرعی \*\*\* 74
- تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر \*\*\* 75
- حکم جهاد در زمان غیبت \*\*\* 77
- تقویت باطن \*\*\* 78
- دوری از شك و تردید \*\*\* 79
- جلوگیری از قساوت قلب \*\*\* 80
- ترجیح ناتوانی بر فخر فروشی \*\*\* 81
- مواسات برادران دینی \*\*\* 82
- گلایه نداشتن از خدا \*\*\* 82
- گول دنیا را مخور \*\*\* 83
- رسیدگی به درماندگان \*\*\* 84
- پرهیز از علمای سوء \*\*\* 85
- رجوع به راویان حدیث \*\*\* 86
- انسب به کتب احادیث \*\*\* 87
- همدلی در وفاداری، پرداخت حقوق \*\*\* 87
- امید به ظهور \*\*\* 88
- فراموش نکردن حضرت \*\*\* 88
- غم فراق \*\*\* 91
- شوق دیدار \*\*\* 92

حکمت غیبت \*\*\* 93

بخش سوم : شناخت امام زمان علیه السلام

101 - 124

روشن تر از آفتاب \*\*\* 104

نصّ بر امامت \*\*\* 106

قدرت بر اعجاز و علم امامت \*\*\* 107

ص: 166



اوصاف ظاهری \*\*\* 110

فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم \*\*\* 116

سلاح، زره و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم \*\*\* 116

رایت ظفر \*\*\* 120

ذخائر پیامبران الهی علیهم السلام \*\*\* 123

اتفاق بنی فاطمه \*\*\* 126

بخش چهارم : شناخت علائم ظهور

125 - 148

خروج سفیانی \*\*\* 132

فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابان مدینه \*\*\* 135

قتل نفس زکیه \*\*\* 137

صیحه آسمانی \*\*\* 140

نزول حضرت عیسی علیه السلام \*\*\* 145

ویژگی های یاران \*\*\* 146

وقایع هنگام ظهور \*\*\* 147

سیره عملی حضرت ، برنامه ای جدید \*\*\* 153

بخش پنجم : وظایف نزدیک ظهور

149 - 156

پنهان شدن از سفیانی \*\*\* 157

تجهیز رزمندگان \*\*\* 158

یاری یمانی \*\*\* 158

حرکت به سوی حضرت و شتاب در هر شرایطی \*\*\* 159

سپاسگزاری خداوند به جهت درك دولت کریمه \*\*\* 162

کیفیت خطاب و سلام به حضرت پس از ظهور \*\*\* 163

استدراك مربوط به صفحه : 102 (حکمت غیبت) \*\*\* 164

ص: 167

السلام عليك يا صاحب الزمان

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ ، وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ ،

السَّلَامُ عَلَى مُحِبِّي الْمُؤْمِنِينَ ، وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ ،

السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ ، وَ جَامِعِ الْكَلِمِ ،

السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ ، وَ صَاحِبِ الشَّرَفِ ،

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمُعْبُودِ ، وَ كَلِمَةِ الْمُحْمُودِ ،

السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ ، وَ مُدِلِّ الْأَعْدَاءِ ،

السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ ، وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ ،

السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ ، وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ ،

السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ ، وَ الْقَمَرِ الرَّاهِرِ ، وَ النَّوْرِ الْبَاهِرِ ،

السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ ، وَ بَدْرِ التَّمَامِ ،

السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ ، وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ ،

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ ، وَ فَلَاقِ الْهَامِ ،

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْثُورِ ، وَ الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ ،

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ ، وَ حُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ ، الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ ، وَ الْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ ،

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ ، وَيَلْمَ بِهِ الشَّعْثَ ، وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا ، وَيُمْكِّنَ لَهُ ، وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ .

أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْكَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ آبَائِكَ أُمَّتِي وَ مَوَالِي فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ .

أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي ، وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي ، وَ غُفْرَانِ ذُنُوبِي ، وَ الْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي ، لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَحْوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ .



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

